

دوفصلنامه اندیشه اسلامی جنسیت و خانواده



سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشریه علمی داخلی اندیشه اسلامی جنسیت و خانواده

تهیه و تنظیم: معاونت پژوهش جامعه الزهراء

مدیر مسئول: صدیقه شاکری حسین آباد

سرمدیر: سمیه حاجی اسماعیلی

دبیر تخصصی: کوثر میرزایی

مدیر داخلی: زهرا حیدری

ویراستان: زهرا رضائیان

طراح گرافیک: هادی عبدالمالکی

هیأت تحریریه:

حمیده تابعی: مدرس و پژوهشگر حوزه و دانشگاه، گروه مطالعات زن و خانواده

فائقه جاویدان: مدرس و پژوهشگر حوزه، گروه مطالعات زن و خانواده

فهیمة زارع: مدرس و پژوهشگر حوزه و دانشگاه، گروه مطالعات زن و خانواده

ریحانه کارپورز: مدرس و پژوهشگر حوزه و دانشگاه، گروه مطالعات زن و خانواده

کوثر میرزایی: مدرس و پژوهشگر حوزه، گروه مطالعات زن و خانواده

معصومه نفیسی راد: مدرس و پژوهشگر حوزه، گروه مطالعات زن و خانواده

نشانی: قم، سالاریه، خیابان بوعلی، جامعه الزهراء

تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۲۳۴۲ - ۳۲۱۱۲۴۰۰

آیدی ایتا: @nasriyye

شمارگان: ۵۰ نسخه

این نشریه با همکاری گروه علمی مطالعات زنان به چاپ رسیده است.

راهنمای تدوین و ارسال مقاله

الف) تدوین مقاله

مقاله باید به زبان اصلی و رسمی نشریه (فارسی) باشد.

مقاله باید علمی پژوهشی، مستند، دارای نوآوری و حجم آن حداقل ۵۰۰۰ کلمه و حداکثر ۸۰۰۰ کلمه باشد.

عنوان

عنوان مقاله باید دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.

مشخصات نویسنده یا نویسندگان

شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مشخصات تحصیلی حوزوی و دانشگاهی به تفکیک رشته، محل تحصیل، محل خدمت، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.

چکیده

آیینیه تمام نما و فشرده پژوهش است که باید دربردارنده قلمرو بحث، هدف تحقیق، جامعه و نمونه مطالعه، روش تحقیق و مهم ترین نتایج باشد و ضمن اشاره به نتیجه گیری نهایی در قالب ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه تنظیم شود. در ادامه فهرستی از واژه های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه ذکر شود.

مقدمه

شامل خلاصه ای از بیان مسئله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال ها و پیشینه پژوهش باشد.

بدنه اصلی مقاله

در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به موارد ذیل پرداخته شود: توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسئله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم بندی مطالب در قالب محورهای مشخص، در صورتی که مطلبی به عینه از منبعی نقل می شود، ابتدا و انتهای آن داخل گیومه «» قرار داده شود.

نتیجه گیری

شامل یافته های پژوهش به شیوه ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته های با اهداف پژوهش و ارائه راهکارها و پیشنهادات.

ارجاعات

ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، به شیوه استاندارد (APA) باشد، و در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، به شکل ذیل آورده شود:

منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳).
منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛ مثال: (planting, 1998, p.71).
اگر از نویسنده ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.

آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛ مثال: (بقره: ۲۵).

اگر دو اثر با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شده است، به این صورت به هر دو اشاره شود؛
(نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه/ نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه)
یادداشت ها و پانویست ها: تمام توضیحات ضروری، در پایین هر صفحه آورده شود (ارجاع و اسناد
در یادداشت ها، مانند متن مقاله، به روش درون متنی خواهد بود).

ارجاع به سایت های معتبر همچون خبرگزاری های رسمی یا سایت های مؤسسات علمی پژوهشی
همچون باقرالعلوم علیه السلام، جامعه الزهراء علیها السلام و ... در صورتی که مطلب مورد استفاده مقاله نباشد؛ خبر یا
یک یادداشت باشد، آدرس دهی به شرح ذیل است:

نام سایت، «عنوان مطلب مورد استفاده»، تاریخ درج مطلب، کد مطلب.

برای مثال: پایگاه اطلاع رسانی جامعه الزهراء علیها السلام، «حضور ۱۱۰ نفر از اساتید و طلاب جامعه الزهراء علیها السلام در
رویداد آموزشی»، ۱۴۰۱/۳/۱۱، کد مطلب: ۱۰۸۷۵

فهرست منابع

در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه
شود:

کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، تاریخ چاپ (ش، ق، م)، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح،
شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر.

مثال: مطهری، مرتضی (۱۳۸۳ش)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.

مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره
نشریه، شماره نشریه، از صفحه تا صفحه.

مثال: فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۱)، «طبقه بندی جریان های رازی شناسی در ایران و غرب»، آینه
میراث، ش ۵۰، بهار و تابستان، ص ۲۵۰ - ۲۳۵.

مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرة المعارف ها: نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر)
«عنوان مقاله»، عنوان مجموعه مقالات یا دایرة المعارف، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار:
نام ناشر.

مثال: قربان نیا، ناصر (۱۳۸۲)، «زن و قانون مجازات اسلامی»، مجموعه مقالات زن و خانواده، قم:
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نقل قول‌های مستقیم به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی متر) از سمت راست درج گردد. عنوان کتاب در متن مقاله، ایتالیک، و عنوان مقاله در «» قرار گیرد.

در ذکر سایت‌های مورد استفاده تنها به اسم اصلی سایت اکتفا شود؛ برای مثال: www.jz.ac.ir

الگوی قلم‌مقالات

مقاله در الگوی A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط word، و متن مقاله با قلم B Mitra 14 (لاتین TimesNewRoman 10) و یادداشت‌ها و کتابنامه B Mitra 12 (لاتین TimesNewRoman 10) حروف چینی شود.

عناوین تیترها: عناوین با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی، از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیترهای فرعی، اعداد فارسی به کار رود. اشکال، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها و نمودارها باید همراه با متن مقاله، در محل مناسب علامت‌گذاری شود و دارای زیرنویس باشد. رعایت آخرین نسخه دستور خط فارسی، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در نگارش مقالات الزامی است.

ب) تعهدات

مقاله دست‌آورد پژوهش علمی شخص نگارنده باشد و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

مقاله ارسالی در هیچ نشریه داخلی و یا خارجی چاپ نشده باشد (ارسال مقاله به نشریات دیگر بعد از چاپ در این نشریه بلامانع است).

دوفصلنامه هیچ تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله برعهده نخواهد داشت. همه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در متن مقاله، بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.

نویسنده پس از ارسال مقاله به ارزیابان حق انصراف ندارد (در موارد خاص در صورت پرداخت هزینه امکان پذیر است).

در صورت چاپ مقاله، یک نسخه الکترونیکی به نویسنده ارسال خواهد شد.

ج) ارسال مقاله

برای ارسال مقاله از طریق آیدی [@nasriyye](mailto:nasriyye) با درج نام و نام خانوادگی کامل نویسنده یا نویسندگان، رتبه حوزوی و دانشگاهی یا عنوان علمی، نشانی پستی، شماره تلفن، و نشانی الکترونیکی فایل اثر بارگذاری و ارسال شود.

ارتباط با مدیر داخلی نشریه از طریق تلفن ۳۲۱۱۲۳۴۲ - ۳۲۱۱۲۴۰۰ - ۰۲۵، و آیدی [@nasriyye](mailto:nasriyye)، امکان پذیر است.

فهرست مقالات

- سخن سردبیر ۹
- اغتشاشات ۱۴۰۱ و پیامدهای آن بر امنیت روانی زنان ۱۱
فائزه آبادیه
- علل گرایش بانوان محجبه به جراحی زیبایی ۳۷
فاطمه سادات حسینی، سمیه حاجی اسماعیلی
- نقش زنان در مهار تورم آینده ایران با استفاده از رهنمودهای رهبری شهید علیه السلام ۶۵
ملیحه معراجی، نرگس بزرگخو
- بازنمایی معایب مدارس مختلط در مدارس کشور کره (بررسی موردی سریال یک عشق بسیار زیبا و تو فوق العاده‌ای) ۷۹
آسیه حدادی دلاور، کوثر میرزایی
- فراتحلیل کمی مطالعات الگوی سوم زن مسلمان: برآورد اندازه‌های اثرِ دوگانه «انزوای اجتماعی» و «کنشگری در خانواده» ۹۹
سمانه سادات سدیدپور، منصوره زارعان

سخن سردبیر

خانواده در اندیشه اسلامی، بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و نخستین بستر شکل‌گیری هویت انسانی، اخلاقی و دینی به شمار می‌آید. بسیاری از ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری انسان در محیط خانواده شکل می‌گیرد و از همین رو سلامت و استحکام این نهاد، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد. هر اندازه خانواده از بنیان‌های معرفتی، اخلاقی و تربیتی استوارتر برخوردار باشد، جامعه نیز از ثبات، آرامش و پویایی بیشتری بهره‌مند خواهد شد.

در سال‌های اخیر، تحولات گسترده فرهنگی و اجتماعی، تغییر سبک‌های زندگی و گسترش رسانه‌ها و فضای مجازی، مسائل تازه‌ای را در حوزه زن، جنسیت و خانواده پیش روی جوامع قرار داده است. این تحولات از یک سو فرصت‌هایی برای بازاندیشی و تقویت کارکردهای خانواده فراهم می‌آورد و از سوی دیگر چالش‌هایی را نیز در زمینه روابط خانوادگی، تربیت فرزند و نقش‌های اجتماعی زن و مرد ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، پرداختن علمی، روشمند و مبتنی بر معارف اسلامی به این موضوعات ضرورتی دوچندان می‌یابد.

حوزه‌های علمیه همواره در طول تاریخ نقش مهمی در تبیین و گسترش معارف اسلامی و پاسخگویی به مسائل نوپدید جامعه داشته‌اند. امروز نیز انتظار می‌رود طلاب و پژوهشگران حوزوی با بهره‌گیری از منابع غنی قرآن و سنت و با نگاهی واقع‌بینانه به مسائل اجتماعی، به بررسی و تحلیل موضوعات مرتبط با زن و خانواده بپردازند و در تولید اندیشه و گفتمان علمی در این عرصه سهمی فعال داشته باشند.

نشریه «اندیشه اسلامی جنسیت و خانواده» با همین رویکرد و با هدف فراهم

ساختن بستری برای طرح پژوهش‌ها، دیدگاه‌ها و تأملات علمی طلاب و دانش‌پژوهان شکل گرفته است. این نشریه می‌کوشد فضایی برای گفت‌وگوی علمی، تبادل اندیشه‌ها و طرح مسائل مرتبط با زن، خانواده و سبک زندگی اسلامی فراهم آورد و گامی در جهت تقویت فرهنگ پژوهش در این حوزه بردارد.

امید است انتشار این نشریه بتواند زمینه‌ای برای توجه بیشتر به مطالعات زن و خانواده در محیط‌های علمی حوزوی فراهم سازد و پژوهشگران جوان را به مطالعه، تحقیق و ارائه دیدگاه‌های نو در این عرصه تشویق نماید. از اساتید گرامی، پژوهشگران و دانش‌پژوهان ارجمند دعوت می‌شود با ارائه آثار علمی و دیدگاه‌های خود، ما را در پیشبرد این مسیر همراهی کنند.

سمیه حاجی اسماعیلی

اغتشاشات ۱۴۰۱ و پیامدهای آن بر امنیت روانی زنان

فائزه آبادی^۱

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و بررسی اغتشاشات ۱۴۰۱ و پیامدهای آن بر امنیت روانی زنان بود. در پژوهش حاضر از روش گراند تئوری استفاده شده است که یک روش شناسی کیفی است. ۱۵ خانم جوان با میانگین سنی ۳۰ سال، به عنوان مشارکت کننده در این پژوهش شرکت کردند که با روش نمونه گیری غیرهدفمند و معیار اشباع نظری از آنان مصاحبه عمیق انجام و تجربه آن مقطع زمانی آنان بررسی شد. به طور کلی از تجزیه، تحلیل و کدگذاری داده ها هسته مرکزی و مقوله اصلی «احساس ناامنی و ترس و اضطراب» به دست آمد و مقولات فرعی در پنج دسته علی، شرایط مداخله گر، شرایط زمینه ای، راهبردها و پیامدها دسته بندی شدند. واژگان کلیدی: اغتشاشات، امنیت، امنیت روانی، ناامنی، ترس.

ایجاد ناآرامی‌ها و تنش‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای موجب استرس و درگیری‌های فکری برای افراد آن جامعه می‌شود و زندگی روزمره افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بی‌شک آرامش و امنیت، از مهم‌ترین نیازهای انسان‌ها در زندگی است. تکامل و پیشرفت بشر تنها در سایه امنیت تحقق می‌یابد و هیچ عنصری برای پیشرفت توسعه و تکامل یک جامعه و شکوفایی استعدادها، مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست و حرکت انسان‌ها برای رسیدن به خلاقیت و فعالیت ارزشمند، بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. در واقع دستیابی به موفقیت در زندگی و تلاش برای رسیدن به اهداف والای انسانی، بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی، مشروط به وجود امنیت است (کلاه‌چیان، ۱۳۹۱، ص ۹۰).

«امنیت» در لغت به معنای در امان بودن و نداشتن آسیب است (معین، ۱۳۹۳، ذیل واژه امنیت). راغب اصفهانی در تعریف امنیت آورده است: «اصل امنیت، طمأنینه، آرامش نفس و از میان بردن ترس و خوف است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۵). پس از نیازهای زیستی، مهم‌ترین نیاز بشر احساس امنیت و در معرض تهدید نبودن است. از این رو نیاز ایمنی، اولین نیاز روان‌شناختی است. نیاز به امنیت، یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای مؤثر در تحول شخصیت فرد قلمداد می‌شود و تا زمانی که فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند، ساختار شخصیت او پیشرفت نخواهد کرد (کلاه‌چیان، ۱۳۹۱، ص ۹۰).

یکی از اقسام مهم امنیت، امنیت روانی است. امنیت روانی به معنای داشتن روح و روانی آرام و به دور از ترس است که در این صورت، زندگی آدمی گوارا و دلپذیر خواهد بود. امنیت روانی زمانی تأمین می‌شود که شخص از علل و عوامل اضطراب و تشویش در امان باشد. در واقع امنیت روانی، عبارت از احساس امنیت است و آن را می‌توان به احساس آزادی نسبی از خطرات تعریف کرد. این احساس وضع خوشایندی را ایجاد می‌کند و فرد آرامش جسمی و روحی می‌یابد (شاملو، ۱۳۸۶، ص ۹۱). با تعریفی که از امنیت روانی ارائه شد، اهمیت و جایگاه ویژه آن آشکار می‌شود.

یکی از گروه‌های حساس و آسیب‌پذیر جامعه زنان هستند که به سبب

حساسیت‌های روانی، بیشتر مورد اضطراب و دلهره در شرایط ناآرام قرار می‌گیرند. اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ که در ایران با مرگ خانمی به نام مهسا امینی آغاز شد و با تبلیغات مسموم و شایعات رسانه‌های معاند همچون بی‌بی‌سی و اینترنشنال به اوج خود رسید، در واقع جنگ روانی همه‌جانبه‌ای بود که موجب برهم زدن آرامش و امنیت روانی افراد جامعه به خصوص زنان شدند. این اغتشاشات که با بهانه کشته شدن یک زن، تحریک احساسات افراد به خصوص زنان جامعه را هدف قرار داد؛ با دروغ‌های پی‌درپی دشمنان داخلی و خارجی وضع موجود را ملتهب‌تر کرد. ناآرامی‌ها هم برای گروه زنانی که مقابل سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بودند و در اغتشاشات شرکت کردند، موجب اضطراب‌های روانی شد؛ چرا که حکومت را مقابل خود می‌دیدند و هم برای گروه زنانی که همسو با سیاست‌های نظام بودند و دروغ‌ها و شایعات را باور نکردند، موجب اضطراب شد؛ زیرا حضور در جامعه با جو موجود و ناامنی‌های اجتماعی همراه با استرس و دلهره برای آن‌ها بود.

از آنجا که زنان وظایف مادری و تربیت نسل آینده را بر عهده دارند، تحریک و سوءاستفاده از احساسات و خارج کردن آنان از سرچشمه حیا و عفت به بهانه آزادی و برهم زدن آرامش روانی آنان که نقش مستقیمی در آرامش خانواده و جامعه دارند، می‌تواند آسیب‌های جدی را در آینده کشور به وجود آورد. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد آن بود تا با بهره‌گیری از روش کیفی نظریه زمینه‌ای، پیامدهای اغتشاشات سال ۱۴۰۱ را بر امنیت روانی زنان جامعه بررسی کند. بر این اساس مسئله پژوهش در قالب این سؤال کلی مطرح شد که اغتشاشات سال ۱۴۰۱ چه پیامدهایی بر امنیت روانی زنان داشته است و به دنبال پاسخ به سؤالات فرعی همچون «عوامل بروز اغتشاشات ۱۴۰۱ چه بود؟»، «در چه مواردی این اغتشاشات امنیت روانی زنان را به هم زد؟»، «اغتشاشات چه تأثیری در روند زندگی زنان داشته است؟» و «کشف تأثیرات اغتشاشات ۱۴۰۱ بر امنیت روانی زنان جامعه چه کاربرد مفیدی در پیشرفت جامعه دارد؟» است.

با توجه به بی‌سابقه بودن چنین اغتشاشاتی و نیز فتنه‌انگیزی گسترده به بهانه مرگ غیرعمد یک خانم، این مسئله در ایران از نظر پژوهشی غنی نیست. عمده پژوهش‌ها

در زمینه امنیت روانی در گروه دانش‌آموزان در مقاطع گوناگون، امنیت روانی در سنین، اقشار و اصناف مختلف اغلب در روش توصیفی - همبستگی و نیمه‌آزمایشی بررسی شده است. بر این اساس خلأ پژوهش در توجه به امنیت روانی زنان به‌ویژه در اغتشاشات اخیر به روش کیفی کاملاً مشهود است.

حسن بهروزی و همکاران در تحقیقی با عنوان «پیش‌بینی امنیت روانی دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه بر اساس ترومای کودکی و خطاهای شناختی» با روش پژوهش توصیفی - همبستگی انجام داده‌اند. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که توجه به ترومای کودکی و خطاهای شناختی توسط روان‌شناسان و مشاوران مدارس می‌تواند به تبیین امنیت روانی دانش‌آموزان کمک کند.

هادی اصغرنژاد و همکاران نیز در تحقیقی با عنوان «اثربخشی آموزش امنیت هستی‌شناختی بر امنیت روانی و اضطراب وجودی سالمندان» که به روش نیمه‌آزمایشی انجام شد، این نتیجه به دست آمد که آموزش امنیت هستی‌شناختی ضمن بهبود امنیت روانی سالمندان، بخشی از اضطراب وجودی آنان را نیز کاهش می‌دهد. بنابراین می‌تواند به عنوان یک روش آموزشی کارآمد برای سالمندان مورد استفاده قرار گیرد.

امین حسنونند نیز در تحقیقی با عنوان «حجاب و عفاف و نقش آن‌ها در امنیت روانی» که مواد و روش‌ها در مطالعه مروری حاضر، ۲۴ مقاله از پایگاه‌های الکترونیکی و یا موتور جستجوگر از جمله PubMed، Google Scholar و SID مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها این پژوهش نشان داد افرادی که حجاب خود را رعایت می‌کنند، ضمن پرداختن به تهذیب و تزکیه نفس، موجب حس امنیت در اطراف خود می‌شوند و با بالا بردن امنیت اجتماعی مسیر را برای حضور هر چه بیشتر در اجتماع فراهم می‌کنند. حفظ حجاب هم برای مرد و هم برای زن ضمن رشد شخصیت و ارزشمند نمودن فرد، موجب ایجاد امنیت روحی - روانی، کمال‌گرایی و در نهایت استحکام بنیان خانواده می‌شود. در نتیجه با توجه به اثرگذاری حجاب در روابط انسان‌ها، بر مرد و زن واجب است که ضمن رعایت و حفظ حجاب و عفاف موجب افزایش سطح امنیت روحی - روانی و در نهایت امنیت اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده‌ها شوند.

همچنین شکوفه محمدشکاری و حسین جناآبادی در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر آموزش خوش بینی بر امنیت روانی فرزندان مقطع ابتدایی والدین معتاد» نتایج نشان داد که آموزش خوش بینی بر ارتقای امنیت روانی کودکان والدین وابسته به مواد می شود. شهاب الدین ذوقفاری و محمد جواد جاوری نیز در تحقیقی با عنوان «راه های ایجاد امنیت روانی و موانع آن در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (عج)» با روش کیفی تحلیل محتوا که مجموعه سخنان و بیانات ایشان از ابتدای تصدی جایگاه رهبری تا سال ۱۳۹۲ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است، با توجه به جهت گیری ها، نقاط تأکید ایشان و تحلیل توجیهی، راه ها و موانع ایجاد امنیت روانی را واکاوی و دسته بندی کردند و نشان دادند که از نظر ایشان دوری از قرآن، نداشتن پیشرفت در بخش نرم افزاری تمدن اسلامی، پایبند نبودن به شریعت اسلامی، کمبود عنصر ایمان در زندگی، التهاب آفرینی در فضای جامعه، آماده نبودن و ضعف ملت ها در مقابل دشمنان، غفلت از آرمان های معنوی، علمی بودن محض دانشگاه ها، انجام ندادن کار نیک و ایجاد ناامیدی و یأس در جامعه از مهم ترین موانع ایجاد امنیت روانی است و انس با معارف قرآن، پرداختن به سبک زندگی اسلامی، شریعت اسلامی، دین و اخلاق، عنصر ایمان، نبودن التهاب در جامعه و وحدت کلمه، آمادگی نیروهای مسلح، ایجاد فضای معنوی و روح لطیف دینی، کار خیر و عمل نیک و نفی دشمن سازی موهوم از راه های ایجاد امنیت روانی است.

از این رو این پژوهش با هدف استخراج عوامل بروز اغتشاشات سال ۱۴۰۱، استخراج و تحلیل تأثیرات این اتفاق بر امنیت روانی زنان و کشف پیامدهای به جامانده این وقایع بر روح و روان زنان جامعه صورت گرفته است. انتظار می رود این تحقیق کاربردی در کشف حربه های دشمنان انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف شوم و نابودی این انقلاب به وسیله سوءاستفاده از احساسات زنان، کشف معادلات و توجه به سیاست های جهانی در استفاده از احساسات زنان در رسیدن به اهداف خود و کشف رابطه ناامنی با برهم خوردن آرامش زنان در حیطه روان شناسی داشته باشد.

در این پژوهش از نظریه زمینه‌ای استفاده می‌شود که یک روش تحقیق کیفی است. تحقیق کیفی به تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده باشد (اشتراوس و کرین، ۱۹۹۸؛ کرین و اشتراوس، ۲۰۰۸). نظریه زمینه‌ای، یک روش استقرایی است که از داده‌هایی که به طور منظم از پژوهش اجتماعی به دست می‌آید، نظریه تولید می‌کند (گلیسر و اشتراوس، ۱۹۶۷). در روش نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که احتمالاً به دست می‌آید، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. در اینجا محقق با نظریه‌ای پیش‌انگاشته شروع نمی‌کند؛ بلکه ترجیحاً با حوزه‌ای از مطالعه شروع می‌کند و اجازه می‌دهد نظریه به وسیله داده‌ها خلق شود (اشتراوس و کرین، ۱۹۹۸). مشارکت‌کنندگان این پژوهش، ۱۵ نفر از زنان رده سنی ۲۰ تا ۴۰ سال را شامل می‌شود. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری غیرهدفمند استفاده شده است. در بین راهبردهای ده‌گانه‌ای که پاتن برای نمونه‌گیری مطرح کرد، دو راهبرد «نمونه‌گیری با حداکثر تنوع» و «نمونه‌گیری گلوله برفی» به کار رفته است (پاتن، ۱۹۹۴، ص ۵۸-۵۲) و در نهایت با در نظر گرفتن معیار اشباع نظری، درباره تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد (ایمان، ۱۳۹۱، ص ۸۸).

در مطالعات کیفی بر خلاف پژوهش‌های کمی، روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار نمی‌رود و فرضیه‌ای نیز از پیش برای آزمون وجود ندارد، به‌ویژه در نظریه زمینه‌ای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور هم‌زمان به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند (گلیسر و اشتراوس، ۱۹۶۷؛ اشتراوس و کرین، ۱۹۹۸). تکنیک عمده استفاده‌شده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق است. مدت هر مصاحبه در این تحقیق با توجه به موقعیت روند مصاحبه و تمایل زنان مشارکت‌کننده، از ۱۰ تا ۵۰ دقیقه متغیر بوده و مصاحبه‌ها طی ماه‌های فروردین تا خرداد سال ۱۴۰۳ به صورت حضوری و غیرحضوری انجام شده است.

به طور کلی با توجه به ماهیت روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، سؤالات تحقیق طی چند مرحله استخراج و مجدداً جرح و تعدیل شدند؛ بدین‌نحو که پس از انجام هر مصاحبه و یادداشت‌برداری میدانی، مصاحبه‌ها کدگذاری و دوباره سؤالات جدید

طراحی و از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد. طی این فرایند خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند. این فرایند تا مرحله اشباع نظری ادامه پیدا کرد؛ یعنی زمانی که داده جدیدی در فرایند مصاحبه خلق نگردید. این فرایند تحلیل بر مبنای سه شیوه کدگذاری «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری انتخابی یا گزینشی» است (اشتراوس و کرین، ۱۹۹۸). پس از جمع‌بندی گزارش و ارتباط مقولات با یکدیگر، نمودار پیامدهای اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بر امنیت روانی زنان طراحی و ارائه شد. قابلیت اعتماد برای رسیدن به معیار اعتمادپذیر، از دو تکنیک استفاده شده است: بررسی توسط مشارکت‌کنندگان در اینجا زنان مصاحبه‌شده تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره صحت آن‌ها نظر دهند (کرسول، ۱۹۹۴) و اعتباریابی مقایسه‌های تحلیلی، به داده‌های خام رجوع و ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شد.

یافته‌های پژوهشی

در جریان تحلیل و کدگذاری داده‌ها، به ۳۳ مقوله رسیدیم که هسته مرکزی و مقوله اصلی «احساس ناامنی و ترس و اضطراب» بود. حول این مقوله، مقولات فرعی در پنج دسته علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها مطرح و کندوکاو شدند.

عوامل علی اغتشاشات ۱۴۰۱

از مهم‌ترین عواملی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب ایجاد اغتشاشات شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مرگ مهسا امینی

مهسا امینی دختر ۲۴ ساله اهل کردستان که همراه برادرش به تهران آمده بود، به واسطه حجاب نامناسب مورد تذکر نیروهای گشت ارشاد قرار گرفت و از آنجا که به تذکرات توجه نکرد؛ توسط نیروهای انتظامی راهی مرکز تربیتی گشت ارشاد و در آنجا بدون هیچ ضرب و شتمی دچار حمله عصبی شد و فوت کرد.

ن.ق: با پخش شدن عکس مهسا امینی و مرگ ایشان اغتشاشات شروع شد.

۲. فتنه و توطئه دشمنان

جمهوری اسلامی ایران از همان بدو تشکیل حکومت، دشمنان خارجی و داخلی بسیاری داشته است؛ زیرا دست چپاولگری آنان را از منافع ملی کوتاه کرده است. از این رو آنان پیوسته در صدد ضربه و فتنه‌انگیزی بوده‌اند؛ ضربه‌هایی همچون فتنه منافقین در اوایل انقلاب، ترور اشخاص برجسته، فتنه ۱۳۸۸، فتنه آبان ۱۳۹۸ و بسیاری از فتنه‌های کوچک و بزرگ دیگر. در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ افزون بر دشمنان خارجی و نقشه‌های از پیش طراحی شده، دشمنان داخلی و نفوذی‌ها نیز در اجرای نقشه‌های آنان مؤثر بودند.

ز.آ: دلیل این همه وحشیگری را وجود افرادی غیر از مردم عادی بود که سرکرده دولت‌هایی بودند که خواستار به هم‌ریزی نظم جامعه بودند، می‌دانم.
ف.آ: همه آن اغتشاشات و ناامنی‌ها با برنامه‌ریزی خارج از کشور اداره و با هدف تغییر نظام انجام می‌شد.

۳. شایعه‌پراکنی در فضای مجازی

رسانه‌های جمعی تأثیر بسیاری در انتقال پیام و باورپذیری مردم دارند. در واقعه اغتشاشات ۱۴۰۱ پلتفرم واتساپ، اینستاگرام و تلگرام در دمیدن آتش اغتشاشات نقش زیادی داشتند. این شبکه‌های اجتماعی که از خارج کشور اداره می‌شدند، ابزاری در دست دشمنان انقلاب برای ایجاد التهاب و خط دادن به دشمنان داخلی در به هم زدن هر چه بیشتر نظم و امنیت جامعه و دل‌سرد کردن مردم از انقلاب بود. برای مثال شایعه ضرب و شتم جوانان توسط حکومت یا حمله بسیج به خوابگاه‌های دانشجویی و انتشار گاز اشک‌آور موجب ایجاد دلهره و ترس فراوان در میان دانشجویان و خانواده‌های آن‌ها شد.

ه.آ: افراد بسیاری می‌گفتند آقای رئیسی مثل آب خوردن، آدم می‌کشد و برایش مهم نیست. هر فرد معترضی را سر به نیست می‌کند، ولی تمام این حرف‌ها دروغ بود.
ف.م: یادم نمی‌رود یک شب خبر آمد بسیجی‌ها به خوابگاه‌مان گاز اشک‌آور زده‌اند. خیلی حس بدی بود. از سویی می‌دانستم که قطعاً بسیجی‌ها این کار را نمی‌کنند و از سوی دیگر به شدت نگران دوستانم بودم و با آن‌ها که تماس می‌گرفتم، جوابم را نمی‌دادند.

جدول شماره ۱؛ کدهای گزینشی در الگوی پارادایمی (عوامل
علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدها)

ابعاد مدل گرند تئوری	کدهای گزینشی	فراوانی کدهای گزینشی
علی	مرگ مهسا امینی	۱۰
علی	فتنه و توطئه دشمنان	۲
علی	شایعه‌پراکنی در فضای مجازی	۴
مداخله‌گر	همراهی بعضی از سلبریتی‌ها با دشمن	۲
مداخله‌گر	توهین و صدمه زدن به افراد مذهبی و ترس ناشی از آن	۲۰
مداخله‌گر	بدبینی نسبت به افراد مذهبی و منزوی شدن آنان	۷
مداخله‌گر	صدمه و ایجاد ناامنی برای مراکز مذهبی	۴۴
مداخله‌گر	دوقطبی شدن جامعه و تقابل افراد با ظاهر مذهبی و غیر آن	۷
مداخله‌گر	خیال مخالفین نظام جمهوری اسلامی ایران بر تغییر نظام	۳
مداخله‌گر	نگران از بی‌بندوباری به بهانه آزادی	۵
مداخله‌گر	اقدامات گروهی در برهم زدن امنیت روانی جامعه	۱
مداخله‌گر	نگران از فیلترینگ فضای مجازی	۱
زمینه‌ای	سوءاستفاده از مرگ مهسا امینی در برهم زدن امنیت جامعه و مخالفت با دین	۲
زمینه‌ای	دلهره و ترس از نوع پوشش خود و خانواده	۲
زمینه‌ای	درگیری با نیروهای انتظامی	۴
زمینه‌ای	عدم تسلط و کنترل اغتشاشگران بر اعمال خود	۳
زمینه‌ای	پذیرش شایعات توسط گروهی از مردم جامعه	۴
راهبردی	احساس امنیت به شرط حضور نیروهای نظامی امنیتی	۴
راهبردی	دوری از اغتشاشگران	۲
راهبردی	شلوغ‌کاری و راه‌بندان توسط اغتشاشگران	۸
راهبردی	تشویق به بی‌حجابی	۴
پیامد	شهادت افراد بی‌گناه	۱۰
پیامد	نگرانی از آینده کشور	۹
پیامد	بی‌انگیزگی در تحصیل	۲

ابعاد مدل گردد تئوری	کدهای گزینشی	فراوانی کدهای گزینشی
پیامد	خسارت به اموال عمومی	۲
پیامد	به جا ماندن خاطرات تلخ در روان افراد	۵
پیامد	ترس مادرانه از به خطر افتادن جان کودکان	۲
پیامد	ترس از حضور در جامعه	۱۰
پیامد	استرس و دلهره	۳
پیامد	به هم ریختن جامعه	۲
پیامد	به وجود آمدن اوضاعی خطرناک و ناامن	۴
پیامد	جریحه دار شدن احساسات	۳
پیامد	تعطیلی کارهای اینترنتی	۴

عوامل مداخله‌گر در اغتشاشات ۱۴۰۱

از مهم‌ترین عواملی که موجب بروز ترس و اضطراب در آن واقعه برای جامعه زنان شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. توهین و صدمه زدن به افراد مذهبی، زنان چادری و ترس از وقوع این قضیه در اغتشاشات ۱۴۰۱، معاندین آن را به دین اسلام پیوند می‌زدند و بی‌شرمانه انتقام آن اتفاق را حمله به افراد مذهبی، روحانیون و کشیدن چادر از سر زنان می‌دانستند. اگر چه چادر کشیدن و صدمه به زنان چادری کم بود، ولی ترس و اضطراب زیادی در دل زنان از مورد تعرض قرار گرفته شدن به وجود آورده بود که از ترس وقوع این تعرض، جرأت بیرون رفتن نداشتند.

خ.م: بیشتر افراد به گونه‌ای رفتار می‌کردند گویی من که چادر بر سر داشتم، جان آن دختر را گرفتم. یادم نمی‌رود در هوای گرما و بعد از مسیر طولانی که پیاده می‌رفتم و به شدت تشنه بودم، به مغازه‌ای رفتم تا آب بخرم. مغازه باز بود و دو نفر در حال خرید بودند. در کمال نامردی فروشنده به دختر چادری که از شدت گرما سرخ شده بود و تشنه بود، گفت: «امروز فروش نداریم. لطفاً از مغازه بیرون بروید».

فراموش نخواهم کرد هنگامی را که در بوفه دانشگاه - که با تلاش معترضان مختلط شده بود - بعد از خرید شکلات می‌خواستم از بوفه خارج شوم، دختری با موهای کوتاه

قرمز و مقنعه‌ای که دور گردنش بود، مانع من شد و اجازه نمی‌داد خارج شوم. پشت سرم نیز تعدادی پسر ایستاده بودند. میان آن‌ها گیر کرده بودم. به آن دختر گفتم می‌شود کنار بروی تا من از اینجا خارج شوم؟ با لبخندی حرص آور گفتم: نه، من می‌خواهم تا صبح اینجا بایستم و دوستانم هم پشت سرت بایستند. می‌خواهی چه کار کنی؟ نمی‌دانم اگر آن مرد باشرف، آن دختر را از مانتویش نگرفته و کنار نکشیده بود، چه می‌شد... موارد متعدد دیگری هم اتفاق افتاد که بیشتر از پیش قلبم را می‌شکست.

م.ه: ما از آن به بعد همیشه در ترس و دلهره و اضطراب بودیم. وقتی که به شهرمان برگشتیم و بعد از مسافرت مطلع شدیم که به افراد بسیاری تعرض کردن و حتی چادر یکی از دوستان حوزوی ما را از سرش کشیده بودند. واقعاً دوران پر از اضطراب و استرس و دلهره و ترس بود.

ر.ف: گاهی از رفت و آمد در شهر احساس ناامنی داشتم، به‌ویژه بعد از حمله به خانم‌های چادری....

ز.س: سخت‌ترین جایی که اضطراب داشتم، آنجایی بود که مردی به راننده گفت جلو برو، دور بزن و به من نیز گفت خانم! چادرت را در بیاور. به چادری‌ها حمله می‌کنند. وقتی راننده مجبور شد برگردد، مرا وسط راه پیاده کرد و رفت. دستانم می‌لرزید. وقتی همسر دوستم رسید، هم خوشحال و هم ناراحت بودم. ایشان روحانی بودند و با اینکه لباس عادی داشتند، ولی می‌ترسیدم حالا که دنبال من آمدند، برایشان اتفاقی بیفتد. هنگامی که به خانه دوستم رسیدم، تازه فهمیدم چقدر اوضاع خطرناک بوده است... یک روحانی که کار فرهنگی می‌کرد، گیر آن‌ها افتاده بود و....

۲. صدمه و ایجاد ناامنی برای مراکز مذهبی

به دنبال این وقایع، برخی اغفال‌شدگان برای بروز اعتراض به مراکز مذهبی همچون مساجد، هیئات، پایگاه‌های بسیج و مراکز حوزوی آسیب رساندند.

ز.س: ما چون مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران البرز کار می‌کنیم... این دلهره هر چند کوچک وجود داشت که ممکن است به محل کار ما نیز حمله شود. همیشه این احتمال وجود داشت؛ چون در اغتشاشات بنزین، به یکی از حوزه‌های علمیه خواهران کرج (کوثر) حمله شده بود و مدرسه را آتش زده بودند.

م.ه: اینکه مطلع شدیم که یک شب با بمب‌های دست‌ساز به حوزه آسیب زده بودند که پس از آن مسئولین حوزه مجبور شدند همه طبقات ساختمان حوزه را که سه طبقه بود، با حفاظ‌های فلزی بپوشانند.

۳. دو قطبی شدن جامعه و تقابل افراد با ظاهر مذهبی و غیر آن

مرگ مهسا امینی که معاندین در شبکه‌های خود علت آن را اعتقادات دینی بیان می‌کردند، موجب شد افرادی این دروغ آن‌ها را باور کنند و خود را مقابل دین و افراد مذهبی بدانند. این تقابل در محیط خوابگاه و میان رفقا، دانشگاه، اتوبوس و بی‌آرتی باعث شده بود افراد چادری را به چشم دشمن ببینند؛ حتی در میان برخی خانواده‌ها این دو قطبی‌ها ایجاد شده بود.

خ.م: حس می‌کردم خانواده‌ها و اقوام بسیار درگیر این اغتشاشات شدند و دورهمی‌ها به میدان جنگ سیاسی تبدیل شده بود تا جایی که مذهبی‌ها را متهم می‌کردند.

۴. خیال مخالفین نظام جمهوری اسلامی ایران بر تغییر نظام

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون دشمنان با هر ترفندی و با اختلاف‌انگیزی همواره به دنبال نابودی این نظام بوده‌اند؛ زیرا تشکیل نظامی با آرمان‌های اسلامی دست متجاوزان و بیگانگان را از سرمایه‌های این کشور کوتاه کرد و اجازه دخالت در امور کشور را به آن‌ها نداد. از این‌رو با هر اختلافی که بین مردم و نظام پیش می‌آید برای آنان کورسوی امیدی ایجاد می‌شود که شاید به آرزوی محال‌شان برسند.

ه.آ: همه چی به هم ریخت. همه علیه نظام و خواستار عوض شدن رژیم شده بودند. اینکه می‌شنیدم افراد بسیاری می‌گفتند باید رژیم عوض شود، موجب ترسم شده بود. فکر می‌کردم اگر رژیم عوض شود، دیگر امنیت تعطیل می‌شود. حتی اگر الان گرانی هم باشد، باز هم امنیت داریم، ولی اگر رژیم عوض شود، بیچاره می‌شویم. از این مسئله خیلی می‌ترسیدم. همیشه قبل از انقلاب به ذهنم می‌آمد؛ آن روزهایی که امنیت نداشتیم و آمریکایی‌ها در کشورمان جولان می‌دادند و هر کاری که دوست داشتند، انجام می‌دادند؛ به هر کسی که دوست داشتند، تجاوز می‌کردند. به همین علت دلهره بسیاری داشتم. نمی‌توانستم با خیال آسوده از خانه خارج شوم. با خودم

فکر می‌کردم اگر رژیم عوض شود، کشور به دست آدم‌های از خدا بی‌خبر می‌افتد و دیگر باید زندانی شویم.

ر.ف: همه چیز به هم ریخت و افراد بسیاری که تحت تأثیر شبکه‌های معاند بودند، از شکست انقلاب سخن می‌گفتند و تمام این‌ها برایم بسیار ناراحت‌کننده بود.

۵. نگرانی از بی‌بندوباری به بهانه آزادی

آزادی مورد نظر فتنه‌گران، نتیجه‌ای جز بی‌بندوباری نداشت و بی‌بندوباری نیز در نهایت موجب فروپاشی خانواده‌ها و از بین رفتن ساختار جامعه می‌شد.

ه.آ: با آن بخش از آزادی مخالفم. واقعاً داشتند از بی‌بندوبارها سوءاستفاده می‌کردند. با آزادی هم که می‌خواستند، مخالف بودم؛ چون می‌ترسیدم دیگر بی‌بندوباری بسیار زیاد شود و در نتیجه زندگی‌ها خراب شود و همه افراد فاسد شوند.

۶. اقدامات گروهی در برهم زدن امنیت روانی جامعه

بخشی از اقدامات رسانه‌های خارجی در آن زمان، برنامه‌ریزی برای اجتماعات و اقدامات گروهی خرابکارانه بود که از آن طریق یکدیگر را مطلع می‌کردند و قرار می‌گذاشتند تا نشان دهند که تنها نیستند و اعتراض‌های آنان، خواست جمعی است.

م.ه: ما آن شب خودمان هنوز اخبار را از داریو ماشین متوجه نشده بودیم. همسرم می‌گفت: چقدر رشت شهر عجیبی است. چقدر ناامن است؛ یعنی هر شب رشت این‌گونه است؟ جوان‌های موتورسوار در کناری دور هم جمع می‌شدند و با همدیگر صحبت می‌کردند؛ گویی چیزهایی را به همدیگر انتقال می‌دادند. این گروه می‌رفت و گروه دیگری جایگزین می‌شد. آن شب ما در یک پارک استراحت می‌کردیم و تا صبح شاهد رفت و آمدهای بسیاری بودیم.

م.ه: ما در ماشین بودیم. چند خانم به لیدری خانمی هیکلی و درشت‌اندام با حجاب نامناسب آن سمت خیابان بودند. ما هم در شهر غریب بودیم. می‌دانید که تهران فضای بسیار مسمومی در آن روزها داشت. به همسرم می‌گفتم فقط امیدوارم این چراغ قرمزی که ما پشت آن ایستاده‌ایم، به سرعت سبز شود و شما از این چهارراه بگذری.

۷. همراهی بعضی سلبریتی‌ها با دشمن

در هر جامعه‌ای چهره‌های مشهور همچون بازیگران سینما و تلویزیون، فوتبالیست‌ها و دیگر افرادی که در رسانه‌ها دیده شده‌اند، در جهت دادن افراد مؤثر بودند و معمولاً قشر جوان دنباله‌رو آنان هستند. در اغتشاشات ۱۴۰۱ همراهی برخی چهره‌های مشهور با خواست و دروغ‌های بیگانگان در جهت قرار دادن مردم علیه حکومت و برخی از آنان با کشف حجاب جو جامعه را ملتهب‌تر کردند.

ر.ف: برای خود من شوک عجیبی بود. احساس می‌کردم به یکباره جو جامعه عوض شد و احساس ناامنی می‌کردم. ترس و اضطراب و اینکه چگونه باید اوضاع آرام شود، آزارم می‌داد و احساس می‌کردم افراد جامعه روی دیگری نشان می‌دهند و تمام این سال‌ها خیلی بزرگان یا حتی سلبریتی با مردم رو راست نبودند یادم است فردای روزی که مهسا امینی فوت کرد، من صبح در فضای مجازی زن بازیگری را دیدم که می‌گفت به خاطر همدردی روسری‌ام را برمی‌دارم و این مسئله برایم بسیار عجیب بود، ولی در ادامه شاهد افرادی از بازیگران و حتی افراد مهمی همچون فوتبالیست‌ها و سیاستمدارانی بودیم که وطن‌فروشی کردند و به اعتقادات و کشور و تمام مقدسات پشت پا زدند که این مسئله بسیار ناراحت‌کننده بود.

ز.آ: خب اوایل برخی پیج‌ها و کانال‌هایی که همه می‌دانستیم از سوی دشمنان نظام اداره می‌شوند، مردم را به اعتراض ترغیب می‌کردند. مکان‌های اعتراض در استوری‌ها و لایوهای برخی سلبریتی‌ها و گاه توسط هشتک‌ها مشخص می‌شد.

عوامل زمینه‌ای اغتشاشات ۱۴۰۱

از مهم‌ترین شرایطی که راهبردها و اقدامات در این واقعه تحت آن شکل گرفت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سوءاستفاده از مرگ مهسا امینی در برهم زدن امنیت جامعه و مخالفت با دین در طول تاریخ، دین اسلام همواره دشمنانی چه در لباس مشرک و چه در لباس منافق داشته است که به بهانه‌هایی درصدد ضربه زدن به دین و دعوت کردن مردم به مقابله با اعتقادشان بوده‌اند. در این واقعه افرادی مرگ مهسا امینی را که هیچ عمدی در آن

نبود، به خشونت دین علیه زنان تفسیر و نشر دادند و بهانه‌ای برای بی‌دینی قلمداد کردند. از این رو به دشمنی با جمهوری اسلامی که نهاد اسلام بود، پرداختند و ناامنی ایجاد کردند.

ز.ص: به نظر من مرگ مهسا امینی فقط به جرقه بود که افراد فرصت طلب و افرادی که به دنبال آشوب و مخالف دین بودند، خودشان را نشان دهند.

۲. دلهره و ترس از نوع پوشش خود و خانواده

شرایطی که موجب ترس و دلهره بیشتر زنان می‌شد، نوع پوشش خود و خانواده‌هایشان بود؛ زیرا در این اغتشاشات افراد مذهبی بیشتر مورد توهین و صدمه قرار گرفتند.

م.ه: من با پوششی که داشتم و همسرم به سبب محاسنی که داشت، امنیت جانی نداشتم. به افراد مذهبی بسیار حمله می‌کردند و حتی متعرض برخی زنان شده و آنان را مورد آزار و اذیت قرار داده بودند. این غیر از آن خساراتی است میلیاردها به بیت‌المال و اموال عمومی وارد کردند.

۳. درگیری با نیروهای انتظامی

در این اغتشاشات که حرکتی برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بود، زمینه‌ای برای درگیری و مخالفت با نیروهای منسوب به نظام و امکان دولتی را فراهم کرده بود. ر.ف: سوزاندن سطل‌های زباله و چندین بانک و ماشین‌های نیروی انتظامی و درگیری با مأموران پلیس و کشته و زخمی شدن مظلومانه نیروهای پلیس و موارد این‌چنینی بسیار زیاد و بسیار ناراحت‌کننده بود.

ف.ا: اتفاق دیگر درگیری بین مردم و عوامل انتظامی جامعه و بسیجیان بود که به حوادث تلخی منجر شد.

راهبرد اجرایی این عوامل

دو نوع راهبرد و واکنش به واقعه مذکور را می‌توان بررسی کرد.

الف) راهبرد مقابله با اغتشاشگران

اهم اقداماتی که مردم در مقابله با اضطراب‌های ناشی از فعالیت‌های اغتشاشگران انجام می‌دانند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. احساس امنیت به شرط حضور نیروهای نظامی امنیتی

در آن شرایط که به واسطه اقدامات خرابکارانه گروهی برای عموم مردم ناامنی ایجاد شده بود، حکومت حضور نیروهای امنیتی را برای برقراری امنیت بیشتر کرد و این امر موجب ایجاد آرامش برای مردم از صدمات اغتشاشگران شده بود.

م.ه: یادم نمی‌رود روزی را که می‌خواستم به دکتر بروم. آدرس مطب دکتر میدان شهید تهرانی مقدم تو سعادت آباد بود. آنجا پر از نیروهای یگان ویژه بود تا امنیت منطقه را تأمین کنند. می‌خواستم به مسجد رسول بروم و نمازم را بخوانم. به همسرم گفتم: الان با هم داخل مسجد برویم، وقتی یگان‌ها هستند؛ آدم احساس امنیت می‌کند. خداوند نگهدار نگهبان ما باشد. چقدر یکی از مأموران حس خوبی به دختر من داد و چقدر در آن فضای مسموم آن روزهای تهران از ایشان تعریف کردند.

ز.س: برای آمدن برادر از تمام دوستانم که در مسیرهای اصلی ساکن بودند، پرسیدم اوضاع آرام شده است یا نه. من آن روز از دیدن ماشین‌های یگان ویژه هم خوشحال و هم ناراحت بودم؛ خوشحال بود به سبب امنیتی که ایجاد کرده بودند و ناراحت بودم برای اینکه امنیتی که به خاطر جهل و بی‌بصیرتی یک گروه از مردم در معرض خطر بود.

۲. دوری از اغتشاشگران

در آن روزها که اغتشاشگران موجبات ناامنی جامعه را ایجاد کرده بودند، مردم به سبب ترس از صدمه خوردن به مال یا جان‌شان، از تجمعات آنان دوری می‌کردند. ز.س: هنگامی که داشتیم به خانه‌شان می‌رفتیم، به جمعیت اغتشاشگران رسیده بودیم. با چند خانم دیگر مجبور شدیم وارد یک مکانیکی شویم. صاحب مغازه هم درها را بست.

م.ه: وقت دکتر داشتم که هر شش ماه یک‌بار باید به او مراجعه می‌کردم. نوبت این دفعه هم مصادف با این اتفاقات شده بود. شاید باورتان نشود، اما ما در ماشین نشسته بودیم. چند خانم که یکی از آن‌ها هیکلی و درشت اندام و لیدر گروه بود، آن سمت خیابان ایستاده بودند. ما هم در شهر غربی مثل تهران بودیم. می‌دانید که فضای آن روزهای تهران بسیار مسموم بود. به همسرم می‌گفتم فقط امیدوارم این چراغ قرمزی که ما پشت آن ایستاده‌ایم، به سرعت سبز شود و شما از این چهارراه بگذری.

ب) راهبرد اغتشاشگران

یکی از مهم‌ترین اقدامات اغتشاشگران برای رسیدن به اهدافشان، عبارت بود از:

شلوغ‌کاری و راه‌بندان توسط اغتشاشگران

راهبری که اغتشاشگران برای اقدامات و ایجاد ناامنی انجام می‌دادند، در واقع سد مسیر می‌کردند و این مسئله موجب ترس و استرس بود.

ز.س: آن روز یادم است که پنج‌شنبه و سالگرد حدیث نجفی بود. از سرکار برمی‌گشتم که برادرم زنگ زد و گفت نزدیک بهشت سکینه شلوغ شده است و راه را بسته‌اند. آن روز نتوانستم سر وعده به خانه برسم. تمام مدت با برادرم در تماس بودم. او سعی داشت به دنبالم بیاید، ولی مسیر دور بود. همه مسیر راه‌بندان بود و من استرس زیادی داشتم.

پیامدها

خروجی و پیامدهای حاصل از ب کارگیری راهبردهای مذکور، چنین بود:

۱. شهادت افراد بی‌گناه

در پی ناامنی‌ها و اقدامات خرابکارانه اغتشاشگران در سال ۱۴۰۱، افراد بی‌گناه بسیاری جان خود را از دست دادند که برخی بسیار فجیع و دلخراش بود؛ مانند شهادت آرمان علی‌وردی، سید روح‌الله عجمیان و زائرین مرقد احمد بن موسی در شیراز که با عملیات تروریستی داعش به شهادت رسیدند.

ف.ا: تلخ‌ترین حوادثی که آن روزها شنیدم، یکی ماجرای شهادت شهید آرمان علی‌وردی و شهید سید روح‌الله عجمیان بود. یکی هم نحوه شهادت یک پاسدار در شمال کشور که متأسفانه اسم آن شهید یادم نیست، ولی فیلم روایت عده‌ای که به خانه ایشان ریخته بودند و ایشان را مقابل چشم زن و فرزندش به شهادت رسانده بودند، بسیار تلخ بود. فضای پر تنش و نفرت‌انگیزی که میان مردم به وجود آمده بود و خبرهای شهادت‌های فجیع نیروهای انقلابی بسیار نگران‌کننده و موجب عدم آرامش روانی بود. ز.س: پلیس‌هایی که در اتوبان بودند و درگیر شده بودند، جوانی که برای خانواده‌اش بسیار عزیز بود، شهید سید روح‌الله عجمیان و ... آن روزهایی که من در ماشین و پراز استرس بودم، برخی داشتند سید روح‌الله را شهید می‌کردند. هیچ‌وقت آن روز از یادم نمی‌رود.

ز.آ: در همان جریانات ما شاهد حمله مسلحانه در شیراز بودیم. به نظر من همین دوگانگی‌ها و بی‌نظمی‌ها دلیل این حملات بود و اگر بیشتر می‌شد، قطعاً کاری نداشتند که چه کسی مخالف یا موافق نظام است. همه را قتل عام یا آواره می‌کردند.

۲. نگرانی از آینده کشور

با وجود اتفاقاتی همچون شهادت و صدمات جسمی به افراد، آسیب به اموال عمومی و خصوصی و ایجاد ناامنی توسط اغتشاشگران برای آحاد مردم رخ می‌داد، بسیار نگران‌کننده بود و موجب ایجاد این پرسش‌ها شده بود که در نهایت چه می‌شود؟ این بی‌نظمی‌ها تا کی ادامه دارد؟

ر.ف: آن مدت چند ماه، احساس ناامنی داشتم و از آینده کشور نگران بودم. یا خودم می‌اندیشیدم اگر نوع پوشش‌ها به آن سمت برود؛ تا کجا خواهد بود و وظیفه ما چی است؟

ه.آ: نگران این بودم که بر اساس خواسته‌های تعداد آدم کم عقل، داشتند به آتش دشمن دامن می‌زدند.

۳. بی‌انگیزگی در تحصیل

برای رشد و ارتقای هر کشور و افراد آن، بودن آرامش و امنیت روانی و جسمی ضروری است. در پی اغتشاشات ۱۴۰۱ و شایعه پراکنی‌های بسیار و ایجاد ناامنی، در عمل محصلین جامعه از فضای عمیق علم و دانش جدا شدند و به سبب تجمعات در دانشگاه‌ها انگیزه تحصیل آنان پایین آمد.

خ.م: یادم است که بعد از آن بی‌مهری‌ها من اصلاً انگیزه‌ای برای دانشگاه رفتن و ادامه تحصیل نداشتم.

۴. خسارت به اموال عمومی

متأسفانه نحوه اعتراض اغتشاشگران، خسارت به اموال عمومی همچون تخریب بانک و عابربانک‌ها، آتش زدن اتومبیل، آمبولانس، سطل زباله‌ها و حتی آسیب به اموال شخصی افراد بود که میلیاردها تومان خسارت به دولت و افراد وارد کرد.

م.ه: این مسئله غیر از آن خساراتی است که میلیاردها به بیت‌المال و اموال عمومی وارد شد. برخی می‌خواستند به هر طریقی که می‌توانند حرف‌های خودشان را

به شکل اعتراض و تخریب اموال عمومی بیان کنند.

ز.ص: من باردار بودم. در کرمان بودم و به چشم دیدم که به خیابان‌ها ریخته بودند و شیشه ماشین‌ها را می‌شکستند.

ر.ف: سوزاندن سطل‌های زباله و چندین بانک و ماشین‌های نیروی انتظامی و ...

۵. به جا ماندن خاطرات تلخ در روان افراد

وجود استرس و اضطراب در آن روزها و درگیری‌هایی که افراد آن را دیدند یا آن را تجربه کردند، خاطرات تلخی را برای آنان به جا گذاشت که هنوز از یادآوری آن وقایع ناراحت و متأثر می‌شوند.

م.ه: واقعاً خاطرات خوبی در ذهنم نیست؛ حتی مرور آن خاطرات برایم بسیار تلخ و بد و اندوهگین‌کننده است.

خ.م: الان بیشتر از یک سال است که درس من تمام شده است. حقیقتاً هنوز اگر به هر دلیلی به تهران بروم، پر از استرس و ترس آن دوران می‌شوم.

۶. ترس مادران از به خطر افتادن جان کودکان

افراد ضعیف و کودکان در فضای ناامن ناشی از درگیری و نزاع، بیش از دیگران در معرض خطر هستند. در حوادث سال ۱۴۰۱ که گروهی نظم عمومی جامعه را برهم زده بودند، مادران از حضور کودکان‌شان در خارج خانه همچون مدرسه رفتن استرس و دلهره داشتند.

م.ه: ما در ماشین نشسته بودیم. چند خانم که یکی از آن‌ها هیکلی و درشت‌اندام و لیدر گروه بود، آن سمت خیابان ایستاده بودند. ما هم در شهر غریبی مثل تهران بودیم. می‌دانید که فضای آن روزهای تهران بسیار مسموم بود. به همسرم می‌گفتم فقط امیدوارم این چراغ قرمزی که ما پشت آن ایستاده‌ایم، به سرعت سبز شود و شما از این چهارراه بگذری. به دخترم می‌گفتم هر اتفاقی افتاد، شما فقط به پشت صندلی برو و دست‌هایت را روی سرت بگذار و اصلاً بالا نیا. واقعاً آن لحظاتی که به من مادر گذشت، بسیار سخت بود.

م.س: ما یک دوستی داشتیم که بچه‌اش به مهدکودک می‌رفت. او آنقدر ترسیده بود که نمی‌گذاشت فرزندش به مهدکودک برود.

ز.ص: من باردار بودم. در کرمان بودم که به چشم خود دیدم برخی به خیابان آمده بودند و شیشه‌های ماشین‌ها را می‌شکستند. آن لحظه واقعاً ترسیده بودم و مداوم به آنگل فکر می‌کردم.

۷. ترس از حضور در جامعه

با وجود ناامنی‌هایی که با اغتشاشات به وجود آمده بود، اغلب زنان به‌ویژه زنان چادری از حضور در جامعه واهمه داشتند. این ترس بعد از این وقایع تا مدت‌ها گریبان‌گیر آنان بود. این مسئله افزون بر اینکه در انجام کارهای روزمره افراد خلل وارد کرده بود، تفریحات و مسافرت‌های آنان را با چالش مواجه کرد.

ر.ف: گاهی از رفت و آمد در شهر احساس ناامنی داشتم.

م.ه: شاید برخی افراد شرایط این مسئله را داشتند که در آن چند ماه اصلاً از خانه خارج نشوند، اما من که زنی فعال هستم و حوزه رفت و آمد دارم و دخترم را به کلاس‌های مختلف می‌برم، برایم بسیار دشوار بود. باید به مطب دکتر می‌رفتم. همچنین مجبور بودیم به مناسبت‌هایی به شهرهای دیگر برویم. واقعاً برای ما دوران پر از اضطراب و استرس و دلهره و ترس بود.

ز.س: بعد از آن اغتشاشات من تا مدت‌ها ترس داشتم و وقتی بیرون می‌رم در هراس بودم که مبادا کسی چادرم را از سرم بکشد. خیلی طول کشید تا من بتوانم به تنهایی بیرون بروم.

ه.آ: ما آن روزها می‌خواستیم به مسافرت برویم. می‌ترسیدیم اغتشاشگران به خیابان‌ها بیایند و برایمان درگیری ایجاد کنند. واقعاً زندگی را به ما زهر کرده بودند.

م.س: آنجا که سفر کرده بودیم، من بسیار استرس داشتم و تنهایی می‌ترسیدم که از خانه خارج شوم؛ با اینکه سیرجان شهر بسیار کوچکی است و آنجا خبر چندانی نبود.

۸. استرس و دلهره

استرس و دلهره، زاده ناامنی است. هر جا که نظم و امنیت جامعه مختل شود، استرس و اضطراب مهمان همیشگی افراد می‌شود. بیشتر زنان جامعه در پی اغتشاشات ۱۴۰۱ بیش از بقیه نگران آسیب رسیدن به خود و عزیزان‌شان بودند.

ز.س: همه مسیر راه‌بندان بود. من استرس زیادی داشتم. یک مردی به راننده تبسی گفت دور بزن و برگرد. استرس اینکه چادرم را از سرم بکشند و استرس اینکه اگر به همسر دوستم حمله کنند و اتفاقی برای ایشان بیفتد، برایم بسیار سخت بود. استرس داشتم مبادا برادرم آسیب ببیند، دستان می‌لرزید.

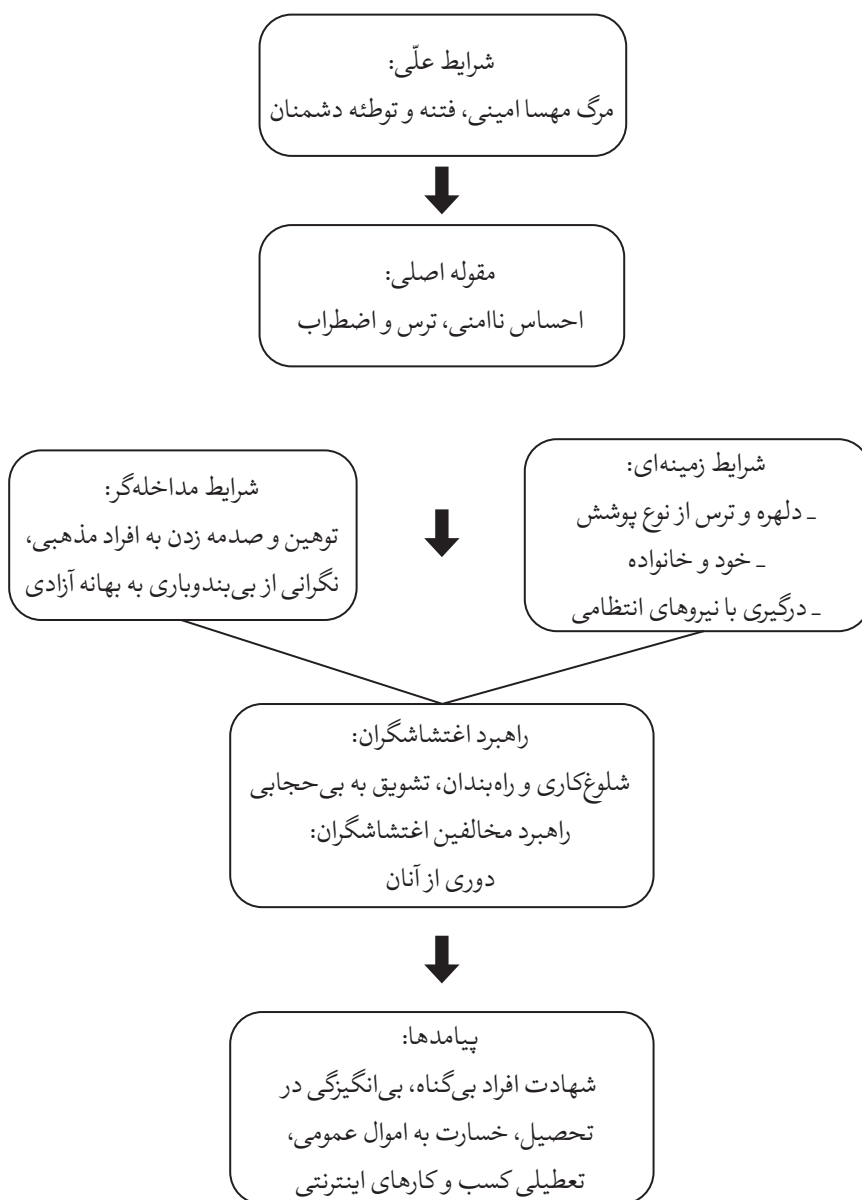
خ.م: وقتی فضای مجازی را می‌دیدم، حقیقتاً قلبم از استرس بیچاره می‌شد تا جایی که وقتی همسر من می‌خواست سر کار برود، از استرس اینکه نکند در راه به خاطر محاسنش اذیت شود؛ او را از زیر قرآن رد می‌کردم و تا به محل کارش برسد و من به خبر دهم، برایش آیت الکرسی می‌خواندم.

ز.آ: در آن زمان وجود من پر از استرس و ترس از دست دادن یا آسیب رساندن به عزیزانم بود؛ چون به دلیل حضور در خانواده انقلابی، ترس آسیب رساندن به خانواده، مادر، خواهرم و مردهای خانواده به خاطر داشتن شغل حساس‌شان را داشتم.

جدول شماره ۲: مشخصات اجمالی مشارکت‌کنندگان

نام	سن	تحصیلات	محل زندگی
خ.م	۲۴	لیسانس فلسفه	تهران
ر.ف	۴۲	لیسانس میکروبیولوژی، سطح دو حوزه	محلات
ز.آ	۳۶	سطح سه حوزه	کرج
ز.آ	۲۰	دانشجوی طراحی دوخت	سیرجان
ز.ص	۲۶	لیسانس مدیریت	سیرجان
ف.آ	۲۹	لیسانس مامایی	سیرجان
ج.م	۵۰	لیسانس تاریخ، سطح دو حوزه	محلات
م.س	۲۶	دیپلم تجربی	سیرجان
ه.م	۳۳	کارشناسی، سطح سه حوزه	محلات
ن.ق		سطح سه حوزه	قم
آ.ه	۲۶	دیپلم علوم انسانی	سیرجان

قالب پارادایمیک کدگذاری محوری



نتیجه‌گیری

اعتراضات معقول در هر جامعه‌ای پذیرفته است؛ زیرا ممکن است افرادی نسبت به برخی اقدامات حکومت‌ها معترض و ناراضی باشند و در مقابل نیز مسئولین باید انتقادپذیر و درصدد رفع اشکالات باشند، ولی زمانی که اعتراضات از چارچوب منطقی خود خارج و با اقداماتی همچون هرج و مرج، تخریب اموال عمومی و خصوصی، کشتار و ضرب و شتم افراد به اغتشاشات تبدیل شود؛ به دنبال خود ناامنی، ترس و اضطراب از شرایط موجود را به همراه دارد به‌ویژه برای افرادی که از نظر جسمی ضعیف‌تر هستند.

اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ به بهانه کشته شدن خانم مهسا امینی به خاطر پوشش نامناسب کلید خورد. اگر چه این مسئله افکار عمومی را مخدوش و ناراحت کرد و کسی راضی به مرگ آن خانم نبود، ولی از انتقاد و اعتراض اصولی به حادثه ایجادشده خارج و درگیر شایعات و دروغ‌پراکنی‌های دشمنان داخلی و خارجی شد. با وجود انتشار فیلم دوربین‌های مداربسته مرکز گشت ارشاد و عکس‌سی‌تی‌اسکن سر او به وضوح مشخص شد ضرب و شتمی نسبت به آن خانم صورت نگرفته و همچنین شواهدی از بیماری زمینه‌ای آن خانم در گذشته وجود داشته است که غیر قابل انکار بود، اما باز هم رسانه‌های غربی بر عامدانه بودن و خشونت نظام جمهوری نسبت به زنان جامعه اصرار داشت و با انتشار ادعاهای بی‌اساس و دامن زدن به آن شایعات توسط نفوذی‌های داخلی، فضای جامعه را ملتهب‌تر کرد. در پی این اتفاقات فرصت خوبی برای دشمنان این نظام به وجود آمده بود که به خیال باطل چندین ساله خود در ضربه زدن به انقلاب اسلامی و فروپاشی آن دست یابند و از هیچ حربه‌ای فروگذار نشدند و تمام نیرو و توان خود را در رسانه‌ها و سکوه‌های تبلیغاتی‌شان در به هم زدن نظم عمومی و شعله‌ور کردن اغتشاشات به کار بردند. در این جنگ روانی تمام عیار که احساسات مردم به‌ویژه جوانان را تحریک کرد و عده‌ای به خاطره باور دروغ‌های بی‌امان دشمنان و همسو شدن با آنان، اعمال شنیعی همچون آتش‌سوزی، تخریب اموال عمومی، ایجاد تجمع، سد معبر و حتی ضرب و شتم و کشتن افراد بی‌گناهی

که به دنبال ایجاد نظم و امنیت بودند؛ مانند نیروهای نظامی، بسیجیان همچون سید روح‌الله عجمیان و ... دست زدند. در این بی‌نظمی‌ها، اغتشاشگران به خود اجازه دادند به افراد به سبب پوشش و ظاهر مذهبی‌شان و نیز پایبندی به اصولی دینی حمله‌ور شوند و به اعمالی همچون متعرض شدن به خانم‌های چادری، کشیدن چادر از سر آنان تا به شهادت رساندن طلبه‌ای جوان به نام آرمان علی‌وردی با بدترین وضع موجود دست زدند. در پی این ناامنی‌ها شرایط برای ایجاد حمله تروریستی حرم مطهر احمد بن موسی علیه السلام در شیراز ایجاد شد و چندین هموطن بی‌گناه از کودک و زن و مرد به شهادت رسیدند. با وجود این شرایط اغتشاشگران و نیروهای امنیتی کشور هر کدام راهبردهایی را اتخاذ کردند. اغتشاشگران هر چه بیشتر می‌کوشیدند که در جامعه ناامنی، سد معبر و بی‌نظمی ایجاد کنند، در مقابل نیروهای امنیتی برای جمع کردن نابسامانی‌ها و برقراری امنیت وارد میدان شدند و افرادی را که به دنبال بی‌قانونی بودند، دستگیر کردند؛ هر چند که این نیروهای خدوم صدمه زیادی در این راه خوردند. در شرایط به وجود آمده و ایجاد ناامنی توسط اغتشاشگران، دلهره و ترس زیادی همراه همیشگی زنان شده بود. ترس از حضور خود و خانواده‌شان در بیرون از منزل و دلهره و ترس از فعالیت‌ها و روزمرگی‌های آنان همچون تحصیل خود، فرستادن فرزندان به مدرسه، مسافرت و تفریح و حتی حضور در درمانگاه‌ها و ... زندگی آنان را مختل کرد؛ چنانکه م.ه می‌گوید: شاید برخی‌ها شرایط آن را داشتند که چندین ماه از خانه بیرون نیایند، اما من که زنی فعال هستم و حوزه رفت و آمد دارم، دخترم را به کلاس‌های مختلف می‌برم، باید به مطب دکتر مراجعه می‌کردم و به در مناسبت‌هایی مجبور بودم به شهرهای دیگر سفر کنم، برایم دوران پر از اضطراب، استرس، دلهره و ترس بود. از این روانیت روانی زنان جامعه پایین آمد و اثر این اضطراب مدت‌ها در خاطر و روان زنان باقی ماند؛ چنانکه ز.س می‌گوید: بعد از آن اغتشاشات من تا مدت‌ها می‌ترسیدم از خانه خارج شود، مبادا کسی چادرم را از سرم بکشد. خیلی طول کشید تا من بتوانم به تنهایی از خانه خارج شوم.

۱. احمدی، زینب و حسینعلی محرابی (۱۳۹۹)، «رابطه حمایت اجتماعی و تاب‌آوری بارشد پس از سانحه؛ نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله با استرس»، فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی، دوره ۵، ش ۹، ص ۲۳۵ - ۲۲۳.
۲. بخشنده زحمتی، سمیه، شاپور بهتان و منصور حقیقتیان (۱۳۹۹)، «مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران»، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۱۳، ش ۱، ص ۱۴۰ - ۱۱۵.
۳. حسنوند، امین (۱۴۰۲)، «حجاب و عفاف و نقش آن‌ها در امنیت روانی»، اسلام و سلامت، ش ۱، ص ۱۹ - ۱۳.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدوان داودی، چ ششم، قم: انتشارات ذوی القربی.
۵. صیدی، علی و غلامرضا قاسم‌نژاد (۱۳۹۹)، «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۸، ش ۱، ص ۲۹۹ - ۱۱۶.
۶. غیرتمند، سعید، نادر مختاری و محمدعلی عسکری (۱۳۹۹)، «آثار فردی و اجتماعی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی زنان»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۰۳، ص ۱۸۹ - ۱۶۱.
۷. معین، محمد (۱۳۸۱ش)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات راه نو.

علل گرایش بانوان محجبه به جراحی زیبایی

فاطمه سادات حسینی،^۱ سمیه حاجی اسماعیلی^۲

چکیده

با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در علم پزشکی و تغییرات فزاینده عمل‌های زیبایی در جامعه ایرانی که تحت تأثیر تحولات جهانی قرار دارد، این پژوهش به تحلیل نحوه انطباق بانوان مذهبی و محجبه با این تغییرات می‌پردازد. سؤالات محوری این تحقیق حول عواملی شکل‌گرفته که زمینه‌ساز این انطباق و چالش‌هاست. این مطالعه به شیوه کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون انجام شده است. جامعه نمونه، ۱۵ بانوی محجبه متأهل و مجرد از شهرهای مختلف بودند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و تا حد اشباع داده‌ها، مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. پس از کدگذاری داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA، ۲۶ مضمون اولیه شناسایی شد که با ترکیب و تلخیص آن‌ها، ۸ مضمون سازمان‌دهنده استخراج شد. این مضامین شامل تلاش برای حفظ زندگی فردی و خانوادگی، داشتن پشتیبان مادی و معنوی، تأثیرپذیری از دیگران، پیشرفت علم پزشکی و اطمینان به پزشک معالج، ادراکات زنانه از بدن خود، عدم کنترل تمایلات درونی و همراهی دین و تأثیر رسانه‌ها بود. در نهایت ۴ مضمون فراگیر شامل عوامل اجتماعی و خانوادگی، عوامل درمانی، عوامل ادراکی - شناختی و عوامل فرهنگی - مذهبی به دست آمد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بانوان محجبه به دغدغه‌های زیبایی و ماندگاری توجه دارند، اما در این مسیر با چالش‌هایی از جمله تعارض بین اصول مذهبی و تمایلات زیبایی شناختی مواجه هستند.

واژگان کلیدی: بانوان محجبه، جراحی زیبایی، تحلیل مضمون.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ مطالعات اسلامی زنان و پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی

جامعه‌الزهرای، Sajede.mirs@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی پژوهشکده زن و خانواده و مدیر گروه مطالعات اسلامی زن و خانواده

جامعه‌الزهرای، esmaeilisomayye@gmail.com

دنیای علوم رو به پیشرفت است و این پیشرفت به مرور در میان جوامع تغییرات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی ایجاد می‌کند. رشد فزاینده علم هر اندازه مثبت تلقی شود، تغییرات فرهنگی حاصل از آن را نمی‌توان همیشه تغییر مثبت تلقی کرد. از میان علوم مختلف، پیشرفت علم پزشکی در شاخه جراحی زیبایی که به منظور بهبود و تغییر شکل ظاهری بدن انجام می‌شود، اثرات مثبت و منفی فرهنگی - اجتماعی را به دنبال داشته است. این حوزه از علم پزشکی نه تنها به رفع نواقص ظاهری و اصلاحات جسمی کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند تأثیرات عمیق‌تری بر روحیه، اعتماد به نفس و کیفیت زندگی افراد داشته باشد. امروزه افزایش توجه به زیبایی سبب شده است جراحی زیبایی مورد توجه بسیاری قرار بگیرد که نگران‌کننده به نظر می‌رسد. کوچک کردن بینی، بزرگ کردن لب، ساخت گونه‌های برجسته، بزرگ کردن سینه‌ها، کوچک کردن شکم، باریک کردن ران‌ها و صاف کردن چین و چروک‌ها و کشیدن پوست از جمله موارد جراحی‌های زیبایی محسوب می‌شود.

بانوان بیشترین کسانی هستند که به دنبال جذابیت‌های ظاهری هستند؛ زنانی که به عنوان ارکان اصلی خانواده محسوب می‌شوند و مسئولیت خطیر تربیت فرزند بر عهده آنان است و مشارکت اجتماعی آنان در همه سطوح اجتماعی ضرورت دارد و با توجه به برخی پیامدهای منفی خودآرایی زنان در عرصه عمومی جامعه ایران مانند تشدید اختلالات هنجاری در فرهنگ رسمی جامعه، این ضرورت را ایجاد می‌کند که کمی عمیق‌تر به این موضوع نگریسته شود (بابایی فرد، یوسفی و امجدی، ۱۳۹۹). گلپزرا بر این باور است که زنان نیاز روان‌شناختی قوی برای حفظ و پیگیری زیبایی و ارتقای جذابیت خود دارند. آن‌ها نسبت به مردان به تصویر بدنی خود حساس‌ترند که البته این وضعیت در شرایط فرهنگ‌ها و نژادهای گوناگون یکسان نیست و هر فرهنگی، ایده‌آل‌های ویژه خود را دارد و این ایده‌آل‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند. برای مثال مطالعه درباره فرهنگ آمریکایی در طول ۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد که ایده زیبا شدن، لاغرتر بودن را به زنان دیکته کرده است (گلپزرا، ۱۹۶۵). در چند دهه اخیر در ایران نیز حساسیت زنان و دختران به ویژگی‌های اندام و چهره‌شان، زمینه‌ساز گسترش انواع

جراحی‌های پلاستیک زیبایی شده است. بسیاری از زنان وقت، پول و نیروی عاطفی گران‌بهایی را صرف می‌کنند تا بدن خود را با معیارهایی منطبق کنند. گزارش‌های انجمن بین‌المللی جراحان پلاستیک و زیبایی آمار بالای تعداد جراحان و جراحی‌ها و رشد مداوم آن را نشان می‌دهد (انجمن بین‌المللی جراحان پلاستیک و زیبایی، ۲۰۱۸). این انجمن ایران را از نظر نسبت جمعیت جراحی (زیبایی) شده در بالاترین نرخ سال ۲۰۱۳ معرفی کرده (مظفری‌نیا و همکاران، ۲۰۱۸) و بر اساس تعداد تقریبی جراحان پلاستیک در سال ۲۰۱۸ در رتبه ۲۵ (انجمن بین‌المللی جراحان پلاستیک و زیبایی، ۲۰۱۸) و در سال ۲۰۲۱ در رتبه ۲۸ جهان قرار داده است (انجمن بین‌المللی جراحان پلاستیک و زیبایی، ۲۰۲۱؛ حسینی و افراسیابی، ۱۴۰۲).

در این میان نکته نگران‌کننده‌تر این است که بانوان محجبه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. محجبه بودن به معنای پایبندی به ارزش‌ها و اصول فرهنگی و دینی است که ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر تصمیم‌گیری‌ها و نگرش‌های این گروه از افراد نسبت به جراحی‌های زیبایی داشته باشد. بانوان محجبه نیز به دنبال بهبود ظاهر خود از طریق جراحی‌های زیبایی هستند؛ در حالی که همچنان خود را پایبند به اصول و ارزش‌های مذهبی می‌دانند. این بانوان بعضاً ممکن است نگرانی‌هایی از بابت حفظ حجاب و حیا و قضاوت‌های اجتماعی، احساس گناه به دلیل زیر پا گذاشتن اصول دینی داشته باشند. با این همه باید دید جراحی‌ها با ارزش‌ها و باورهای یک بانوی محجبه و مذهبی مطابقت دارد یا خیر؟ بسیاری از بانوان در کنار تمایل به زیباتر شدن، به حفظ هویت فرهنگی - مذهبی خود علاقه دارند؛ حال باید دید دلیل گرایش زنان و دختران محجبه ایرانی از طبقات اجتماعی مختلف به جراحی زیبایی و عوامل مؤثر بر آن چیست؟ چرا بسیاری از بانوان محجبه با آگاهی کامل از ریسک عمل و هزینه‌های مادی و معنوی و علی‌رغم هراس از عمل، ریسک این کار را می‌پذیرند و چه عواملی بازدارندگی ایجاد می‌کند؟

مبانی نظری پژوهش

برای تحلیل علل گرایش بانوان محجبه به جراحی زیبایی، می‌توان از نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی بهره برد:

۱. نظریه کنش متقابل نمادین^۱

نظریه کنش متقابل نمادین، یکی از نظریه‌های کلیدی در جامعه‌شناسی است که معتقد است افراد در تعاملات اجتماعی خود با استفاده از نمادها (مانند زبان و رفتار) معناها را می‌سازند و تفسیر می‌کنند. بنابراین این نظریه به بررسی چگونگی شکل‌گیری معانی اجتماعی از طریق تعاملات انسانی می‌پردازد. جراحی زیبایی می‌تواند به عنوان یک کنش اجتماعی در نظر گرفته شود که در آن بانوان محجبه به دنبال ایجاد هویت و تصویر مثبت از خود هستند (بلومر، ۱۹۶۹).

۲. نظریه ساختارگرایی^۲

ساختارگرایی، نظریه‌ای است که معتقد است تمامی پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی را می‌توان از طریق بررسی ساختارهای زیربنایی آن‌ها درک کرد. در این نظریه، ساختارها واحدهای بزرگ‌تر و کلی‌تری هستند که رفتارها و کنش‌ها درون آن‌ها قرار می‌گیرند. این نظریه بر تأثیر ساختارهای اجتماعی بر رفتارها و انتخاب‌های فردی تأکید دارد. در این زمینه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌توانند بر تصمیم‌گیری بانوان محجبه درباره جراحی زیبایی تأثیرگذار باشند. برای مثال فشارهای اجتماعی و استانداردهای زیبایی می‌توانند در این تصمیم‌گیری نقش داشته باشند (گیدنز، ۱۹۸۴).

۳. نظریه فمینیسم^۳

نظریه فمینیسم به بررسی نابرابری‌های جنسیتی و تأثیرات فرهنگی بر زنان می‌پردازد. این نظریه می‌تواند به تحلیل چگونگی تأثیر استانداردهای زیبایی بر روی بانوان محجبه کمک کند و نشان دهد که چگونه این استانداردها ممکن است زنان را به سمت جراحی زیبایی سوق دهند (سیمین دوبوار، ۱۹۴۹).

۴. نظریه هویت اجتماعی^۴

نظریه هویت اجتماعی، به بررسی چگونگی شکل‌گیری هویت افراد بر اساس ارتباطات

1. Symbolic Interactionism
2. Structuralism
3. Feminist Theory
4. Social Identity Theory

گروهی و اجتماعی آن‌ها می‌پردازد. طبق این نظریه، افراد هویت خود را تا حدی بر اساس عضویت در گروه‌های اجتماعی مختلف تعریف می‌کنند و از این عضویت بهره‌مند می‌شوند. این گروه‌ها می‌توانند شامل جنسیت، ملیت، مذهب و دیگر دسته‌بندی‌های اجتماعی باشند. بانوان محجبه ممکن است برای تقویت هویت اجتماعی خود و هم‌راستایی با گروه‌های اجتماعی خاص به جراحی زیبایی روی آورند (تاجفل و تورنر، ۱۹۷۹).

۵. نظریه سرمایه فرهنگی^۱

نظریه سرمایه فرهنگی که توسط پیر بوردیو معرفی شده است، به بررسی نحوه استفاده از دانش، مهارت‌ها و سایر منابع فرهنگی افراد برای کسب مزیت در جامعه می‌پردازد. در جوامع که زیبایی به عنوان یک ارزش مهم تلقی می‌شود، بانوان محجبه ممکن است از طریق جراحی زیبایی به دنبال افزایش سرمایه فرهنگی و اجتماعی خود باشند (بوردیو، ۱۹۸۶).

پیشینه پژوهش

نتایج تحقیقات مختلف نشان‌دهنده تأثیرات متنوع اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی بر تصمیم‌گیری زنان در زمینه جراحی زیبایی است. بابایی فرد، یوسفی و امجدی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به مدیریت بدن در شهر قم» نشان دادند که بین فشار اجتماعی، تأیید اجتماعی، دستیابی به موقعیت اجتماعی بالاتر، جذب جنس مخالف و رضایت از زندگی با مدیریت بدن، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. این یافته‌ها بیانگر تلاش زنان برای تأمین نیازهای اجتماعی و جلب توجه از طریق مدیریت بدن خود است.

ادهمی و امامی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «رابطه احساس ترس از خیانت همسر و مدیریت بدن در زنان متأهل تهران» نشان دادند که زنان برای به دست آوردن منزلت و عاملیت در خانواده و جامعه با محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه هستند. تغییرات در بدن به عنوان ابزاری برای جلب توجه و تمایزبایی در نظر گرفته شده است. مرادیان و زنجانی‌زاده (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «تصمیم‌گیری‌های زنان در رابطه با جراحی‌های زیبایی» نیز نشان دادند که عوامل مختلفی مانند پیشرفت

پزشکی، عاملیت جراحان و الگوپذیری از تجربیات زنان دیگر، تصمیم‌گیری زنان را در انتخاب جراحی زیبایی تسهیل می‌کنند.

باقری (۱۳۹۷) نیز در مقاله خود با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به جراحی زیبایی (مورد مطالعه: زنان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر اهواز)» بیان کرد که متغیرهای تصور از بدن (۸۷ درصد)، پذیرش اجتماعی بدن (۷۰ درصد)، میزان دینداری (۷۱ درصد)، فشارهای اجتماعی (۸۱ درصد)، اعتماد به نفس (۸۹ درصد)، مصرف رسانه‌ای - فرهنگی (۶۵ درصد) و پایگاه اجتماعی - اقتصادی (۷۳ درصد) با جراحی زیبایی رابطه معناداری دارند. همچنین نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای مستقل پژوهش، ۶۰ درصد از واریانس متغیر وابسته (جراحی زیبایی) را تبیین کرده‌اند.

قادرزاده، خالقی‌پناه و خزایی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش کیفی خود مبنی بر دلایل و پیامدهای جراحی زیبایی دریافتند که زنان در مواجهه با دگردیسی هنجارهای زیبایی، بدل شدن زیبایی به امری آروتیک، ملال‌آور بودن زندگی روزمره و تکثیر تصورات منفی از جسمانیت خویشتن، به جراحی زیبایی روی می‌آورند. فردی شدن زیبایی و پیشرفت‌های علم جراحی به عنوان زمینه‌های تسهیل‌گر و الگوپذیری از مدل‌های رسانه‌ای به عنوان شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. همچنین جراحی زیبایی با وجود ارتقای اعتماد به نفس زنان می‌تواند مخاطرات جسمی و وسواس زیبایی، اختلال در زندگی روزمره و انزوای اجتماعی را به همراه داشته باشد. قاسمی (۱۳۹۵) با تحقیق «مطالعه کیفی نگرش و ادراکات زنان از بدن با تأکید بر جراحی‌های زیبایی» نشان داد که ادراک زنانی که جراحی زیبایی انجام می‌دهند، از بدن خود چندان مثبت نیست. این زنان بدن خود را به عنوان سرمایه، نقاب و هویت مستقل می‌دانند. عوامل مؤثر بر این ادراک شامل هنجارهای مردانه، دیدگاه ظاهرگرایانه و رسانه‌های جمعی است.

پژوهش حاضر در بررسی عوامل گرایش به جراحی زیبایی در میان زنان محجبه، به طور خاص بر روی گروهی متمرکز است که در تحقیقات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در حالی که بسیاری از مطالعات به بررسی زنان در کلیت جامعه پرداخته‌اند، پژوهش حاضر با تمرکز بر زنان محجبه به تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی

این گروه می‌پردازد و می‌تواند تأثیرات خاص مذهبی و اجتماعی را بر تصمیم‌گیری آن‌ها درباره جراحی زیبایی تحلیل کند. همچنین رویکرد این مقاله شامل استفاده از روش‌های کیفی و عمیق‌تری است که به درک دقیق‌تری از ادراکات و تجربیات زنان منجر می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش از روش کیفی (تحلیل مضمون) بهره می‌برد. تحلیل مضمون، عبارت از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌هاست. بر این اساس پژوهشگران از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به استخراج جملات، پاراگراف‌ها یا عبارت‌هایی از متن می‌پردازند. هر یک از این جمله‌ها یا پاراگراف‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌های خام، توسط یک گزاره یا عبارت مفهومی کوتاه تعریف می‌شود. سپس عبارت‌های مفهومی بر اساس رویکرد تحلیل مضمون در سه دسته مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر در نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری می‌شوند. جامعه نمونه این پژوهش شامل ۱۵ زن مجرد و متأهل به روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس ملاک محجبه بودن به صورت خوداظهاری، سن ۲۳ تا ۴۲ سال است.

جدول ۱: اطلاعات مصاحبه‌شونده‌ها

نام	تحصیلات	سن	پوشش	نوع عمل جراحی
هدی.ج	سطح سه حوزه	۳۷	چادر	بینی
زینب.ف	دیپلم	۳۰	چادر	بینی/تزریق چربی برای چانه/زاویه سازی چانه
فاطمه.م	کارشناسی	۳۲	چادر/مانتو پوشیده	بینی
راضیه.آ	ارشد/سطح سه حوزه	۴۰	چادر	ماموپلاستی/بوتاکس پیشانی
زهرا.ر	کارشناس پرستاری	۳۲	مانتو پوشیده	بینی
الهه.س	کارشناسی	۳۲	چادر	بینی

نام	تحصیلات	سن	پوشش	نوع عمل جراحی
فاطمه.ر.	کارشناسی علوم قرآنی حوزوی	۴۰	چادر	بینی
سلیمه.ع.	ارشد	۳۴	چادر	بینی
بهار.ب.	دیپلم	۳۹	چادر	بینی
مائده.گ.	فوق دیپلم	۲۳	چادر/مانتو پوشیده	بینی/تزریق ژل لب/ کاشت ناخن/کاشت مژه
نیره.ک.	-	۴۲	مانتو پوشیده	بینی/تزریق ژل به لب
مرضیه.ا.	کارشناسی قرآن وحدیث	۲۸	چادر	بینی/تزریق
سمیرا.ب.	کارشناسی	۲۸	چادر	لیپوساکشن ۳۶۰ ابدو
فاطمه.ق.	دیپلم	۲۴	مانتو پوشیده	بینی
سحر.ط.	کارشناسی	۳۴	چادر	بینی/کمپوزیت دندان

یافته‌ها

در این پژوهش ابتدا داده‌های خام با عبارت‌ها و مفاهیم انتزاعی نامگذاری شد و سپس از دل مفاهیم موجود، ۲۶ مضمون پایه، ۸ مضمون سازمان دهنده و در نهایت با یکپارچه‌سازی مضامین سازمان دهنده، ۴ مضمون فراگیر «عوامل اجتماعی - خانوادگی، درمانی، عوامل ادراکی - شناختی و فرهنگی - مذهبی» استخراج شد.

مضمون اولیه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
جذب خواستگار و همسر	عوامل اجتماعی و خانوادگی	عوامل اجتماعی و خانوادگی
برای حفظ زندگی مشترک		
رهایی از مقایسه کردن های شوهر		
افکار منفی تنش آفرین در زندگی		
تأثیر کلام اطرافیان به ویژه همسر		
داشتن همراه و پایه و مشوق برای عمل		
تأثیرپذیری از جامعه		
تمسخر دیگران		
جو خانوادگی		
نگاه منفی به بدن خود	عوامل ادراکی شناختی	عوامل ادراکی شناختی
درگیر بودن ذهن نسبت به این موضوع به مدت طولانی		
اعتماد به نفس پایین		
آراستگی ظاهری و رسیدن به چهره دلخواه		
نگاه منفی به بدن خود		
چشم و هم چشمی		
سیری ناپذیری انسان در مسیر عمل زیبایی		
برای جلب توجه		
پولدار بودن		
ترس از پیری		
عدم وجود مانع شرعی	عوامل فرهنگی مذهبی	عوامل فرهنگی مذهبی
نیازسنجی روحی و روانی		
تأثیر سلبریتی ها و فضای مجازی		
ترویج فرهنگ رسیدگی به خود	تأثیر رسانه ها، فرهنگ سازی	



۱. تلاش برای حفظ زندگی فردی و خانوادگی (تحلیل نقش زیبایی جسمانی در انتخاب همسر و حفظ رابطه زناشویی):

در گذشته یکی از معیارهای کلیدی انتخاب همسر برای مردان، زیبایی زنان بود. این زیبایی بیشتر به صورت طبیعی مورد توجه قرار می‌گرفت، اما با گذشت زمان و تغییرات اجتماعی، شاهد تحولی در این نگرش هستیم که زیبایی چه طبیعی و چه کسب شده از طریق عمل جراحی، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. از سوی دیگر خواسته درونی زنان در تمام دوران‌ها، پذیرش و تأیید از سوی همسرشان بوده است که برای دستیابی به این هدف نیز تلاش‌های زیادی می‌کردند. زنان در دوران معاصر برای حفظ و تقویت بنیان خانوادگی به سمت جراحی‌های زیبایی و سایر روش‌های بهبود ظاهر گرایش پیدا کرده‌اند. هدف از این اقدامات در دختران مجرد، جذب خواستگار و جنس مخالف و در میان زنان متأهل، حفظ و تقویت رابطه با همسر است. این اقدامات افزون بر جلوگیری از لغزش‌های احتمالی همسر و مقایسه‌های ناخواسته، به رفع نگرانی‌ها و کاهش افکار منفی خود فرد نیز کمک می‌کند. در برخی موارد زنان برای فرار از مقایسه‌های ذهنی خود که منجر به اختلافات زناشویی می‌شود، به جراحی زیبایی روی می‌آورند. این افکار منفی به کاهش کیفیت روابط زناشویی می‌انجامد. با این حال، این روند نشان‌دهنده اهمیت کم‌نظیر زیبایی ظاهری در نگاه جامعه و فرهنگ معاصر است که بررسی و تحلیل این موضوع نیازمند پژوهش‌های دقیق‌تری است تا به درک عمیق‌تری از این پدیده و ابعاد مختلف آن نائل شویم.

سلیمه.ع (عمل بینی) معتقد است: «یا مثلاً دختر باشد. برای مثال یکی از دوستانم ۳۵ ساله و بسیار زشت است. دماغ بسیار زشتی دارد. خوب طبیعی است که این فرد باید کمی خودش را مرتب کند. طبیعی است که پسرهای الان با این دختر ازدواج نمی‌کنند». در چنین شرایطی تمایل به انجام جراحی‌های زیبایی ممکن است به عنوان یک راه حل معقول برای برخی افراد تلقی شود. این اقدامات می‌تواند به عنوان تلاشی برای ایجاد آینده‌ای بهتر در جامعه‌ای که ارزش زیادی برای ظاهر جسمانی قائل است، محسوب شود. از دیدگاه روان‌شناختی این تصمیم می‌تواند تلاش برای افزایش اعتماد به نفس، احساس رضایت شخصی و بهبود روابط اجتماعی و زناشویی باشد.

زینب. ف (عمل بینی) معتقد است: «به خاطر وجود همسر و مقایسه‌های فراوانی که نسبت به خانم‌های دیگر داشتند، با وجود اینکه ایشان مذهبی و قاضی هم هستند. ما در حال حاضر الان از همدیگر جدا شدیم به خاطر همین مقایسه‌ها و بعضی از مسائل دیگر؛ ولی خب جرقه آن از همان جا خورد که من این تصمیم را گرفتم». گاهی زنان برای فرار از رفتارهای نابخردانه همسران، به عمل زیبایی تن می‌دهند و این مسئله، دلیلی برای اثبات این ادعاست که ظاهر و تن برای تثبیت بنیان خانواده اصالت یافته و نگاه ابزاری به بدن زنان شدت گرفته است.

فاطمه. م (عمل بینی) می‌گوید: «برای مثال من همیشه الکی گیر می‌دادم و فکر می‌کردم اگر همسر با فردی سلام و علیک دارد که بینی زیباتری دارد، چقدر آن فرد در چشم و نظر همسرم زیباست و من به آن زیبایی نیستم. این مسائل در اخلاق و رفتارم بسیار تأثیر داشت».

۲. حمایت مادی و معنوی در مسیر جراحی‌های زیبایی

انسان‌ها برای انجام کارهای بزرگ یا پرریسک، نیازمند حمایت‌های معنوی هستند تا در مواجهه با چالش‌های مسیر، بتوانند انگیزه خود را حفظ کنند. جراحی زیبایی نیز با خطرات و چالش‌های خاص خود، از این قاعده مستثنی نیست و تأثیر کلام و حمایت اطرافیان در این موارد بسیار مشهود است. این حمایت‌ها می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس، کاهش استرس و اضطراب و نیز تقویت قدرت روانی و روحی فرد کمک کند. این حامیان می‌توانند اعضای خانواده، دوستان یا آشنایان باشند.

الهه. س (عمل بینی) می‌گوید: «دو سه سال به آن فکر می‌کردم تا اینکه با یکی از دوستانم با هم تصمیم گرفتیم با هم انجام دهیم. خانواده هر دو نفرمان زیاد موافق نبودند و ما دو نفر هم تصمیم گرفتیم طی دو ماه آن را انجام دهیم. ماه اول دوستم انجام داد و من از او پرستاری کردم و ماه دوم من انام دادم و ایشان برای کمک به من آمد».

زهرا. ر (عمل بینی) نیز می‌گوید: «فکر نمی‌کردم او حاضر شود هزینه و پول آن را بدهد، اما بعد دیدم خودش هم تمایل دارد و حاضر است پول آن را بدهد».

در ادامه حمایت‌ها باید دانست که تأمین هزینه مالی جراحی زیبایی، یکی از معضلات اصلی برای بانوان علاقه‌مند به این اقدامات است. با این حال وقتی همسر به عنوان یک

حامی مالی حضور داشته باشد، این دغدغه به شکل قابل توجهی کاهش می‌یابد یا به طور کامل رفع می‌شود. این حمایت به کاهش فشارهای روانی نیز کمک می‌کند.

۳. تأثیرپذیری از دیگران

جامعه متشکل از افرادی با دیدگاه‌های متفاوت و گاه ضد و نقیض است. زندگی در چنین محیطی نتیجه تعاملات بین این افراد و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از یکدیگر است. وقتی افراد جامعه به جراحی‌های زیبایی روی می‌آورند، این اقدامات می‌توانند نُرم اجتماعی جدیدی ایجاد کنند و افراد ممکن است احساس کنند که باید برای تطابق با این استانداردهای زیبایی به‌روز شده، خود نیز به این اعمال روی آورند.

سحر.ط (عمل بینی) معتقد است: «عامل دیگری هم وجود دارد؟ بله؛ دارد. با توجه به روند جامعه‌ای که در آن هستیم، مرز بی‌حجابی که در جامعه بی‌داد می‌کند، نیره.ک (عمل بینی) نیز معتقد است: «یعنی برای مثال می‌گویم وقتی در خیابان یک نفر را می‌دیدم که آن عمل زیبایی را انجام داده و زیبا شده است؛ پس از آن ترغیب می‌شدم که حتماً این کار را انجام دهم».

بنابراین افراد جامعه می‌توانند نقش الگوی مثبت یا منفی داشته باشند و تأثیرپذیری از دیگران و نقش جامعه در تصمیم‌گیری‌های فردی به‌ویژه در زمینه جراحی زیبایی، اهمیت زیادی دارد. برای کاهش تأثیرات منفی این فشارها، نیازمند افزایش آگاهی، آموزش صحیح و حمایت همه‌جانبه از افراد هستیم تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند و از استانداردهای ناپایدار و فشارهای اجتماعی به دور باشند.

فاطمه.ق (عمل بینی) می‌گوید: «دو نفر از اقوام من این عمل را انجام دادند و من دیدم که بینی‌شان خیلی خوب شده است؛ بیشتر مشتاق شدم».

باید توجه داشت که تأثیرات و الگوپذیری‌هایی که در اجتماع وجود دارد، در خانواده با ضریب بالاتری قابل مشاهده هستند. افراد در خانواده تأثیر مستقیمی بر یکدیگر دارند. این امر به دلیل روابط عاطفی نزدیکی است که میان اعضای خانواده وجود دارد.

زینب.ف (عمل بینی) می‌گوید: «بینی من کمی بلند بود و از مان کودکی تا کنون به همین علت بسیار مورد تمسخر قرار گرفتم تا زمانی که ازدواج کردم».

تمسخر اطرافیان در جامعه و در میان دوستان، عاملی مهمی برای عمل جراحی

است. این تمسخرها به مرور زمان بر روان فرد اثر می‌گذارد و او را به فردی گوشه‌گیر تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی است که فرد راه‌هایی از این تمسخرات را از بین بردن عامل تمسخر شدن می‌داند.

۴. پیشرفت علم پزشکی و نقش اعتماد در انتخاب پزشک معالج

با توجه به پیشرفت روزافزون علم پزشکی، افراد بیشتری به استفاده از آن ترغیب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های بیماران، توانایی و مهارت پزشک معالج در انجام درمان‌های مورد نظر است. اعتماد به پزشک معالج و اطمینان از مهارت‌های او، از عوامل حیاتی در تجربه موفقیت‌آمیز درمان به شمار می‌رود که با تحقیق و بررسی نظرات بیماران قبلی می‌توان اطلاعات مهمی در مورد تجربه و مهارت پزشک به دست آورد. تعداد بالای رضایت بیماران به عنوان شاهد عینی از مهارت پزشک و نشان‌دهنده تخصص، تجربه و توانایی‌های بالای پزشک در انجام درمان‌ها و جراحی‌های مختلف است و به عنوان یک منبع مهم برای ارزیابی و انتخاب پزشک محسوب می‌شود. از دیگر عوامل اطمینان‌بخش وجود علقه و روابط خانوادگی است. اگر پزشک مورد نظر از طریق روابط خانوادگی یا دوستانه شناخته شده باشد، این عامل می‌تواند در افزایش اعتماد و اطمینان بیمار به مهارت‌ها و توانایی‌های او مؤثر باشد.

عامل مؤثر دیگر در انجام اعمال زیبایی، پیشنهاد و توصیه پزشک است، اما از مهم‌ترین دلایل جراحی زیبایی، عملی است که برای درمان و رفع عیوب انجام می‌شود و نهایتاً با درمان بیماری، زیبایی اکتسابی را نیز به دنبال می‌آورد. از سوی دیگر پیشرفت علم پزشکی و وجود راه‌حل علمی برای نازیبایی‌ها، به عنوان عاملی ترغیب‌کننده برای عمل زیبایی محسوب می‌شود.

نیره.ک (عمل بینی) می‌گوید: «هنگامی که دو سال پیش که تعدادی از هنرجوهایم را دیدم که پیش دکتر صفوی رفته‌اند، من هم برای عمل زیبایی بینی پیش ایشان رفتم». راضیه.آ (عمل پستان) نیز می‌گوید: «چون جراح از اقوام بود. بیشتر انگیزه‌ام نیز همین بود که به او اعتماد داشتم، وگرنه به فرد دیگری اعتماد نمی‌کردم که این عمل را پیش ایشان انجام دهم».

سمیرا.ب (لیپوساکشن) نیز می‌گوید: «چسبندگی لایه شکم جرقه‌ای بر این عمل شد».

۵. ادراکات زنانه از بدن خود

تصویر و چگونگی درک زنان از بدن خود با یکدیگر متفاوت و این ادراکات در روابط آن‌ها تأثیرگذار است. این تصویر از افکار و احساسات آن‌ها نسبت به بدن خودشان نشأت می‌گیرد و به صورت مثبت یا منفی ظهور و بروز خواهد داشت. این تصویر و ادراک محدود به زمان خاصی نیست و از کودکی تا پیری ادامه خواهد داشت.

فاطمه.م (عمل بینی): «به اندازه‌ای روی اعصابم بود که حد نداشت. مداوم رژ می‌زدم تا بینی‌ام دیده نشود یا مدل ابرویم را به صورتی بر می‌داشتم تا بینی‌ام دیده نشود، ولی فایده‌ای نداشت».

نگاه منفی به بدن خود، یک ادراک و از عوامل مهمی است که احتمال انجام جراحی‌های زیبایی را افزایش می‌دهد. این نگاه منفی می‌تواند ناشی از مقایسه با دیگران، نارضایتی از ظاهر خود به دلیل ایده آل‌گرایی یا تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون تجارب دوران کودکی، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و... باشد.

نیره.ک (عمل بینی): «من سال‌های بسیاری از حدود سن ۲۲ یا ۲۳ سالگی تصمیم داشتم عمل زیبایی انجام دهم».

باید توجه داشت زمانی که افراد ذهن خود را به مدت طولانی درگیر موضوعی می‌کنند و درصدد رفع موانع هستند، احتمال انجام آن تصمیم بسیار بالاست. طی این مدت فرد ممکن است تحقیقات و آگاهی بیشتری درباره موضوع کسب کند که در نهایت به اجرامی انجامد. در نتیجه تمرکز طولانی مدت بر یک موضوع، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در انجام آن داشته باشد.

فاطمه.م (عمل بینی): «بله؛ اعتماد به نفسم پایین بود و سر مسائل بی‌اهمیتی گیر می‌دادم».

اعتماد به نفس پایین، از دیگر عواملی است که می‌تواند افراد را به انجام عمل‌های زیبایی سوق دهد. این امر ممکن است ناشی از نارضایتی از ظاهر خود، مقایسه با دیگران و انتقادات بیرونی یا تجربه‌های منفی گذشته باشد.

نیره.ک (عمل بینی): «از نظر من قرار نیست چهره آدم‌ها دستکاری شود؛ بلکه قرار است فرد به چهره دلخواهش برسد؛ به همان حس خوبی که نسبت به خود پیدا می‌کند و از آن انرژی مثبت می‌گیرد».

خوب است بدانیم که آراستگی ظاهری و رسیدن به چهره دلخواه به دلیل در پی داشتن آرامش روانی و لذت زیبایی، از عوامل مؤثر در عمل زیبایی است.

۶. کنترل تمایلات درونی

انسان‌ها مجموعه‌ای از خواسته‌ها و تمایلات درونی را در وجود خود دارند که محرک آنان در جهان خارج می‌شوند. پاسخ‌دهی به این تمایلات، نقش کلیدی در شکل‌دهی به زندگی انسان دارد. تمایلات انسان‌ها می‌توانند از تمایلات عقلانی مانند جستجو برای دانش و خرد گرفته تا تمایلات نفسانی مانند لذت طلبی و خواسته‌های مادی، متنوع باشند. برخی از این تمایلات می‌تواند رشد و پیشرفت انسان را تسهیل کند؛ در حالی که برخی دیگر ممکن است مانعی در مسیر رشد باشند. اگر پاسخ‌دهی به این تمایلات بدون حد و مرز صورت گیرد، زندگی انسان به سمت هرج و مرج و بی‌برنامگی سوق پیدا می‌کند. بنابراین پاسخ‌دهی به تمایلات درونی نیازمند تعادل و تدبیر است. تمایلات مثبت و سازنده که به رشد و بهبود زندگی فرد کمک می‌کنند، باید پرورش داده شوند. در مقابل تمایلات منفی باید با کنترل و مهار مواجه شوند. کنترل تمایلات به معنای مدیریت و هدایت آن‌ها در مسیرهای مؤثر و مفید است. در نتیجه انسان‌ها نیازمند کنترل تمایلات درونی خود هستند تا زندگی سالم، پویا و سازنده‌ای داشته باشند.

سحر.ط (عمل بینی) می‌گوید: «بعد از اینکه ازدواج کردم، دوباره حال و هوای آن به سراغم آمد و فکر می‌کردم که این کار را انجام دهم؛ چون بسیاری از دوستانم که دانشجو بودند، این کار را کرده و از آن نیز راضی بودند. زیباتر هم شده بودند. من هم دوست داشتم این کار را انجام دهم تا اینکه آن زمان باز هم سرم مخالفت کردند».

چشم و هم‌چشمی، مقوله‌ای از زمره تمایلات درونی منفی برای اشخاصی است که از کنترل هوای نفس خود باز مانده‌اند. تن دادن به این خواسته درونی و به هر نحوی شبیه دیگران شدن، اثرات مخربی را در پی خواهد داشت.

نیره.ک (عمل بینی): «بعد از عمل بینی واقعا لبم به تزریق نیاز داشت؛ چون فاصله بین دو لب (با عمل بینی) زیاد می‌شود. وقتی یک سی سی یعنی نیم سی سی لب بالا و نیم سی سی به لب پایین زدم، کمی تعادل برقرار شد».

یکی از معضلات اساسی که در دستکاری بدن مشاهده می‌شود، سیری ناپذیری

انسان و یافتن عیوب جدید پس از هر اقدام جراحی است. این پدیده می‌تواند به یک چرخه بی‌پایان از جراحی‌ها و تغییرات منجر شود که نتیجه‌ای جز نارضایتی مستمر به همراه نخواهد داشت. برای مثال عمل بینی ممکن است نسبت‌های طبیعی چهره را تغییر دهد و فرد را به تزریق ژل به لب یا انجام سایر جراحی‌ها مجبور کند. در نتیجه هر جراحی زیبایی می‌تواند توازن طبیعی چهره و بدن را تغییر دهد و نسبت‌های جدیدی ایجاد کند که نیازمند اصلاحات بیشتری باشند. این تغییرات ناپیوسته موجب می‌شود افراد همیشه به دنبال جراحی‌های بیشتری برای اصلاح این تناسب‌ها باشند. نوع نگاه فرد به بدن و چهره خود، نقش مهمی در این سیری ناپذیری دارد. افراد با نگاه منتقدانه به خود ممکن است همیشه به دنبال یافتن عیوب جدیدی باشند که نیازمند تصحیح است؛ حتی اگر این عیوب فقط در ذهن آن‌ها وجود داشته باشد. باید توجه داشت که عمل‌های زیبایی پی در پی نیز ممکن است رضایت از ظاهر هرگز به طور کامل حاصل نشود.

سحر.ط (عمل بینی): «من برایم بسیار مهم بود هنگامی که به دانشگاه می‌روم، چهره خاصی داشته باشم و بیشتر به چشم بیایم. از این‌رو دوست داشتم قیافه‌ام تغییر کند و از این حالت در بیایم».

جلب توجه کردن، یکی از تمایلات درونی است که غالباً زنان درگیر آن هستند. بسیاری از زنان به منظور دیده شدن، به اقدامات مختلفی از جمله انجام عمل‌های زیبایی روی می‌آورند که ممکن است خطرات زیادی در پی داشته باشد.

سلیمه.ع (عمل بینی): «جرقه نهایی این بود که خانه‌مان را فروخیتیم و پول به دستم رسید».

یکی از شرایط لازم برای انجام جراحی‌های زیبایی، داشتن هزینه مورد نیاز است. برخی افراد به دلیل داشتن پول اضافه و بدون نیازسنجی واقعی، این هزینه‌ها را در مسیر عمل‌های زیبایی خرج می‌کنند؛ در حالی که دیگران ممکن است به دلیل نداشتن هزینه یا تأخیر در تأمین آن، از انجام چنین عملی صرف‌نظر کنند یا آن را به تعویق بیندازند.

هدی.ج (عمل بینی): «با خودم فکر می‌کردم الان جوان و زیبا هستم، اما هنگامی

که سنم بالا برود، طبیعی است که صورت می‌ریزد و پراز چین و چروک می‌شود. این موارد در آن زمان بیشتر مرا اذیت خواهد کرد؛ چون هنگامی که سن آدمی بالا می‌رود، زیبایی‌هایش را هم از دست می‌دهد».

۷. ترس از پیری

ترس از پیری، از دیگر نگرانی‌های عمده‌ای است که بسیاری از بانوان با آن درگیر هستند. این نگرانی از تمایل درونی به زیبایی و حفظ ظاهر جوان نشأت می‌گیرد. به همین دلیل است که برخی افراد به جراحی‌های زیبایی روی می‌آورند تا مانع ظهور نشانه‌های پیری شوند و ظاهر عمومی خود را بهبود بخشند. این جراحی‌ها ممکن است شامل لیفتینگ صورت، تزریق فیلرها، بلفاروپلاستی (جراحی پلک) و ... باشد. اگرچه جراحی‌های زیبایی می‌توانند به تأخیر در نشانه‌های پیری و بهبود ظاهر کمک کنند، اما نمی‌توانند به طور کامل فرایند پیری را متوقف کنند. انتخاب روش‌های طبیعی‌تر و مشاوره روان‌شناسی می‌تواند راه‌حل‌های پایدارتری برای مواجهه با ترس از پیری فراهم آورد.

۸. همراهی دین با زیبایی

بر خلاف باور برخی افراد مذهبی و غیرمذهبی، دین در اصول خود مخالفتی با زیبایی و زیبا شدن ندارد؛ بلکه بسیاری از متون دینی به زیبایی، نظافت و آراستگی تأکید می‌کنند. پس دین نه تنها مانعی برای انجام جراحی‌های زیبایی نیست؛ بلکه در مواردی می‌تواند مشوق نیز باشد، اما نیاز به مشاوره با متخصصان دینی برای تعیین مشروعیت شرعی هر عمل جراحی ضروری است. مصاحبه‌های انجام شده با افراد محجبه نشان می‌دهد که آن‌ها باور دارند دین می‌تواند همراه و مشوق زیبا شدن باشد؛ مشروط بر اینکه این اعمال در چهارچوب‌های دینی انجام شود. البته برخی اعمال جراحی غیرضروری ممکن است از دیدگاه دینی مجوز شرعی نداشته باشند. بنابراین مشورت با متخصصان دینی می‌تواند به یافتن تفاوت‌ها و مجوزهای شرعی کمک کند. الهه.س (عمل بینی) می‌گوید: «وقتی برای دفعه آخر نزد دکتر رفتم. ایشان شرایط بعد از عمل را برایم گفتند. یکی از شرایط این بود که نباید تا یک هفته آب به صورتم بزنم.

مجازی مانند اینستاگرام بودم، بلاگرها را می دیدم که به خودشان می رسیدند. این به خود رسیدن و انجام این کارها برایم جالب و جذاب بود. حس می کردم انجام این کار می تواند موجب افزایش اعتماد به نفسم شود و واقعاً هم همین گونه بود».

تأثیر رسانه ها و فضای مجازی در موضوعات مختلف و در فرهنگ سازی های مثبت و منفی در جوامع کنونی، قابل انکار نیست. یکی از این تأثیرات انجام اعمال زیبایی توسط بلاگرها، سلبریتی ها و افراد مشهور در فضای مجازی است که موجب ترویج این فرهنگ به مخاطبان خود می شوند.

عوامل مؤثر در عدم جراحی در بانوان محجبه

در خلال گفتگو و مصاحبه با بانوان عواملی نیز وجود داشت که شخص آن را زیننده بانوی مذهبی و محجبه نمی دانست و در نتیجه خود یا دیگران را از انجام چنین جراحی هایی منصرف می کرد.

۱. عدم تمایل به جلب توجه کردن

جلب توجه کردن یا دیده شدن توسط دیگران همان گونه که در برخی بانوان محرکی برای انجام عمل زیبایی محسوب می شود، در برخی دیگر از بانوان محجبه به صورت عکس عمل می کند و آن ها را با وجود تمایل به عمل زیبایی، از انجام چنین عملی منصرف می نماید. بانوی محجبه ای که توانسته است باورهای مذهبی خود را از تغییرات فرهنگی مصون بدارد، برای محفوظ ماندن از نگاه نامحرم و عدم جلب توجه کردن، تن به عمل زیبایی نمی دهد.

هدی. ج (عمل بینی) می گوید: «همان ابتدا به دکتر گفتم که تنها می خواهم قوز بالای بینی ام برداشته شود و کاملاً طبیعی باشد. نمی خواهم اصلاً مشخص باشد. افراد بسیاری هستند که عمل می کنند و اثر عمل کاملاً در چهره شان حتی از دور مشخص است. من این نگاه را دوست نداشتم و نمی خواستم عمل بینی ام دیده شود».

۲. ترس از عوارض عمل زیبایی و ترس از خود عمل یا بیهوشی

با توجه به خطرات احتمالی که برای هر عمل جراحی وجود دارد، این ترس جزء ترس های طبیعی در یک عمل جراحی محسوب می شود.

نیره. ک (عمل بینی) می‌گوید: «من کاشت نداشتم و از این بابت بسیار رضای و شاکرم. متأسفانه یا خوشبختانه این مسئله در جامعه ما زیاد است، اما من با چند نفر صحبت کردم. هنگامی که آن‌ها آثار منفی آن را گفتند، از انجام آن پشیمان شدم. کاشت ناخن موج منفی بسیاری دارد».

فاطمه. ق (عمل بینی) نیز می‌گوید: «از بیهوشی می‌ترسیدم. در واقع به خاطر دختر کوچکم می‌ترسیدم که پس از بیهوشی دیگر به هوش نیایم».

۳. وجود مانع شرعی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که یک بانوی محجبه و مذهبی در رابطه با عمل‌های زیبایی به آن فکر می‌کند و به دغدغه‌ای برای او تبدیل می‌شود، نظر شارع در این زمینه و به وجود آمدن یا نیامدن مانع برای انجام اعمال شرعی روزانه است. اگر درجه دینداری فرد بالا باشد، به سراغ متخصصین دینی می‌رود و به دنبال راه حل شرعی می‌گردد. اگر درجه پایین‌تری داشته باشد، با عبارات عامیانه‌ای همچون «خداوند به این مسائل اهمیت نمی‌دهد» و ... خود را راضی می‌کند و عمل جراحی را انجام می‌دهد. سحر. ط (عمل بینی) می‌گوید: «من همیشه به انجام آن فکر می‌کردم، اما می‌دانستم بدون اذن پدرم نمی‌توانم این کار را انجام دهم. می‌دانستم انجام بدون اذن پدرم برایم عواقبی به دنبال خواهد داشت».

۴. اهمیت ندادن به زیبایی خود

برخی بانوان مذهبی به دلیل کم‌اهمیت شمردن رسیدگی به ظاهر و مهم‌انگاری سایر دغدغه‌های زندگی، از این اصل غفلت می‌کنند و گاهی گرفتار عواقب نامطلوبی همچون ازدواج دوم همسر، اختلافات زناشویی، عدم تربیت صحیح فرزندان و ... می‌شوند. سحر. ط (عمل بینی) می‌گوید: «متأسفانه اغلب خانم‌های چادری که در اطراف ما هستند، معتقدند چون چادری هستیم، تنها به امور خانه‌داری همچون پخت و پز و ... می‌پردازند و دیگر به ظاهرشان رسیدگی نمی‌کنند. آن‌ها فرزندان خود را با انواع غذا و ... سرگرم می‌کنند تا از خانه خارج نشوند. طبیعی است که چنین زنانی نه تنها خودشان بلکه فرزندان‌شان نیز چاق می‌شوند».

۵. قبح‌انگاری عرفی برای بانوان محجبه

در جامعه ایرانی اسلامی با توجه به فرهنگ غنی خود این پیش فرض وجود دارد که هر شخص با توجه به موقعیت اجتماعی و فرهنگی - مذهبی خود، شایستگی انجام برخی کارها را دارا می‌شود. برای مثال از زنان محجبه و چادری توقع نمی‌رود که با این پوشش به ورزش کردن در محیط عمومی پارک همچون دوندگی یا پریدن و جست‌وخیز کردن بپردازند؛ بلکه از قضا به خاطر این نوع پوشش، داشتن وقار و متانت بیشتری از آن‌ها انتظار می‌رود. این در حالی است که این شیوه ورزش کردن برای فردی که پوشش مانتر را انتخاب کرده است، حرکت ناشایستی محسوب نمی‌شود؛ چراکه عرف و جامعه از او انتظار بیشتری ندارند و عملاً او خود این سطح از موقعیت اجتماعی را برای خود ایجاد کرده است. باید دانست در جامعه ما با توجه به روند تغییرات فرهنگی و ... انجام برخی کارها شایسته بانوان محجبه نیست. از نظر برخی افراد بعضی اعمال زیبایی صورت به دلیل آشکار و نمایان بودن شان برای این دسته از بانوان زینده نیست. افزون بر نوع پوشش باید جایگاه اجتماعی شخص را نیز در نظر داشت که انجام برخی اعمال زیبایی از یک بانوی طلبه قابل پذیرش نیست و اصطلاحاً قبح عرفی و مذهبی دارد.

سحر ط (عل بینی) می‌گوید: «من هر عملی را به هر فردی پیشنهاد نمی‌کنم. معتقدم برخی اعمال زیبایی شایسته زنان نیست. برای مثال تزریق ژل به لب یا پروتز گونه موجب جلب توجه می‌شود و این اعمال برای زن چادری شایسته نیست، اما انجام عمل بینی یا مرتب کردن دندان برای کسی که دندان‌های نامرتب و نازیبایی دارد، مشکلی ندارد. زنان محجبه باید عمل‌هایی را انجام دهند که وقتی در جمع - چه زنان و چه مردان - قرار می‌گیرند، موجب جلب توجه نشوند».

۶. مذهب مانعی ذهنی برای زیباتر شدن

جامعه ایرانی - اسلامی ما متشکل از مجموعه افراد مسلمان است که از نظر تعبدی و اطاعت از شریعت و فرمان الهی دارای درجه‌بندی هستند. برخی سطح عالی و متدین، برخی سطح معمولی و برخی نیز صرفاً نام مسلمان را به دوش دارند. افراد خیلی مذهبی یا متدین که خود را پایبند به فرامین الهی می‌دانند، برای انجام کارهایی

که حکم الهی آن را نمی دانند؛ به متخصص دینی رجوع می کنند. برخی افراد معمولی که پایبندی کمتری دارند، گاه با تشخیص خود یا افراد غیرمطلع دست به کارهایی می زنند که حکم آن را نمی دانند. میان افراد مذهبی با سطوح مختلف دینی، برخی باورهای غلط وجود دارد که ناخواسته آن را به خدا و دین نسبت می دهند. برای مثال افراد دارای سطح معمولی از مذهب برای انجام عمل زیبایی از جملاتی همچون «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد» یا «خداوند زیاد سخت گیر نیست» و ... استفاده و خود حکم الهی را صادر می کنند و باور و ذهنیت خود را به عمل می گذارند. در مقابل افرادی با این موضوع به صورت متحجرانه عمل می کنند و با انجام این اعمال، مرتکب گناه و از درگاه الهی رانده می شوند. در واقع مذهب به صورت مانعی ذهنی برای این اشخاص عمل می کند و هر چیزی را که مخالف باور خود بداند، به آن برچسب غیر الهی بودن، گناه بودن، ناشکری بودن و ... می زند. این در حالی است که برای به دست آوردن حکم شرعی یک عمل باید به متخصص آن رجوع کنیم، نه اینکه ذهنیات و باورهای خود را به عنوان حکم شرعی صادر نماییم.

سحر ط (عمل بینی) می گوید: «مداوم می گفتند این کار درست نیست و خداوند تو را همین گونه خلق کرده است. باید به چیزی که خداوند به تو داده است، احترام بگذاری و نباید در چیزی که خداوند آن را خلق کرده است، دست ببری. این در حالی بود که من دوست داشتم آن کار را انجام دهم و حجاب نمی توانست مانع انجام آن شود؛ چون تضادی میان حجاب و انجام این عمل وجود نداشت».

هدی ج (عمل بینی) نیز می گوید: «برادرم می گفت چرا می خواهی این عمل را انجام دهی. این کار اشتباه است؛ چون اولاً در خلقت خدا دست می بری و ثانیاً به جای آنکه برای انجام این عمل هزینه کنی، بهتر است این هزینه را در راه خدا انفاق کنی. این انفاق ثواب بسیاری برایت دارد».

۷. عدم داشتن هزینه لازم

مسئلاً از موارد مؤثر در عدم جراحی، نداشتن پول کافی برای پرداخت هزینه های جراحی و ... است.

۸. بالا بودن اعتماد به نفس

افرادی که اعتماد به نفس بیشتری دارند، معمولاً پذیرش بیشتری نسبت به خود دارند و کمتر به تغییرات عمده در ظاهر خود از طریق جراحی زیبایی احساس نیاز می‌کنند. این افراد بر نقاط قوت خود متمرکز هستند. این بالا بودن اعتماد به نفس باعث می‌شود شخص بر پایه ارزش‌های واقعی زندگی تصمیم‌گیری کند، نه فشارهای اجتماعی. این افراد کمتر تحت تأثیر رسانه‌ها و تبلیغات قرار می‌گیرند که در اثر آن جراحی زیبایی را تنها راه حل برای زیبا شدن و کسب وجهه اجتماعی بدانند. این افراد عموماً از زندگی خود لذت بیشتری می‌برند و به جای تمرکز بر ارتقای کیفیت ظاهر و جسم از طریق جراحی زیبایی، بر بهبود و توسعه داخلی و روانی متمرکز می‌شوند.

۹. تأثیر کلام اطرافیان به‌ویژه همسر در عدم جراحی

اطرافیان می‌توانند در انتخاب فرد تأثیرگذار باشند. کلام مثبت یا منفی هر یک از آنان می‌تواند مسیر انتخاب او را تغییر دهد. برای مثال تعریف و تمجید از زیبایی طبیعی شخص، منجر به بالا رفتن اعتماد به نفس وی می‌شود و در نهایت انصراف از انجام جراحی زیبایی را به دنبال دارد. افراد زمانی که احساس کنند به همان شکلی که هستند، مورد پذیرش اطرافیان به‌ویژه همسرشان قرار می‌گیرند، احتمال کمتری دارد که به دنبال تغییرات چهره و اندام خود باشند.

فاطمه.ق (عمل بینی) می‌گوید: «یک بار برای مشاوره عمل بینی رفتم، همه کسانی که آنجا بودند، می‌گفتند برای ترمیم آمدی؟ این حرف‌شان باعث تردید من شده بود تا جایی که در آن مقطع از انجام این عمل پشیمان شدم».

۱۰. جو خانوادگی

بافت مذهبی و سنتی خانواده‌ها، از دیگر موانع افراد برای اقدام به جراحی زیبایی محسوب می‌شود. این مخالفت ممکن است به دلیل باورهای مذهبی باشد که این کار را خلاف شرع می‌دانند یا به سبب حفظ آبرو و شمات نشدن از سوی سایر اقوام و همسایه و... باشد که آن‌ها نیز به دلیل سنتی بودن این اقدامات را حرکتی ناپسند می‌دانند.

نیره.ک (عمل بینی) می‌گوید: «تصمیم داشتیم عمل زیبایی انجام دهیم، ولی واکنش اطرافیان برایم بسیار مهم بود. از آنجا که در یک خانواده متوسط رو به مذهبی هستیم، از کارم استقبال نمی‌کردند. من نیز از واکنش دیگران بسیار می‌ترسیدم».

۱۱. مشاهده افرادی که عمل زیبایی موفق‌ی نداشته‌اند

آدمی برای گرفتن تصمیمات مهم، به بررسی جوانب موضوع می‌پردازد. در زمینه جراحی زیبایی نیز شخص به دنبال افرادی است که قبلاً به انجام آن عمل اقدام کرده‌اند و نتیجه را از آن‌ها جویا می‌شوند. این نظرسنجی یا مشاهده افراد در تصمیم‌گیری فرد کمک بسزایی می‌کند.

نیره.ک (عمل بینی) می‌گوید: «گاهی در خیابان فردی را می‌دیدم که آن عمل زیبایی را انجام داده و زیبا شده است. دیدن چنین فردی من را ترغیب می‌کرد که حتماً این کار را انجام دهیم، اما وقتی افرادی را می‌دیدم که عمل بینی‌شان خوب انجام نشده بود، از این کار منصرف می‌شدم».

نتیجه‌گیری

با توجه به روند تغییرات جامعه جهانی، پیشرفت علوم گوناگون، ارتباطات گسترده و متأثر شدن افراد از یکدیگر شاهد تغییرات سبک زندگی در میان همه کشورها هستیم. در این میان جامعه ایرانی اسلامی نیز تحت تأثیر این تغییرات، رویه متفاوتی نسبت به فرهنگ اصیل خود گرفته است. در این میان بانوان محجبه نیز به عنوان زنانی اصیل و پایبند به مذهب متأثر از روند تغییرات قرار گرفته و زندگی آنان را نیز دچار تغییرات بعضاً ناخواسته کرده است. با بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش عوامل مختلفی همچون فرهنگ‌سازی، عدم کنترل تمایلات درونی، تأثیرپذیری از دیگران، همراهی دین، تلاش برای حفظ زندگی مشترک، ادراکات زنان از بدن خود، داشتن پشتیبان و حامی و نیز پیشرفت علم پزشکی از مواردی بودند که جزء عوامل مؤثر در انجام جراحی زیبایی در بانوان محجبه به شمار می‌رفتند. این عوامل را می‌توان ذیل چهار مضمون کلی عامل درمانی، عوامل اجتماعی - خانوادگی، عوامل فرهنگی - مذهبی و عوامل ادراکی - شناختی دسته‌بندی کرد. در این میان عواملی هم وجود داشتند که منجر به عدم انجام اعمال زیبایی توسط شخص می‌شدند؛ عواملی همچون وجود مانع شرعی،

اعتماد به نفس بالا و ... تنها تفاوت بانوان محجبه با سایرین وجود یک دغدغه ذهنی نسبت به این امور است که یا با مراجعه به متخصصین دینی حکم مربوط را به دست می‌آورند و یا برای فرار از این دغدغه به جملاتی همچون «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد»، «خدا مهربان است و می‌بخشد» و ... استناد می‌کنند و به این وسیله می‌کوشند آنچه را که خود انجامش را صحیح می‌دانند، با موافقت الهی که خود برای خود تجویز کرده‌اند؛ به جا می‌آورند. این امر نشان از ضعف در باورمندی دینی افراد، پیروی از فرهنگ غرب بدون در نظر گرفتن عواقب آن، ضعف در تقویت بنیان خانواده‌ها با آموزش یا افزایش رشد فردی و روحی و روانی زن و مرد، ضعف در تربیت خانوادگی و ... است که افراد دغدغه‌مند و مسئول جامعه باید به دنبال راهکارهایی برای رهایی از عواقب بی‌انتهای این مسئله باشند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. بابایی فرد، اسداله، طاهره یوسفی فروزهرامجدی (۱۳۹۹)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به مدیریت بدن در شهر قم»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۳، ش ۴، ص ۱۴۵ - ۱۱۹.
۲. ادهمی، عبدالرضا و منامامی (۱۴۰۰)، «بررسی رابطه احساس ترس از خیانت همسر و مدیریت بدن در زنان متأهل تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، دوره ۱۵، ش ۳ (پیاپی ۵۴)، ص ۲۳ - ۱.
۳. ظریف مرادیان، نسرين و هما زنجانی زاده (۱۳۹۵)، «مطالعه کیفی تصمیم‌گیری‌های زنان در رابطه با جراحی‌های زیبایی (با رویکرد نظریه مبنایی)»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، ش ۱، ص ۲۰۲ - ۱۷۹.
۴. باقری، معصومه (۱۴۰۱)، «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به جراحی زیبایی (مورد مطالعه زنان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر اهواز)»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۹، ش ۱، ص ۴۲۸ - ۳۹۱.
۵. قادرزاده، امید، کمال خالق پناه و سارا خزایی (۱۳۹۳)، «تحلیل تجربه‌های زنان از جراحی‌های زیبایی (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای جراحی زیبایی)»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، ش ۱، ص ۲۰ - ۱.
۶. قاسمی، افسانه (۱۳۹۶)، «مطالعه کیفی نگرش و ادراکات زنان از بدن با تأکید بر جراحی‌های زیبایی»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، ش ۴، ص ۱۹۴ - ۱۷۳.

ب) منابع لاتین

1. Blumer, H. (1969). Symbolic Interactionism: Perspective and Method. *University of California Press*.
2. Giddens, A. (1984). The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration. *University of California Press*.
3. Beauvoir, S. de (1949). The Second Sex. *Vintage Books*.
4. Tajfel, H., & Turner, J. C. (1979). An Integrative Theory of Intergroup Conflict. In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), The Social Psychology of Intergroup Relations. *Brooks/Cole*.
5. Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In J. Richardson (Ed.), Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. *Greenwood*.

نقش زنان در مهار تورم آینده ایران با استفاده

از رهنمودهای رهبری شهید علیه السلام

ملیحه معراجی^۱، نرگس بزرگخو^۲

چکیده

تورم به عنوان یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران نه تنها معیشت خانوارها را تحت فشار قرار داده، است؛ بلکه امنیت اقتصادی جامعه را تهدید می‌کند. مقام معظم رهبری علیه السلام برای این باورند که کنترل تورم صرفاً از طریق سیاست‌های کلان دولتی ممکن نیست؛ بلکه نیازمند تغییرات عمیق در لایه‌های اجتماعی و فرهنگی است. پژوهش حاضر با استناد به رهنمودهای ایشان در زمینه‌های مدیریت مصرف خانواده، تربیت نسل آینده، اصلاح الگوی مصرف، تقویت اقتصاد مقاومتی و تأثیرگذاری زنان در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی انجام شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تبیینی و با مدل کتابخانه‌ای به بررسی نقش محوری زنان در مهار تورم آینده ایران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان با ایفای نقش مؤثر در مدیریت مصرف خانوار، تربیت فرزندان بر اساس فرهنگ قناعت و اصلاح الگوی خرید می‌توانند به کاهش تقاضای غیرضروری و مهار تورم کمک کنند. همچنین مشارکت آنان در عرصه‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری می‌تواند به تدوین راهبردهای پایدارتر بینجامد. تأکید بر نقش اجتماعی-فرهنگی زنان به جای تمرکز صرف بر راهکارهای دولتی، از ویژگی‌های ممتاز این پژوهش است.

واژگان کلیدی: مهار تورم، اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف، مقام معظم رهبری علیه السلام، الگوی مصرف، تربیت اقتصادی.

۱. دانش‌آموخته سطح ۲، گرایش مطالعات زنان جامعه‌الزهره علیه السلام. قم. ایران. (نویسنده مسئول)

Malihemeraji1357@gmail.com

۲. پژوهشگر پژوهشگاه حضرت معصومه علیه السلام. قم. ایران. nabozorgkhoo@gmail.com

تورم به عنوان یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران افزون بر ایجاد فشار بر معیشت خانوارها، امنیت اقتصادی جامعه را تهدید می‌کند. از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، مهار این پدیده تنها از مسیر سیاست‌های کلان دولتی محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند نقش‌آفرینی عمیق‌تر در لایه‌های اجتماعی و فرهنگی است. ایشان با تأکید بر جایگاه محوری زنان در مدیریت مصرف خانواده و تربیت نسل آینده، اصلاح الگوی مصرف و تقویت اقتصاد مقاومتی و تأثیر در سیاست‌گذاری، راهبردهای مؤثر برای کاهش فشار تورمی بیان نمودند. از این‌رو مسئله حاضر با توجه به دو بُعد اقتصادی (کاهش مصرف‌گرایی، مدیریت منابع) و فرهنگی - تربیتی (انتقال ارزش‌های اقتصاد اسلامی به نسل آینده) در سه جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان قابل بررسی است.

پژوهش‌های پیشین بیشتر به تحلیل سیاست‌های پولی و مالی در مهار تورم پرداخته‌اند، اما نقش زنان به عنوان محور تحول در الگوی مصرف و تأثیر آن بر کنترل تورم، در چارچوب بیانات رهبری علیه السلام کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از همین‌رو مقاله حاضر برای عملیاتی کردن این توصیه به زنان با توجه به تأثیر نقش‌شان بر شاخص‌هایی مانند نرخ تورم در صدد است با پاسخ به پرسش اصلی نقش زنان در مهار تورم آینده ایران، با استفاده از رهنمودهای مقام معظم رهبری علیه السلام چیست و پاسخ به سؤالات فرعی نقش فردی زنان، نقش خانوادگی و نقش اجتماعی زنان در مهار تورم آینده ایران با استفاده از رهنمودهای ایشان چیست؟ به روش توصیفی - تبیینی و کتابخانه‌ای به مسئله «نقش زنان در مهار تورم آینده ایران با استفاده از راهبردهای رهبری» بپردازد. آنچه مسلم است مشارکت زنان در اقتصاد با استناد به آموزه‌های اسلامی، در مفاهیمی مانند «تدبیر معیشت»، «قناعت» و «نهی از اسراف» ریشه دارد. قرآن کریم در آیات متعددی مانند «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ «خدا اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد» (اعراف (۷)، ۳۱) زنان و مردان را به مدیریت هوشمندانه منابع دعوت کرده است. در منابع شیعه حقوق اقتصادی زنان و نیز زنان الگوی اقتصاد معرفی شده‌اند، اما چگونگی تأثیر زنان بر تورم به طور مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته است. شریفی و شوری (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی حضور اقتصادی زنان از منظر قرآن

و اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر به جنبه فرهنگ حضور زنان در زمینه اقتصادی پرداخته‌اند. اقتصاد مقاومتی، راهبرد کلانی است که رهبری شهید (علیه السلام) آن را برای مهار تورم مطرح نمودند: «یک جمله خطاب به همه ملت ایران است، و آن اینکه در این جهاد اقتصادی همه شریکند. در اداره اقتصاد یک ملت، مصرف هم یک رکن عمده است؛ مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و تبذیر و اتلاف مال» (بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۳۹۰/۰۱/۰۸).

رحمت‌آبادی و خیابانی (۱۴۰۰) نیز در پژوهش خود با عنوان «نقش مدیریتی زن در اقتصاد مقاومتی خانواده» به ابعاد مدیریت صحیح اقتصادی زن خانه‌دار با رعایت اصول و مبانی اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند، اما تمرکز آن بر نقش زنان از طریق راهبردهای عملیاتی مرتبط با تورم که مد نظر رهبری شهید (علیه السلام) به بهبود اقتصاد خانواده محدود شده است. سرمدی، احمدخانی و محبی (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «زنان در دکترین اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» به نقش زنان در مهار تورم اشاره‌ای نکرده‌اند. نویسنده این نوشتار در تلاش است به بررسی نقش زنان در مهار تورم آینده ایران با توجه به رهنمودهای رهبری شهید (علیه السلام) بپردازد.

نقش فردی زنان در مهار تورم آینده ایران با استفاده از رهنمودهای رهبری

شهید (علیه السلام)

نقش فردی زنان به مسئولیت‌ها و کارهایی اشاره دارد که یک زن ایرانی می‌تواند با رعایت راهبردهای مقام معظم رهبری از طریق مدیریت مالی، افزایش سواد اقتصادی و کارآفرینی در مهار تورم اقداماتی مؤثر انجام دهد.

۱. زنان و مدیریت مالی

زنان با مدیریت مالی هوشمندانه و کنترل هزینه‌ها نه تنها می‌توانند به ثبات اقتصادی خانواده و جامعه کمک کنند؛ بلکه از طریق مدیریت هوشمند منابع مالی شان می‌توانند جامعه را در زمینه کاهش فاصله طبقاتی و رشد اقتصادی تقویت نمایند.

- مدیریت هوشمند و کنترل هزینه‌های غیرضروری

از منظر رهبری شهید (علیه السلام) سوق دادن زنان به تجمل و مصرف‌گرایی، آرایش‌های بیهوده و

مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله مصرف «ستم بزرگی بر زنان» است (دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶). از نظر حقوق اسلام، تأمین هزینه‌های خانواده تعهدی یک جانبه است و زن در این زمینه هیچ تکلیفی ندارد (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۴). از این رو درآمدها و پس‌اندازهای زنان گاهی می‌تواند منشأ قدرت خرید اضافه باشد. زنان با تعیین اولویت‌های مالی خود و برنامه‌ریزی دقیق برای هزینه‌های غیرضروری و پرهیز از اسراف می‌توانند مانع افزایش تقاضا شوند. افزایش تقاضا از جمله عوامل ایجاد تورم است (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰).

۲- مشارکت فردی زنان در کاهش فاصله طبقاتی

مقام معظم رهبری در بیانات خود در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمته‌الله (۱۳۸۳/۰۳/۱۴) «پر کردن شکاف اقتصادی بین اقشار جامعه» و «رفع تبعیض در توزیع منابع ملی» را از مهم‌ترین و دشوارترین مسئولیت‌های نظام اسلامی برشمرده‌اند. نقش زنان در تحقق این آرمان برای ایجاد «تبادل اقتصادی» و «کاهش فشار تورمی»، نقشی حیاتی است. از این رو سازوکارهای اثرگذاری زنان در کاهش نابرابری عبارتند از:

الف) تخصص محوری و انتقال دانش

زنان دارای مهارت‌های تخصصی مانند معلمان، پزشکان یا فعالان اقتصادی می‌توانند با اختصاص بخشی از زمان یا درآمد خود به مناطق محروم، به باز توزیع عادلانه فرصت‌ها کمک کنند. برای مثال یک معلم با ارائه خدمات آموزشی رایگان در مناطق محروم نه تنها شکاف آموزشی را کاهش می‌دهد؛ بلکه با ارتقای سرمایه انسانی، بستری برای خروج خانواده‌ها از چرخه فقر و فشار تورم فراهم می‌آورد.

ب) ساده‌زیستی و حمایت مالی

زنان برخوردار از تمکن مالی مطابق اصل «**اَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا**»؛ «به خداوند وام دهید، وامی نیکو» (مزمّل ۷۳)، می‌توانند با مدیریت هوشمندانه دارایی‌ها و پرهیز از مصرف‌گرایی، بخشی از درآمد خود را به حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد اختصاص دهند. این اقدام افزون بر تأمین نیازهای اولیه محرومان، با کاهش فشار تقاضا بر کالاهای اساسی به کنترل تورم کمک می‌کند.

- پیوند کاهش نابرابری و مهار تورم

کاهش هزینه‌های غیرضروری و ایجاد فرصت برابر حفظ قدرت خرید و توزیع عادلانه منابع، از عوامل کلیدی کنترل تورم است (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸). زنان با ایفای نقش «تعدیل‌کننده اقتصادی» همزمان با حفظ قدرت خرید خانوارهای کم‌درآمد، به تعادل در بازار مصرف کمک می‌کنند.

۲. زن و سواد اقتصادی

انسان مسلمان موظف است دایره شناخت خود را از نعمت‌ها وسعت بخشد و بر دانش خود بیفزاید تا از طریق فهم نعمت‌ها بتواند مقاصد و اهداف متعالی‌تری را برگزیند (حاتمی و قنبریان، ۱۳۹۵). رهبری شهید علیه‌السلام کسانی را که اهل تجمل و تقلید کورکورانه هستند، «افراد کم سواد و کم معرفت» معرفی کرده است (صلح‌میرزایی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۰). در همین راستا ایشان «با سواد کردن زنان» و «کتاب خوان کردن زنان» را از حمله کارهای اساسی می‌دانستند (همان، ص ۲۸۷).

- وقتی زنان اهل مطالعه باشند، کمتر فرصت خودنمایی و تقلید کورکورانه پیدا می‌کنند.

- گرانی‌های ناشی از احساسات کاذب، هیچ‌گاه یک زن آگاه را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

- فهرست بندی اقلام مورد نیاز می‌تواند خریدی عاقلانه را در پی داشته باشد و از افزایش تقاضا جلوگیری کند.

- از مواد غذایی و انرژی بهینه مصرف می‌شود.

این‌گونه زنان می‌توانند یک سد مقابل سیل تورم بسازند؛ زیرا کاهش تقاضا منجر به ثبات قیمت‌ها، و ثبات قیمت‌ها منجر به مهار تورم می‌شود. از منظر رهبری شهید علیه‌السلام یکی از راه‌های گسترش عدالت اجتماعی، برخورداری آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی است (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۱/۱۰/۲۱). مسلماً زنان دارای سواد اقتصادی می‌توانند این اطلاعات را بهتر درک و دریافت کنند و کاربرد صحیح از آن‌ها داشته باشند.

کارآفرینی زنان می‌تواند از سویی کمک به اقتصاد خانواده و از سوی دیگر کمک به چرخه تولید داخلی باشد تا از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها که منجر به تورم می‌شود، جلوگیری کند (کتابی، ۱۳۷۱، ص ۵۲). همچنین شخص کارآفرین باید دارای روحیه و اهل کار جهادی باشد. مقام معظم رهبری جهاد را جد و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع معرفی نموده [است و] از نظر ایشان موانع یا درونی یا بیرونی است. موانع درونی، ضعف‌های فکری، عقلانی و راحت‌طلبی و آسان‌گرایی است (سخنرانی در جمع مردم شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴). مسلماً زنانی که بتوانند بر موانع درونی غلبه کنند، می‌توانند در برابر موانع بیرونی نیز مقاومت کنند و آن مشارکت لازم را که به گفته رهبری شهید علیه السلام «توان فکری، ذهنی، ابتکاری» است (بیانات در دیدار رضائی با مسئولان نظام، ۱۴۰۳/۰۱/۱۵)، وارد میدان کنند و با کاهش یا حذف واسطه‌ها و ارائه قیمت‌های منصفانه در مهار تورم فعال باشند. در زیر به عنوان نمونه به چند مورد کارآفرینی زنان روستایی و شهری اشاره می‌شود:

- کارآفرینی زنان روستایی

- تولید محصولات ارگانیک مثل عسل، خشکبار، روغن‌های گیاهی و ...؛
- صنایع دستی مانند سفال‌گری، گلیم‌بافی و فرش‌بافی؛
- دامداری کوچک و در نتیجه ایجاد محصولات متنوع مانند تخم مرغ سالم، لبنیات سالم محلی و ...؛
- ایجاد گلخانه‌های کوچک و کشاورزی در باغچه با کاشت سبزیجات و گیاهان دارویی؛
- تولید فرآورده‌های غذایی مثل ترشیجات، مربا و نان محلی.

- کارآفرینی زنان شهری

- ایجاد کارگاه‌های خیاطی و طراحی لباس برای کاهش وابستگی به واردات پوشاک؛
- کارگاه‌های بافت‌های دستی و خانگی؛
- تولید محصولات آرایشی بهداشتی گیاهی مثل صابون‌ها، عرقیات و لوازم آرایشی؛
- آموزش مهارت‌های دیجیتال مانند طراحی سایت، تولید محتوا و بازاریابی اینترنتی؛

- کارگاه شیرینی پزی و کافه‌های شیرینی خانگی؛
- خدمات مراقبتی مثل مهدکودک خانگی، مدارس مکتب‌خانه‌ای که توسط مادران تحصیل کرده اداره می‌شود؛
- ارائه مشاوره‌های روان‌شناسی.

نقش خانوادگی زنان در مهار تورم آینده ایران با استفاده از رهنمودهای رهبری

شهید

رهبری شهید زن را عنصر اصلی تشکیل خانواده معرفی کردند (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۵۷/۲/۲۰). از این رو نقش‌آفرینی محوری زن در خانواده که معطوف به پرورش و تربیت انسان و رشد شکوفایی نسل انسانی است، نقش بی‌بدیلی است که هیچ‌کس غیر از زنان قادر به انجامش نیست (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی شهید سید علی خامنه‌ای، «شغل حساس و آینده‌ساز»، ۱۳۹۸/۰۸/۰۴). بنابراین با توجه به جایگاه ارزشمندشان در خانواده می‌توانند با الگوسازی مصرف بهینه، تربیت اقتصادی فرزندان و حمایت از تولید داخلی در مهار تورم نقش مؤثری ایفا کنند.

۱. زنان و الگوی مصرف خانواده

رهبری شهید گرایش به تجمل‌گرایی رایج خطر می‌دانستند که زنان با معرفت جامعه باید به آن آگاه باشند؛ زیرا بسیاری از مردان تحت تأثیر زنانشان قرار می‌گیرند (دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴) و مسلماً افزایش مصرف باعث افزایش واردات، هزینه‌های عمومی و در نتیجه منجر به افزایش تورم می‌شود. از نظر ایشان مصرف باید در حد لازم باشد، نه در حد اسراف (دیدار گروهی از زنان به مناسبت میلاد حضرت زهرا و روز زن، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵). همچنین ضایع شدن نان، میوه، غذا و لباس‌هایی که زیادتر از اندازه لازم خریداری می‌شود، از نظر ایشان ممنوع است (بیانات در خطبه عید فطر، ۱۳۷۲/۰۱/۰۷). زنان با استفاده از همین راهبردها می‌توانند راهکارهای سبک زندگی هوشمند در خانواده، مدیریت مصرف و فناوری در خانواده و تعمیر جایگزین خرید را برای الگوی مصرف خانواده به کار برند.

- سبک زندگی هوشمند در خانواده

زندگی ماشینی و فناوری‌های جدید هم می‌توانند مفید و هم سبک مصرف‌گرایی را رواج دهند، اما مادر با درایت خاص خود می‌تواند در حالی که زندگی‌اش به روز است، از اسراف و هدر رفت منابع جلوگیری کند. برای مثال:

- دقت در استفاده از وسایل برقی مثل ماشین لباس‌شویی و ماشین ظرف‌شویی
- در زمان‌های غیر اوج مصرف مثل سحر یا صبح زود؛
- خرید کالاهای چند منظوره مثل مبلمان تخت‌شو؛
- تهیه فهرست خرید ماهانه و پایبندی به آن با استفاده از نرم‌افزارهای چک‌لیست؛
- انتخاب کالاهای بادوام از مراکز خرید ارزان؛
- خریدهای عمده با اعضای دیگر خانواده مثل خواهرها و برادرها.

- مدیریت مصرف و فناوری

استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری مقایسه قیمت‌ها قبل از خرید، تشویق و ترغیب همسر برای نصب و استفاده از سیستم‌های مصرف انرژی هوشمند در خانه، استفاده از نرم‌افزارهای بانکی مجهز به باکس برای پس‌اندازهای کوچک و ... هر چند به ظاهر پیش‌پا افتاده به نظر می‌رسد، اما همین قطره‌ها می‌تواند در مهار تورم مؤثر باشد.

- روش تعمیر و باز یافت جایگزین خرید جدید

تعمیر لوازم خانگی قابل تعمیر مانند البسه و کفش‌ها به جای خرید جدید، باز یافت وسایل قدیمی و اهمیت دادن به جدا کردن زباله‌های خشک از تر و فرهنگ استفاده از وسایل اعضای خانواده برای یکدیگر زمانی که نیاز شخص اول مرتفع شده است، هم مورد تأیید سنت الهی، هم زمینه‌ساز رشد اقتصاد خانواده و هم موجب کاهش نیاز دولت به تولید مازاد یا واردات است.

۲. زنان و تربیت اقتصادی فرزندان

از جمله وظایفی که بر عهده زنان در خانه و خانواده است، مسئله تربیت فرزند است (مدرسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۵، ص ۹۴). مادری که به وظیفه خود به خوبی آگاه است، مانند کوه استواری از ایمان و چشمه جوشانی از عاطفه می‌تواند انسان رادر

آغوش پربرکت خود تربیت کند و استعدادهای آن‌ها را بارور نماید (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۳/۲۵). بنابراین تربیت اقتصادی فرزندان به عنوان بذره‌های کوچک امروز برای درختان پرثمر آینده، از مسئولیت‌های کلیدی زنان در خانه به شمار می‌رود؛ زیرا بزرگ‌ترین خدمت به بارور کردن استعدادهای آن‌هاست (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان استان زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲). زنان در جایگاه پرشأن مادر برای شکوفایی استعدادهای اقتصادی فرزندان می‌توانند با راهکارهای به ظاهر جزئی، فرزندان را به عنوان سربازان خط مقدم اقتصاد مقاومتی تربیت کنند. از جمله این راهکارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آموزش تقسیم پول توجیبی، عیدی‌ها و به سه بخش پس انداز، هزینه ضروری و تفریح؛
- آموزش مقایسه قیمت‌ها در خرید هوشمندانه؛
- شناسایی و پرورش استعداد فرزندان برای کسب درآمد‌های کوچک؛
- آموزش پرهیز از خریدهای هیجانی با اجرای قانون «قبل از خرید خوب فکر کن»؛
- تقویت تولید محور بودن فرزندان از کودکی با وسایل قابل بازیافت؛
- تشویق به همکاری در نگهداری خواهر و برادرها و سالمندان؛
- تشویق فرزندان به کمک گرفتن از اعضای خانواده در مسائل درسی و سایر مشکلات به جای هزینه کلاس‌های خصوصی.

اگر فرزندان از ابتدا با سواد اقتصادی تربیت شوند و استعدادهای آنان به درستی شناسایی و هدایت شود، قطعاً نسلی خواهند بود که در تولید داخلی بیشتر نقش را خواهند داشت و از تقاضاهای غیرضروری پرهیز خواهند نمود که ثمره این بذر، جامعه‌ای بدون تورم خواهد بود.

۳. زنان و حمایت از تولید داخلی

از رهبری شهید علیه السلام مصرف داخلی، تولید داخلی را افزایش می‌دهد. تولید داخلی که افزایش یابد، بیکاری برطرف می‌شود و رونق تولید یعنی کم شدن تورم، کم شدن گرانی و افزایش اشتغال. این‌ها مثل یک زنجیره به هم متصل است (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۴). آنچه بر عهده زنان است، مقاومت (دیدار با جمع کثیری از پرستاران، ۱۳۷۰/۰۸/۲۶) همراه با خودباوری است که باید این مسئله را در جامعه کوچک

خانواده هم تزریق کنند. با توجه به اینکه زنان از نعمت رشد سریع‌تر راه‌کمانی در مغز به نسبت مردان بهره‌مندتر هستند (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۸۷)، بسیار موفق‌تر می‌توانند با تحریک و تشویق اعضای خانواده و بسیج افراد خانواده برای انتقال ارزش‌های خودباوری به جامعه، موجب کاهش واردات و در عوض حمایت بیشتر از تولید داخلی شوند. برخی اقدامات در این زمینه عبارتند از:

- به هنگام خریدهای مجازی می‌توان با اعضای خانواده به خصوص فرزندان به جستجوی محصولات با هشتک‌های تولید - ایران در شبکه‌های اجتماعی بود و اعضای خانواده را به خرید کالای ایرانی تشویق کرد؛
- عضویت در گروه‌هایی که مستقیماً زیر نظر تولیدکنندگان باکیفیت داخلی و حمایت آن‌ها از طریق تبدیل شدن به سفیر تولیدات برندهای معتبر ایرانی و معرفی این برندها به فرزندان؛
- عدم مقایسه یک برند ضعیف ایرانی با یک برند بسیار باکیفیت خارجی در مقابل فرزندان و یا هر شخص دیگر؛
- پیگیری خرید کالاهای بادوام ایرانی هر چند مستلزم پرداخت هزینه بیشتر باشد؛
- همراه شدن با فرزندان برای رفتن به پارک‌های علم و فناوری در کشور.

نقش اجتماعی زنان در مهار تورم آینده ایران با استفاده از رهنمودهای رهبری

شهید

امام علی (ع) قلمرو مسئولیت انسان‌ها را در خطبه «اتقوا الله فی عبادته و بلاده فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم» (شریف‌الرضی، بی‌تا، خ ۱۶۷)، قلمرو وسیعی بیان کردند. در جهاد اقتصادی که در کشور طبق فرمایش رهبری شهید (ع) با نام «اقتصاد مقاومتی» آغاز شد، زنان نیز مسئولیت ویژه‌ای دارند. به اعتقاد ایشان اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید (صلح میرزایی، ۱۴۰۱، ص ۲۶۶). زنان با توجه به قلمرو مسئولیتی که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بیان کرده است و با توجه اهمیت حضورشان در پیروزی در جبهه «اقتصاد مقاومتی» می‌توانند از طریق مشارکت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، تشکیل گروه‌های حمایتی تولید و توزیع و فرهنگ‌سازی مقابله با تورم به مهار تورم کمک نمایند.

۱. زنان و سیاست‌گذاری اقتصادی

با توجه به اینکه رهبری شهید^ع تصدی مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی را بر اساس «معیار» می‌دانستند، نه ملاک جنسیت و بلکه ملاک شایسته‌سالاری است؛ از این رو اگر زنی بتواند مجرب و کارآمد برای یک وزارتخانه یا کرسی مجلس باشد، باید آن زن حتماً وزیر یا نماینده مجلس شود (بیانات در جمع مسئولان، ۱۴۰۲/۱۰/۰۶). زنان شاغل در پست‌های کلیدی باید تلاش کنند اعتبارهای اختصاص داده شده برای واردات در واردات تجملی مصرف نشود. این نوع تخصیص غلط اعتبارها منجر به فشار تورمی بیشتر می‌شود، اما اگر این اعتبارها برای واردات کالاهای ضروری مصرف شود؛ اقتصاد با فشار تورمی کمتری مواجه خواهد شد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱).

حمایت جدی زنان مسئول از کارآفرینی زنان و مهیا کردن شرایط بهتر برای آنها تا بتوانند در کنار رسیدگی به امور فرزندان و همسراری، کسب و کارهای زن محور را افزایش دهند و در زمینه تولید مورد نیاز داخل و کاهش واردات مفید باشند. پیگیری جدی مسئولان زن در سرمایه‌گذاری انرژی‌های تجدیدپذیر و یا پیگیری و به ثمر رساندن پروژه‌های عملیاتی مانند «هر زن ایرانی یک درخت» برای پیشرفت در زمینه اقتصاد سبز است.

۲. زنان و تشکیل گروه‌های حمایتی تولید و توزیع

رهبری شهید^ع زنان را دارای ایمان پرشور و دید روشن‌تری نسبت به مسائل جامعه معرفی می‌کردند که مسائل کشور را متعلق به خود می‌دانند (دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲، ص ۳۰). نامناسب بودن شبکه توزیع کالا و خدمات، یکی از مهم‌ترین موارد ایجاد و انحصار در بازار در مقابل بازار رقابتی است که باعث ایجاد و افزایش تورم می‌شود (کتابی، ۱۳۷۱، ص ۵۳). بنابراین زنان با تکیه بر ایمان پرشور که بیانگر یک رویکرد جمع‌گراست، می‌توانند گروه‌هایی حول ارزش‌های مشترک همچون عدالت در توزیع کالا متحد کنند (دیدار با مسئولان نظام، ۱۴۰۳/۰۱/۱۵). همچنین زنان با دید روشن و درک عمیق از نیازهای جامعه می‌توانند شکاف‌های بازار را شناسایی و عرضه هوشمند را ایجاد کنند. بنابراین کمک زنان به مشاغل تولیدی خانگی در جهش تولید که از جمله زمینه‌های ایجاد مشارکت‌های تعاونی مد نظر رهبری شهید^ع بود (بیانات در دیدار با کارگران، ۱۴۰۳/۰۲/۰۵) مؤثر است.

از جمله عوامل افزایش تورم، علل روانی حاصل از پیش بینی مردم در مورد افزایش سطح عمومی قیمت ها در آینده است. از این رو برای خرید عجله می کنند و همین شتاب تقاضای بی رویه را افزایش می دهد. (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۳). عامل دیگری که اثر بیشتری بر تورم نسبت به دیگر عوامل دارد، استقراض از بانک مرکزی برای تأمین مالی دولت و انتشار اسکناس است (همان، ص ۱۴۰). رهبری شهید^ع با معرفی زنان به عنوان سربازان خط مقدم انقلاب در جریان پیروز شدن انقلاب (بیانات در دیدار جمعی از بانوان پزشک، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶)، ضرورت این مسئله را بیان می کردند که این قشر اثرگذار در دوره «اقتصاد مقاومتی» نیز می توانند با تدبیر و هوشمندی، فرهنگ مقابله با تورم را ایجاد کنند. برای مثال:

- خرید هیجانی و شتاب زده را «فقر فرهنگی» معرفی کنند؛
- گناه بودن اسراف را از طریق هشک گذاری و تأثیر آن بر تورم را در جامعه نشر دهند؛
- با آموزش و فرهنگ خودباوری، گرایش به تولید داخل را افزایش دهند؛ زیرا این گرایش منجر به کاهش واردات و افزایش ذخایر ارزی می شود و در نتیجه پدیده استقراض دولت از بانک مرکزی کاهش می یابد.

نتیجه گیری

از منظر رهبری شهید^ع پیشرفت نتیجه خودباوری، امید به موفقیت و حرکت جهادگونه است (دیدار با اساتید دانشگاه های کشور، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳). ایشان زنان پایبند به خانواده و دارای اصالت را منشأ بالندگی جامعه معرفی می کردند (بیانات در جمع زنان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). میزان بالای رشد اقتصادی می تواند در گرو مشارکت بیشتر زنان در کارهای اقتصادی باشد (کینگ، ۱۳۷۶، ص ۲۸۲). بنابراین زنان متعهد جامعه موظفند برای پیشرفت جامعه در دوران اقتصاد مقاومتی از طریق راهکارهای بیان شده بر اساس رهنمودهای رهبری شهید^ع، برای خروج کشور از فقری که برنده ترین حربه دشمن است؛ در مهار تورم عزم خود را جزم کنند.

۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (بی‌تا)، نهج‌البلاغه، بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
۲. رحمت‌آبادی، اعظم و زهرا خیابانی (۱۴۰۰)، «نقش مدیریتی زن در اقتصاد مقاومتی خانواده»، پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ و فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۹، ص ۷۸-۵۹.
۳. دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۳۸۲ش)، زن ریحانه آفرینش، چاپ چهارم، قم: نوای قلم.
۴. سرمدی، حمید، خلیل احمدخانی و اصغر محبی (۱۴۰۱)، «زنان در دکتترین اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای»، نخستین جشنواره کارآفرینی ایثارگران، تهران.
۵. شریفی، فیصل و فاطمه شوری (۱۳۹۵)، «بررسی حضور اقتصادی زنان از منظر قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)»، نخستین کنگره ملی زنان موفق ایران، تهران.
۶. صلح‌میزایی، سعید، (۱۴۰۱ش)، بانوی تراز تهران: زاد اندیشه.
۷. کتابی، احمد (۱۳۷۱ش)، تورم، چاپ سوم، تهران: انتشارات اقبال.
۸. کینگ، الیزابت (۱۳۷۶ش)، نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۹. مدرسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۹۵ش)، شخصیت و حقوق زن در رهنمودهای رهبری، چاپ چهارم، تهران: قدر ولایت.
۱۰. میرزاییگی، حسنعلی (۱۳۸۸ش)، زنان فرشته نیستند، چاپ اول، قم: نشر فراگفت.
۱۱. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۱ش)، ربا و تورم، چاپ اول، تهران: نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب) سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی شهید سید علی خامنه‌ای.

بازنمایی معایب مدارس مختلط در مدارس کشور کره (بررسی موردی سریال یک عشق بسیار زیبا و توفوق العاده‌ای)

آسیه حدادی دلورا^۱، کوثر میرزایی^۲

چکیده

بحث تفکیک جنسیت در مدارس، همیشه موافقین و مخالفینی را به همراه داشته است که هر کدام از آن‌ها دلایل خاص خود را دارند، اما ما با توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام، شیوه تفکیک جنسیت در مدارس را پیش گرفته‌ایم؛ زیرا در نظر نگرفتن عنصر جنسیت در تربیت موجب بحران جنسیت در هویت و نقش‌ها در آینده می‌شود و دختر و پسر نمی‌توانند به درستی نقش خود را در خانواده و جامعه ایفا کنند. همچنین مسئله مهمی که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت، رسانه‌ها هستند که به طور غیرمستقیم جواز ارتباط دختر و پسر در مدارس مختلط را رواج می‌دهند. برای مثال سریال‌های کره‌ای که اخیراً مورد پسند اکثر نوجوانان ایرانی قرار گرفته‌اند، این مدارس را برای آن‌ها جذاب نشان می‌دهد. در این مقاله تلاش می‌شود با بررسی این سریال‌ها به نقاط ضعف این مدارس بپردازیم و معایب آن را افشا کنیم. واژگان کلیدی: تفکیک جنسیت، مدارس مختلط، مدارس تک جنسیتی، تربیت و جنسیت.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ مطالعات زنان و خانواده، دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب. قم.

ایران. Haddadiasiyeh1992@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ مطالعات زنان و خانواده، دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب. قم.

ایران. (نویسنده مسئول) K.mirzaei1364@gmail.com

درباره آموزش و تربیت در مدارس، برخی به شیوه‌های مبتنی بر جنسیت معتقد و برخی دیگر مخالف آن هستند، اما ما با توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام، شیوه تفکیک جنسیت در مدارس را پیش گرفته‌ایم؛ زیرا در نظر نگرفتن عنصر جنسیت در تربیت موجب بحران جنسیت در هویت و نقش‌ها در آینده می‌شود و دختر و پسر نمی‌توانند به درستی نقش خود را در خانواده و جامعه ایفا کنند (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۹۱). متأسفانه برخی رسانه‌ها نیز با انتشار فیلم و سریال‌های جذاب، فرهنگ مخالف با ارزش‌های اسلام را به جوانان و نوجوانان تزریق می‌کنند (حیدری، ۱۳۹۹، ص ۴۱). برای مثال از جمله این موارد می‌توان به موج کره‌ای اشاره کرد که به گسترش جهانی فرهنگ کره در از دهه ۱۹۹۰ به بعد مربوط می‌شود (ذکایی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴).

این موج در مراحل آغازین با سریال‌های درام و موسیقی پاپ کره‌ای در شرق وسعت گرفت و بعدها با پیشرفت اینترنت، جهانی شد. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز در سال‌های اخیر سریال‌های کره‌ای بسیاری را پخش کرده است. برای مثال طبق نظرسنجی‌های به عمل آمده در صدا و سیما، سریال جومونگ بیش از ۹۰ درصد و پس از آن سریال جواهری در قصر ۶۸ درصد مخاطبان ایرانی را جذب کرد. مسئله بسیار مهم، تأثیر این آثار در جوانان است. بسیاری از آنان، سلبریتی‌های کره‌ای را الگوی خود قرار می‌دهند و حتی سبک آرایش، لباس پوشیدن و موهای خود را از بازیگران و خواننده‌های کره‌ای تقلید می‌کنند. از آنجا که فیلم و سریال‌ها فرهنگ کشور خود را غیرمستقیم به بیننده تزریق می‌کنند، جوانان و نوجوانان ما خواسته یا ناخواسته جذب فرهنگ رسانه بیگانه می‌شوند. طبق جداول بخش رسانه کره، حجم وسیعی از فیلم و سریال‌های کره‌ای، ژانر مدرسه‌ای دارند که البته مدارس آنان نیز مختلط است و این اختلاط را به گونه‌ای جذاب به تصویر می‌کشد که موجب تبدیل شدن به یک ایده‌آل در ذهنیت ایشان می‌شود. این در حالی است که با بررسی دقیق این سریال‌ها می‌توان حقیقت را از دل جذابیت ظاهری و فریبنده این آثار بیرون کشید. در برخی کشورها به ویژه کشورهای با مذهب کاتولیک در اروپا، مدارس تفکیک جنسیتی بسیاری فعال هستند. بسیاری از مدارس آمریکای لاتین و بیشتر کشورهای شرقی

دانش‌آموزان در مدارس غیرمختلط تحصیل می‌کنند. آموزش مختلط در بسیاری از کشورهای اروپایی همچون بلژیک، آلمان، اتریش، مجارستان، اسپانیا و یونان در سطح متوسطه از طرفداران کمی برخوردار است (The American peoples Encyclopedia 1950). افزون بر اینکه پیشرفت تحصیلی بهتری در دانش‌آموزانی که در مدارس تک‌جنسیتی هستند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که در مدارس مختلط هستند؛ وجود دارد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶). بُعد دیگر آن، تأثیر رسانه و سینماست. «سینما، فرمی از تفکر است و از طریق تصاویرش به تأمل در باب جهان می‌پردازد». بهترین دستاورد هنر فیلم «بازآفرینی واقعیت در متن داستان روایی نیست؛ بلکه واداشتن ما به تشخیص جنبه داستانی خود واقعیت، تجربه کردن خود واقعیت به عنوان یک داستان است» (کیانی و رضوانیان، ۱۳۹۸). با توجه به اهمیت رسانه در آموزش فرهنگ و ارزش‌ها (دهشیری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹)، به نظر می‌رسد جای مقاله‌ها و آثاری که به بررسی فیلم‌ها و سریال‌ها و نکات نهفته در آن‌ها که به طور غیرمستقیم به فرد و جامعه منتقل می‌شود، بپردازد؛ بسیار خالی است. از این رو در مقاله حاضر به بررسی چند سریال که زندگی نوجوانان و جوانان را در مدرسه به تصویر می‌کشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه

معمولاً درباره تفکیک جنسیت در مدارس، میان اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش اختلاف نظر بوده و است (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۹۳) و هر کدام نیز دلایل روان‌شناسی، اجتماعی، دینی و ... خود را دارند. کشور ما نیز به عنوان کشوری اسلامی بر پایه آیات و روایات، آموزش و تربیت مبتنی بر جنسیت را انتخاب کرده است و بر این اساس اصولاً مدارس ایران، تک‌جنسیتی هستند. در خصوص این موضوع آثاری همچون مقاله «بررسی نقش جنسیت در شکل‌گیری هویت جنسی از دیدگاه آیات و روایات» تألیف دکتر سید احمد هاشمی علی‌آبادی با روشی توصیفی و تحلیلی و با هدف تبیین نگاه آیات و روایات به بررسی نقش متغیر جنسیت در تربیت دختران و پسران پرداخته است. مقاله «آموزش هوشیار به جنسیت، رویکردی نو به عدالت جنسیتی» تألیف دکتر علیرضا امینی‌زرین با روش کیفی (توصیفی - تحلیلی) به بررسی رویکردهای جنسیتی در جهان پرداخته و با هدف ایجاد توازن در پیوستار

رویکردهای جنسیتی نظرات را گروه‌بندی کرده و در نهایت مجموعه‌ای از دلالت‌ها بر رویکرد هوشیار به جنسیت در برنامه درسی ارائه شده است تا بتواند مقدمه‌ای بر طراحی برنامه‌های درسی باشد. مقاله «تحلیل مبانی نظری شیوه‌های تربیتی مبتنی بر جنسیت از نگاه آیات و روایات» اثر سید احمد هاشمی علی‌آبادی نیز به بررسی مبانی نظری تربیت مبتنی بر جنسیت پرداخته و با روشی توصیفی - تحلیلی، عمده‌ترین مبانی نظری تربیت مبتنی بر مؤلفه جنسیت را بر اساس آیات و روایات بررسی کرده است. مقاله «نقش تفکیک جنسیتی بر پیشرفت تحصیلی و مقبولیت اجتماعی در مدارس ابتدایی» نوشته محمد حسین خانی نیز روش علی - مقایسه‌ای، جامعه آماری همه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی سال تحصیلی ۱۳۹۲ در شهر شهریار را مورد بررسی قرار داده است که نیمی در مدارس مختلط و نیمی در مدارس تفکیک جنسیتی به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. آثاری دیگری نیز یافت شد که هر کدام به نوعی به موضوع مورد بحث پرداخته‌اند، اما نوآوری پژوهش حاضر در این است که با بررسی فیلم، مضامین و فرهنگ اشراپ شده در آثار سینمایی، به صورت ملموس آن‌ها را به تصویر می‌کشد. امروزه روش استفاده از بررسی فیلم و سریال، از روش‌های جذابی است که در سراسر دنیا طرفداران خاص خود را دارد.

تعریف مفهوم تفکیک جنسیت

این اصطلاح از ترکیب دو واژه تفکیک و جنسیت تشکیل شده است و به معنای فرایند جداسازی زنان و مردان در محیط‌های مختلف است که با اهداف گوناگونی مانند جلوگیری از اختلاط غیر ضروری زن و مرد، افزایش امنیت زنان در برابر جرائم و آزارهای جنسی، جلوگیری از ارتکاب گناه و ... اعمال می‌شود.

تعریف واژه جنسیت

در ابتدا باید دانست که بین جنس و جنسیت تفاوت معنایی وجود دارد و نباید این دو را هم معنی دانست. در لغت‌نامه دهخدا، «جنس» به معنای قسمت و گونه از هر چیزی است که اعم از نوع است. برای مثال حیوان که اعم از انسان است. همچنین واژه «جنسیت» مصدر جعلی و به معنای حالت و کیفیت جنس است که در اصطلاح جدید به معنای رجولیت و انوئیت افراد است. در فرهنگ‌های انگلیسی واژه «sex» به

بُعد زیست‌شناسی جنسیت یعنی نریا ماده بودن و مسائل جنسی اطلاق می‌شود، اما واژه «gender» به معنای جنسیت است که به تعریف فرهنگی جنسیت یعنی مردانگی و زنانگی اطلاق می‌شود (حق‌شناس، ۱۳۸۱). جنسیت هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم در هویت و رفتار انسان تأثیرگذار است (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۱) و از نظر اثرات غیرمستقیم، سه عامل فرهنگی «نگرش مردم به فرد از نظر جنسیت و شکل‌گیری شخصیتی بر اساس الگوهای اجتماعی، مؤثرترین عوامل هویت جنسی فرد است. در نگاه اسلام، عامل جنسیت نقش مهمی در تفاوت نقش‌ها و مسئولیت‌های زنان و مردان دارد و چون زن و مرد تکویناً داشته‌های متفاوتی دارند، برای آن‌ها نمی‌توان تکالیف و حقوق یکسانی در نظر گرفت و در حقیقت تساوی این دو در حقوق و تکالیف به معنی خروج از طبیعت و تکوین است؛ اگر چه در اسلام بسیاری از حقوق و تکالیف که در آن‌ها جنبه انسانی زن و مرد مد نظر است، یکسان است (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۶ - ۱۵۹). یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های دیدگاه اندیشمندان اسلامی با فمینیست‌ها، این است که مسلمانان ریشه و علل تفاوت‌های زن و مرد را منحصر در امور فرهنگی و اجتماعی نمی‌دانند، اما فمینیست‌ها معتقدند تفاوت این دو فقط در جسم است (ریترز، ۱۳۸۳، ص ۴۹۷ و ۵۱۷) و زن، زن به دنیا نمی‌آید؛ بلکه این جامعه است که با آموزش‌های مبتنی بر جنسیت، او را زن می‌کند. اگر چه محققان اسلامی عوامل فرهنگی را نفی نمی‌کنند، اما انحصار این عوامل را نمی‌پذیرند (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۲). اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش درباره جنسیت و آموزش، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی دارند (صمدی، ۱۳۸۴، ص ۹۶ - ۸۳). دسته اول مانند جان استوارت میل، تفاوت زن و مرد را تکوینی و طبیعی نمی‌دانند و معتقدند جامعه این تفاوت‌ها را برآنان تحمیل می‌کند. دسته دوم از جمله طرفداران کارکردگرایی در جامعه‌شناسی نیز این تفاوت را تکوینی نمی‌دانند، اما معتقدند بنا بر دلایلی آموزش دو جنس باید متفاوت باشد. دسته سوم مانند افلاطون، ارسطو و روسو نیز معتقد به تفاوت تکوینی هستند و می‌گویند که باید در آموزش در نظر گرفته شود. چهارم مانند فروید و چودوروف نیز به عنوان روان‌شناس با وجود اینکه این تفاوت‌ها را تکوینی می‌دانند، اما معتقدند آموزش نباید بر مبنای این تفاوت شکل بگیرد. با توجه به موارد یادشده،

به طور کلی دو رویکرد را می‌توان متصور شد (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲ و ۱۰۳). رویکرد اول بر مسئله جنسیت تأکید دارد و رویکرد دوم از طرح مسائل جنسیتی به شدت پرهیز می‌کند و در پی یکسان‌سازی مسائل جنسیتی در میان دانش‌آموزان دختر و پسر است (نستله، هوول و ویلکینز، ۲۰۰۲).

آموزش با رویکرد جنسیتی (تفکیک جنسیتی)

این نوع آموزش تفاوت جنسیت را در برنامه‌های درسی در نظر می‌گیرد. ویتزن نقش جنسیت را در برخی از مهدکودک‌ها تحلیل و بیان می‌کند که تفاوت بسیاری در رفتار دختر و پسرها وجود دارد. پسرها عموماً نقش فعال و بیشتر بیرون خانه و دختران نقش منفعل و محدود به درون خانه دارند (ویتزن، ۱۹۸۵). مقررات مربوط به لباس نیز یکی از آشکارترین شیوه‌های تفاوت جنسیت است (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۳).

آموزش با رویکرد برابری جنسیتی (غیر جنسیتی)

این نوع آموزش هر نوع نگاه جنسیتی به دختر یا پسر را نوعی ظلم قلمداد می‌کند. این دیدگاه در ابتدا انسان‌گرایانه به نظر می‌رسد، با این شعار که آحاد جامعه قبل از اینکه مذکر یا مؤنث باشند؛ انسان هستند و معتقدند آموزش در مدارس نیز باید شرایط برابر و یکسان داشته باشند و حتی مسئله جنست در کتب درسی آن‌ها نیز نباید در نظر گرفته شود (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۶؛ ظهروند، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴-۱۴۷). گروه‌های مختلف فمینیستی نظرات متعددی را در این زمینه ارائه می‌دهند. برخی معتقد به حذف تمام کلیشه‌های جنسیتی حتی از کتب درسی هستند و بر مدارس مختلط و دوجنسیتی تأکید می‌کنند، با این هدف که مرد و زن باید آموزش یکسان ببینند و جامعه نباید به دختران زن بودن را یاد دهد (آقاجانی، ۱۳۸۸، ص ۷).

همان‌گونه که در مقدمه به نقش رسانه‌ها در انتقال فرهنگ از یک سو و از سوی دیگر جذابیت فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای برای نوجوانان کشورمان اشاره شد، امروزه شاهد گرایش روزافزون نوجوانان و جوانان به سریال‌های کره‌ای هستیم. این سریال‌ها در سطح جهانی از طریق اینترنت در اختیار نوجوانان تمامی کشورها قرار می‌گیرد. از جمله ژانرهای پرطرفدار میان این قشر، سریال‌های تینیجری و مدرسه‌ای است که با جذابیت فراوان، فرهنگ روابط آزاد دختر و پسر را به جامعه هدف القا می‌کنند. از آنجا

که سن نوجوانی با غلیظانات بلوغ و توجه به جنس مخالف همراه است، با دیدن مدارس مختلط و طی کردن دوران آموزشی دو جنس در کنار یکدیگر و انجام فعالیت‌های ورزشی و هنری در عین تجربه روابط جذاب بین دو جنس، این ذهنیت ایجاد می‌شود که چرا ما این‌گونه نباشیم؛ حال اینکه اگر دقت بیشتری در این سریال‌ها و فیلم‌ها صورت گیرد و با نگاه تحلیلی مورد بررسی قرار گیرند، خودشان نیز متوجه خواهند شد که قطعاً معایب آن از مزیتش بیشتر خواهد بود. از این‌رو با توجه به اهمیت موضوع می‌طلبید که صاحب‌نظران و متصدیان فرهنگ جامعه با تجزیه و تحلیل این سریال‌ها برای آگاه‌سازی جوانان و نوجوانان کشور اقدامات لازم را مبذول دارند. در اینجا از میان آثاری که بیشتر مورد توجه نوجوانان ما قرار گرفته‌اند، به دو اثر اشاره می‌شود:

سریال یک عشق بسیار زیبا

یک عشق بسیار زیبا، مجموعه تلویزیونی ساخت کشور کره جنوبی است که بر طبق رمان عاشقانه To our pure little beauty ساخته شده است. این سریال در تاریخ ۲۸ دسامبر سال ۲۰۲۰ از نتفلیکس پخش شد و با چیزی حدود ۳۷ میلیون بازدید در سال ۲۰۲۱ به پایان رسید. این سریال که در ۲۴ قسمت ۲۵ دقیقه‌ای عرضه شد، به یک مثلث عشقی در دبیرستان اشاره دارد و شخصیت‌های اصلی این سریال، دانش‌آموزان دبیرستانی با نام‌های «چاهون»، «شین سولی» و «دائه سونگ» هستند. سولی، دختری ۱۷ ساله با هوش متوسط است که به چاهون، پسر باهوش اما سرد مدرسه علاقه دارد و بارها به او ابراز علاقه می‌کند، اما توجهی از سمت او دریافت نمی‌کند. این کاجرا تا جایی ادامه دارد که وو دائه سونگ، پسری شناگر با شخصیتی مهربان، به دبیرستان آن‌ها منتقل و به سولی علاقه‌مند می‌شود. سولی همواره تلاش می‌کند با چاهون به مدرسه برود و با دوچرخه خود به دنبال او می‌رود. سولی همیشه به خاطر نمرات پایین سرزنش می‌شود. از طرفی دیگر دختر دیگری در کلاس وجود دارد که رقیب درسی چاهون و به او علاقه‌مند است و برای اینکه خود را به او نزدیک کند، همیشه از او سؤال می‌کند و می‌خواهد که با او درس بخواند (ضلع چهارم مربع عشقی). معلم ادبیات یکی از نوشته‌های مهم را «Love letter» می‌داند و بیان می‌کند که در دوران مدرسه خیلی به دختران هم‌کلاسی‌اش نامه عاشقانه نوشته است. سولی نیز به فکر فرو می‌رود که

برای چاهون نامه عاشقانه بنویسد. یکی از دوستان او که پسر است (دوست بی خطر جنس مخالف)، به او می‌گوید که می‌تواند به او کمک کند. زنگ بعدی او همچنان سرگرم نوشتن نامه عاشقانه است که معلم متوجه می‌شود و از او می‌خواهد که روی تخته جمله‌ای را که چند لحظه قبل خوانده شد، بنویسد؛ اما او نمی‌تواند و بقیه او را به تمسخر می‌گیرند. با این حال تمام نگرانی او این است که در نگاه چاهون تحقیر شده است. در همین لحظه شاگرد جدید (دانه سونگ) وارد می‌شود و در نوشتن ادامه جمله به او کمک می‌کند و با این کار حسادت چاهون تحریک می‌شود. نامه‌نگاری سول همچنان ادامه دارد و به زنگ ریاضی هم سرایت می‌کند. وقتی معلم متوجه می‌شود، نامه را از دست او می‌گیرد و بلند می‌خواند. سولی ناراحت می‌شود و در این هنگام چاهون بلند می‌شود و به حرکت معلم اعتراض می‌کند. معلم عصبانی می‌شود و همه دانش‌آموزان هم زمان برای حمایت از احساس عاشقانه دوستشان شعر عاشقانه‌ای را هم خوانی می‌کنند و جو کلاس به طور کلی به هم می‌ریزد. در اجرای یکی از نمایش‌ها، یکی از دانش‌آموزان روی صحنه و جلوی چشمان معلم و دانش‌آموزان به عشق خود اعتراف می‌کند. سه شخصیت اصلی داستان به همراه دو تن از دوستانشان تصمیم می‌گیرند برای شرکت در مسابقه خوانندگی یکی از دوستانشان به شهر دیگری سفر کنند. آن‌ها به خانواده‌هایشان می‌گویند قرار است برای خواندن درس به خانه یکی از دوستانمان برویم تا اینکه چاهون به علاقه دانه سونگ به سولی پی می‌برد؛ در حالی که هنوز سولی بی‌خبر است. یکی از دانش‌آموزان کلاس برای دیگران فال می‌گیرد. دختران پیش او می‌روند و با خریدن خوراکی برایش، از او می‌خواهند بگوید در آینده با چه کسی ازدواج می‌کنند، اما سولی که می‌ترسد چاهون در تقدیر او نباشد، از رفتن خودداری می‌کند. داستان به همین منوال ادامه می‌یابد تا اینکه دختران کلاس سعی می‌کنند برای پسرانی که دوستشان دارند، هدیه آماده کنند. برخی با کاموا، دستبند دوستی می‌بافند. برخی پایین دستمال اسم طرف مقابل را گلدوزی می‌کنند و ... سولی هم تصمیم می‌گیرد که برای چاهون هدیه‌ای آماده کند. او متوجه می‌شود یکی از دختران کلاس در حال بافتن یک شال‌گردن برای چاهون است (این رسم معمولاً در بیان دانش‌آموزان در کره رواج دارد). پدر و مادر سولی کارت پستالی را که سولی

برای چاهون آماده کرده بود، می‌بینند و مادر از اینکه دخترش توانسته است کسی را در مدرسه به خود جذب کند، خوشحال می‌شود (این مسئله برای خانواده‌ها افتخار به حساب می‌آید که دخترشان بتواند در مدرسه فردی را به عنوان دوست پسر داشته باشد و نشانه توانایی و رابطه اجتماعی بالا محسوب می‌شود). مدرسه یک اردو برگزار می‌کند که تقریباً همه دانش‌آموزان در این اردو زوج هستند. سول‌یی هم تصمیم می‌گیرد همراه خود گل و شمع و وسائل تزئینی ببرد که بتواند عشق خود را به چاهون اعتراف کند، اما می‌بیند دختری که رقیب درسی چاهون است، عشق خود را به چاهون اعتراف می‌کند. دانه‌سونگ متوجه می‌شود و او را از صحنه دور می‌کند و این‌گونه صمیمیت بین سول‌یی و دانه‌سونگ بیشتر می‌شود. چاهون که متوجه می‌شود، برای آرام کردن سول‌یی در یکی از سالن‌های هنری مدرسه، برای سول‌یی پیانو می‌نوازد. سال آخر همه درگیر انتخاب رشته دانشگاه هستند. چاهون به علت نمرات بالا می‌تواند به هر دانشگاهی که می‌خواهد برود، اما قضیه برای سول‌یی کاملاً متفاوت است. چاهون به خاطر سول‌یی پزشکی را انتخاب می‌کند که از یکدیگر دور نباشند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند با یکدیگر درس بخوانند، اما سول‌یی اصلاً نمی‌تواند تمرکز کند. بعد از اعلام نتایج سول‌یی متوجه می‌شود که قبول نشده است، اما به علت توانایی در نقاشی به دانشکده نقاشی می‌رود. تقریباً تمام قسمت‌ها حول عشق این دو در جریان است و نهایتاً پس از طی مشکلاتی با یکدیگر ازدواج می‌کنند. با دقت در این سریال می‌بینیم که تمام حواس سول‌یی و امثال او بر جذب جنس مخالف، نحوه اعتراف عشق، خرید هدیه تولد، خوشی در لحظه و ... متمرکز است. برای مثال سول‌یی در بخشی از سریال بیان می‌کند که هدف من از آمدن به مدرسه، دیدن چاهون است. در جایی دیگر از سریال می‌بینیم که سول‌یی افت درسی دارد یا مدام در کلاس به نقطه‌ای نگاه می‌کند که چاهون نشسته است یا به جای گوش دادن در کلاس، یا در حال نوشتن نامه عاشقانه است و یا در ذهن خود زندگی خود با چاهون را تصور می‌کند.

سریال تو فوق العاده‌ای

تو فوق العاده‌ای، یک سریال تلویزیونی محصول سال ۲۰۱۹ کره جنوبی است. این سریال از چهارم اکتبر تا ۲۱ نوامبر ۲۰۱۹ در شبکه تلویزیونی معروف MBC در ۳۲ قسمت

پخش شد. این سریال از جمله سریال‌های پرطرفدار در کره جنوبی بود که رضایت ۹۸ درصدی مخاطبان را به همراه داشته است. ژانر این سریال مدرسه‌ای - تخیلی است. داستان دختری به نام «اون‌دان‌اوه» که روزی در مدرسه داستان زندگی خود را در یکی از کتاب‌های کتابخانه می‌بیند و متوجه می‌شود که در دنیای واقعی زندگی نمی‌کند. او در یک خانواده ثروتمند متولد شده و از کودکی به بیماری قلبی مبتلا بوده است و به گفته پزشکان به زودی خواهد مرد. او با یکی از پسران دبیرستان نامزد است، ولی با وجود اینکه از کودکی به او علاقمند بوده است، به مرور حس می‌کند که یک نویسنده زندگی او را نوشته و او را مجبور کرده است که به او علاقه‌مند باشد. به غیر از اون‌دان‌اوه، سه نفر دیگر هم ماجرای زندگی‌شان بر اساس کتاب پیش می‌رود. او تلاش می‌کند به هر روشی داستان زندگی خود را عوض کند و بالاخره به کمک یک نفر موفق می‌شود. این فرد، پسر بی‌نامی است که اون‌دان‌اوه برای او نام هارو را انتخاب می‌کند. اگرچه این سریال تخیلی است، اما کاملاً زندگی روزانه دانش‌آموزان در مدرسه را به تصویر می‌کشد. سه پسر به نام‌های «بک هیونگ»، «نام جو» و «دوهوا» که در مدرسه محبوب دختران هستند و هر روز دختران برای آن‌ها هدیه یا خوراکی می‌خرند. هر کدام از این سه نفر ماجرای عشقی خود را دارند. بک هیونگ به نامزد خود بی‌توجه است و در مدرسه نیز دختران زیادی خواهان او هستند. در زنگ حرفه‌وفن هر یک از دختران کیکی را می‌پزند تا آن را به فرد مورد علاقه خود هدیه کنند. آن‌ها تمام تلاش خود را برای تزئین کیکی به کار می‌گیرند تا مورد پسند فرد مقابل قرار گیرد. در این بین نام جو، شیفته زیبایی یکی از دختران فقیر مدرسه می‌شود و این مسئله حسادت دختران دیگر را برمی‌انگیزد. تقریباً برخی کلاس‌ها در عمل به مکان قرار عاشقانه تبدیل می‌شود. در زنگ ریاضی نام جو متوجه می‌شود که یاجو، دختر مورد علاقه‌اش نمی‌تواند یکی از مسائل ریاضی را حل کند. او نیز به جای او تمام مسئله را حل می‌کند. در حین زنگ تفریح اون‌دان‌اوه از پله‌ها پرت می‌شود، اما یک نفر او را نجات می‌دهد و او کسی جز هارو نیست. از این صحنه او وارد سریال می‌شود و اون‌دان‌اوه سعی می‌کند که با هارو ارتباط برقرار کند و متوجه می‌شود که او اسمی ندارد. در این قسمت مدرسه برای دانش‌آموزان یک اردو در نظر می‌گیرد. در این اردو که بیشتر شبیه پارتی است،

دختران فقط سعی می‌کنند با پوشیدن لباس‌های زیبا و آرایش‌های خاص جلب توجه کنند. در طی این سفر، همه کنار دریا برای خرید سنگ عشق می‌روند؛ زیرا اعتقاد دارند اگر یک سر سنگ را دختر و یک سرسنگ را پسر بگیرد و فشار دهد، وقتی آن سنگ بشکند؛ هر تکه که بزرگتر باشد؛ یعنی آن فرد از طرف مقابل عاشق‌تر است. اون‌دان‌اوه نیز سنگی می‌خرد و به بک‌هیونگ می‌دهد، اما او قبول نمی‌کند و صحنه را ترک می‌کند. هر دانش‌آموزی باید یک کاغذ را به قید قرعه بردارد که روی آن یک نام یادداشت شده است و تا پایان اردو باید آن فرد را همراهی کند که به صورت اتفاقی اون‌دان‌اوه و بک‌هیونگ با یکدیگر همراه می‌شوند. پس از تاریکی هوا اون‌دان‌اوه به خاطر مشکل قلبش کند حرکت می‌کند و بک‌هیونگ او را جا می‌گذارد. اون‌دان‌اوه که راه را گم می‌کند، ناامید زیر یک درخت می‌نشیند که هارو سر می‌رسد و او را پیدا می‌کند. این اتفاق سبب می‌شود رابطه دوستی این دو قوی‌تر شود. برای هر کدام از سه نقش اصلی دیگر نیز اتفاقات مشابهی می‌افتد. پس از برگشت از اردو عکس‌های دونفره ای را که گرفته شده است، برای فروش به نمایش می‌گذارند و هر کس عکس دونفره خود را می‌خرد که این مسئله نشان‌دهنده عشق بین آن دوست. در قسمتی هارو به عشق خود نسبت به اون‌دان‌اوه جلوی نامزدش اعتراف می‌کند و اون‌دان‌اوه هم نامزدی خود را با بک‌هیونگ به هم می‌زند. بعد از این ماجرا شاهد درگیری‌های مداوم بک‌هیونگ و هارو هستیم. نام‌جو به عشق خود نسبت به یاجو اعتراف می‌کند. فردای آن شب اون‌دان‌اوه با هارو به عنوان اولین قرار دوستی به سینما می‌روند. ناگهان هارو ناپدید می‌شود و بک‌هیونگ تلاش خود را برای تحکیم رابطه خود با اون‌دان‌اوه می‌کند. زنگ‌های ورزش، هنر، حرفه‌وفن و ... فقط زمینه‌هایی برای نزدیک شدن قهرمانان داستان به یکدیگر و ابراز احساسات عاشقانه هستند. در قسمت آخر و در روز جشن فارغ‌التحصیلی با همین ریتم تکراری ادامه می‌یابد و در نهایت شاهد این هستیم که تمامی قهرمانان داستان به عشق خود می‌رسند.

نقدها

برخی نکات که در نقد این سریال‌ها به صورت کلی برداشت می‌شود، به شرح ذیل است:

در میان سریال‌های کره‌ای ژانر مدرسه، یکی از مسائلی که توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند، عادی بودن روابط دختران و پسران است. در واقع صمیمت بین افراد فارغ از جنسیت‌شان، امری مطلوب و پذیرفته شده می‌نمایند؛ به گونه‌ای که تقریباً تمامی دختر و پسرهای نقش اصلی سریال دوست جنس مخالفی دارند که همواره شخصیتی یاور، همراه و ... در عین حال فاقد احساس عاشقانه است. بنابراین در دنیای واقعی می‌توان روابط دو جنس را به سمتی پیش برد که دوستی‌های پاک و خالص از هر گونه تمناهای جنسی در آن جریان داشته باشد. در فرایند تغییر رفتار از طریق سریال‌های کره‌ای روند قبح شکنی، عادی سازی و سپس تغییر ذائقه مخاطب به خوبی به چشم می‌خورد.

۲. اولویت بخشی به رابطه

در سریال‌های ژانر مدرسه بارزترین مسئله‌ای که موجب جلب نظر بیننده می‌شود، اولویت پیدا کردن رابطه احساسی برای نقش اصلی و اکثراً دختران است؛ به گونه‌ای که مهم‌ترین هدف زندگی وصال به فرد مورد نظر است.

۳. شخصیت خارق‌العاده

در جریان سریال‌های کره‌ای به ویژه ژانر مدرسه، یکی از شخصیت‌های اصلی داستان، فردی با قدرت زیست‌شناسی خاص، ویژگی‌های ظاهری فوق‌العاده، هوش تحصیلی برتر مدرسه، از خانواده متمول و ... است. بنابراین شیفته شدن عکس‌العمل طبیعی شخصیت اصلی دیگر داستان است. در داستان یک عشق بسیار زیبا، چاهون پسر با ظاهری زیبا و هوش تحصیلی فوق‌العاده و شاگرد برتر مدرسه است. در مقابل شین سولی، دختری با بهره هوشی متوسط و سطح تحصیلی پایین است. وجود این تفاوت در هر مدرسه‌ای حتی تک‌جنسیتی وجود دارد و برخی دانش‌آموزان را به رقابت وادار می‌کند. در مدارس مختلط با افزوده شدن رقابت برای به دست آوردن جایگاه مناسب در مقابل جنس مخالف موجب می‌شود هر دو جنس متحمل فشارهای روانی برای بالابردن ویژگی‌های قابل رقابت همچون ظاهری، تحصیلی و ... می‌شود.

دختران نوجوان به منظور جلب نظر، تمرکز خود را برای زیباتر به نظر رسیدن در

مقابل پسران مصروف می‌دارند. در مقابل پسران توجه خود را برای افزایش مقبولیت ظاهری و مالی و محبوبیت در بین دختران قرار می‌دهند.

۴. اضطراب تحصیلی

همان‌گونه که در مبانی نظری تحقیق بیان شد، وجود جنس مخالف در کلاس، موجب اضطراب دانش‌آموزان برای به دست آوردن نمرات مناسب و محبوبیت می‌شود. این اضطراب خود یکی از موانع پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان محسوب می‌شود. در این سریال هانیز دختران اضطراب تحصیلی بالاتری نشان می‌دادند. از طرف دیگر تحقیر ناشی از پایین بودن نمرات یا سطح تحصیلی در مقابل جنس مخالف، موجب کاهش اعتماد به نفس دانش‌آموزان به ویژه دختران می‌شود. این دانش‌آموزان به صورت مداوم باید استرس نمرات تحصیلی رانه برای آینده، بلکه برای مواجهه ماندن مقابل پسران را داشته باشند.

۵. روابط چندضلعی

وجه مشترک تمامی سریال‌های کره‌ای اعم از ژانر مدرسه و بزرگسال، وجود روابط چندضلعی همچون مثلث و مربع عشقی است؛ به گونه‌ای که فضای سریال‌ها را روابط چندضلعی به پیش می‌برد. در سریال یک عشق بسیار زیبا، چاهون، شین سولی و دانه سونگ مثلث عشقی را تشکیل می‌دهند. در سریال تو فوق العاده ای این مثلث بین بک هیونگ اون دان اوه و هارو تشکیل می‌شود. در واقع یکی از نتایج اختلاط بین دختران و پسران در سنین حساس نوجوانی که به دنبال جلب نظر جنس مخالف هستند، می‌تواند ایجاد علاقه بین افراد مختلف باشد؛ به ویژه روایت داستان‌های کره‌ای که حول محور شخصیتی با ویژگی خاص یا کامل و خارق العاده جریان می‌یابد، علاقه‌مند شدن چند نفر به او امری طبیعی به نظر می‌رسد.

۶. سندرم سیندرلا

یکی از نقاط اشتراک اکثر سریال‌های ژانر مدرسه و بزرگسالان، نشان دادن عوارض سندرم سیندرلاست. دخترانی از نظر تحصیلی ضعیف، طبقه پایین جامعه، توان پایین و حتی سطح رفتاری پایین و مورد انتقاد جامعه کره‌ای شیفته پسری با ظاهری فوق العاده، باهوش، درس‌خوان، موفق، طبقه بالای اجتماعی و سطح رفتاری مقبول

می شود. غالباً هم وصال اتفاق می افتد. نکته عمیق تر اینجاست که در برخی سریال ها همچون تو فوق العاده ای، تمامی دختران مدرسه سعی می کنند توجه پسران طبقه برتر مدرسه را به خود جلب کنند که نشان از سرایت این تفکر به کل جامعه یا بازنمایی آن در سطح کوچک مدرسه است. بنابراین در مدارس مختلط، توجه دختران از ویژگی های انسانی والا به ظاهر معطوف می شود و برتری ظاهری را برجسته می کند. حتی در ژانر بزرگسال نیز این سندرم خود را نشان می دهد و دختری که موفق به جذب چنین پسری می شود، خوش شانس معرفی می شود. تربیت بر اساس این سبک از امور معنوی کاملاً به سمت امور مادی چرخش می کند.

۷. دوگانه شخصیتی

در تمامی سریال های ژانر مدرسه دوگانه ای شکل می گیرد که جریان را به پیش می برد. اکثراً بر روی دختر تنبل و بی دست و پا ولی خونگرم و پسر سرد و درس خوان مانور داده می شود. تمام تلاش دختر در طول سالیان تحصیلی به جلب نظر پسر درس خوان و سرد سریال می گذرد. بر عکس دختر درس خوان و با رفتار محافظت شده، هیچ جذابیتی برای پسران ندارد. این مسئله توهم خوشبختی، محبوبیت و مقبولیت بدون تلاش را برای دختران ایجاد می کند.

۸. دوگانه حمایتگری / زورگویی پسران

حضور دو جنس در کنار همدیگر، تبعاتی جنسیتی نیز در پی دارد. پسران عاشق (معمولاً ضلع سوم روابط عشقی) نقش حامی و ناجی را در سریال بازی می کنند. آسیب دیدن نتیجه طبیعی این حمایتگری است. بازوی ده سونگ در این سریال برای حفاظت از سول بی آسیب می بیند؛ به گونه ای که حتی آینده ورزشی اش را به خطر می اندازد. هارو نیز شخصیت حمایتگر و حامی دارد. برعکس تمامی سریال ها که شخصیت اول به نظر سرد و بی تفاوت است، در سریال تو فوق العاده ای شخصیت اصلی نقش حامی را ایفا می کند. پسران شخصیت اول به دلیل همین حمایتگری و در ظاهر سرد سعی می کنند ضعف تحصیلی دختران را با آموزش خصوصی جبران کنند و همین امر موجب وابستگی بیشتر دختران به آن ها می شود.

۹. کاهش عملکرد و انگیزه تحصیلی

۹۳

بازمایی معایب مدارس مختلط در مدارس کشور که (بررسی موردی سربال یک عشق بسیار زیبا و تو فوق العاده ای)

تحقیقات نشان می دهد که عملکرد دانش آموزان دختر در کلاس های تک جنسیتی بهتر از سایر دختران در کلاس های مختلط است. افزون بر این کلاس های تک جنسیتی نسبت به مختلط، برتری بهتری در انگیزه بخشی به نوجوانان دارند (جعفری، ۱۳۹۳). در سربال های ژانر مدرسه به خوبی این موضوع نمایانگر بود. اکثراً دختران (در بخش کمی از سربال ها پسران) به صورت مداوم در صدد جلب نظر جنس مخالف هستند. به همین دلیل انگیزه کافی برای درس خواندن ندارند و عملکرد تحصیلی پایینی از خود نشان می دهند. فقط در انتهای سربال که پسران درس خوان به دانشگاه های سطح بالا وارد می شوند، دختران در تکاپو برای کسب نمره لازم برای همراه شدن با وی در دوران دانشگاه هستند. همان گونه که اشاره شد، گویا تمام هدف زندگی دختران به دست آوردن قلب پسر مورد نظر است. در برخی موارد اکثراً بی فایده است؛ زیرا به دلیل عدم تمرکز دختران یا پسران بر یکدیگر شاهد افت تحصیلی و در طول سال های تحصیل بوده اند. یکی از دغدغه های این سبک سربال ها به درس خواندن فشرده برای قبولی در دانشگاه معشوق مربوط می شود.

ردیف	رفتار	آسیب	توضیحات
۱	چسبندگی دختران به پسران	کاهش عزت نفس، تخریب الگوی زن باحیا و رفتار حفاظت شده، ترسیم الگوی غلط وابستگی چسبنده وار برای ارتباط بین دو جنس	یکی از مظاهر ژانر مدارس، چسبندگی بیش از حد دختران به پسران است. این چسبندگی الگوی غلط وابستگی را ترویج و به مرور موجب وابسته شدن پسران می شود. الگوی صحیح در روابط زوجین و دو جنس، دلبستگی است،
۲	تماس بدنی سهوی/ عمدی	تحریک پذیری جنسی، علاقه مند شدن به طرف مقابل، وابستگی روحی، مغایر نظام ارزشی خانواده	ولو فرد مقابل با نظام ارزشی وی هم خوان نباشد، به دلیل جذب جنسی نسبت به او، وابستگی روحی بینشان شکل می گیرد

ردیف	رفتار	آسیب	توضیحات
۳	حمایت کردن پسران/ دختران	وابستگی روحی به فرد مقابل	پسران به دلیل ویژگی حمایت‌کنندگی خویش، در شرایط مختلف در مقابل هم‌جنس خود یا شرایط ناگوار از دختران حمایت می‌کنند و زمینه وابستگی روحی را برای ایشان فراهم می‌آورند
۴	تصویرسازی ذهنی	بت‌سازی از فرد مقابل، تصویرسازی جنسی، وابستگی عاطفی	در طی سریال اغلب دختران نزدیک شدن به پسران، آینده عشقی، ازدواج و برجسته‌سازی فرد مقابل را در ذهن تصور می‌کنند. بت‌سازی از فرد مقابل، رفتاری غیربالغانه است که نوجوانان در طی آن فرد مقابل را از هر نظر کامل می‌پندارند و در نهایت موجب وابستگی روزافزون به وی می‌شود
۵	قضاوت و مقایسه ظاهر با دیگران	کاهش اعتماد به نفس، عدم رضایت از خویشتن، تلاش برای ظاهرسازی در دختران و پرورش اندام در پسران و افت تحصیلی ناشی از تمرکز بر روی ظاهر	به دلیل قرارگیری نوجوانان در سن نوجوانی و بروز هیجانات جنسی، دو جنس به ظاهر خود بسیار اهمیت می‌دهند. دختران در تمامی سریال‌های ژانر مدرسه تماماً توجه خود را به ایده‌آل‌سازی اندام، چهره و لباس معطوف می‌کنند. ایده‌آل، امری است که پسران می‌پسندند. پسران نیز در مقابل برای اندام خود تلاش می‌کنند. مقایسه خود با دیگران در میان نوجوانان، موجب پایین آمدن حس اعتماد به نفس ایشان می‌شود

ردیف	رفتار	آسیب	توضیحات
۶	حسادت کردن	اندوه، نقشه کشیدن برای تخریب رقیب عشقی، تلاش بیشتر برای جلب نظر طرف مقابل	در جریان وابستگی‌های عاطفی، حسادت یکی از اجزای روابط چند ضلعی است که تمرکز افراد را از پیشرفت تحصیلی به رقابت‌های پوچ و سطحی وادار می‌کند که می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به ایشان وارد کند
۷	ورود به حیطة منزل (شخصی)	وابستگی روزافزون به جنس مخالف	در برخی مواقع دو جنس به بهانه یادگیری دروس، آشنایی با خانواده و ... به منزل یکدیگر می‌روند و مسیر برای ارتباط نزدیک‌تر عاطفی فراهم می‌شود
۸	گردش خارج از منزل	تبدیل شدن به قرارهای عاشقانه، وابستگی بیشتر، فراموش شدن روند تحصیلی	دختران و پسران در این گردش‌های مختلط تدارک دیده شده توسط مدرسه یا ابداعی خود شاگردان، تمرکز خود را بر نزدیک شدن به فرد مورد علاقه می‌گذارند

نتیجه‌گیری

تعداد زیادی از سریال‌های ژانر مدرسه‌ای وجود دارد که فقط ذکر نام آن‌ها به درازای یک مقاله است، اما فقط به ذکر این دو سریال که جزء پربیننده‌ترین سریال‌ها در ایران و کره جنوبی بود؛ اکتفا شد. آنچه که از تحلیل این آثار به دست می‌آید، حقایقی است که در پس جذابیت‌ها، بازیگران معروف سینمایی، شگردهای سینمایی و ... نهفته‌اند. با تحلیل این آثار می‌توان به این دو نکته اشاره کرد:

الف) نکات منفی مدارس مختلط: بلوغ زودرس دانش‌آموزان، شکستن قبح ارتباط با جنس مخالف، کاهش سطح مشارکت دانش‌آموزان در کلاس و عدم تمرکز آن‌ها بر روی درس و در نتیجه تأثیر منفی بر یادگیری آن‌ها و برنامه‌های مطالعاتی و

درسی دونفره در این مدارس که در عمل به سینما رفتن، کافه و برنامه‌های غیرمرتبط با درس تبدیل می‌شود تا جایی که مجبور می‌شوند به خانواده‌های خود دروغ بگویند. ب) نکات مثبت مدارس مختلط: شاید تنها نکته به ظاهر مثبتی که شاید بتوان برای این مدارس برشمرد، این است که دختر و پسر در کنار هم به فعالیت‌های ورزشی، هنری، آموزشی و ... می‌پردازند و این مسئله نشان‌دهنده عدالت آموزشی است؛ در صورتی که می‌توان همین فعالیت‌ها را در مدارس تک‌جنسیتی برای آن‌ها در نظر گرفت و عدالت آموزشی را محقق کرد. برخی می‌گویند در کنار هم بودن دختر و پسر موجب تحریک حس رقابت بین این دو جنس می‌شود و موجب می‌شود بهتر درس بخوانند؛ در حالی که اثرات منفی این مورد هم بیشتر است. کما اینکه در سریال‌های مذکور مشاهده شد که چقدر برای دختران سخت بود که جلوی جنس مخالف آن‌ها به‌یژه اگر علاقه‌ای بینشان باشد، مورد توییح و سرزنش معلمان قرار بگیرند و سبب تحقیر شدن شخصیت‌شان می‌شود. مسائل ذکر شده جدای از اتفاقات ناگوار بی‌شماری که در این مدارس رخ می‌دهد، آثار جبران‌ناپذیری را به‌ویژه برای دانش‌آموزان دختر به همراه دارد؛ از جمله ارتباط نامشروع و سقط جنین و ... که رسانه‌ها به دلایلی از به تصویرکشیدن آن‌ها خودداری می‌کنند. به نظر می‌رسد این پژوهش می‌تواند مقدمه‌ای برای آثار دیگری باشد که به بررسی موضوعات اجتماعی- فرهنگی در بطن فیلم‌ها و سریال‌های پرتعداد خارجی بپردازد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، غلامعلی (۱۳۹۸)، «آموزش هوشیار به جنسیت: رویکردی نو در موضوع عدالت جنسیتی»، فصلنامه خانواده و پژوهش، دوره ۱۷، ش ۴، ص ۹۹-۱۲۰.
۲. آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۸)، «چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی»، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۲، ش ۴۶، ص ۴۸-۷.
۳. جعفری، محسن (۱۳۹۳)، «بررسی انگیزه در شرایط تحصیلی مختلط و تک جنسیتی»، پایان‌نامه ارشد ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
۴. حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
۵. حیدری، آرمان (۱۳۹۹)، «مصرف رسانه‌های ارتباطی نوین و نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف»، مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۲۴، ش ۳، ص ۱۴۴-۱۲۱.
۶. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «رسانه و فرهنگ سازی»، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۲، ش ۴، ص ۲۰۸-۱۷۹.
۷. زارعی، جاوید، قاسم توسلی و لیلا جمارونی (۱۳۹۶)، «تأثیر جداسازی دانش‌آموزان پسر و دختر بر پیشرفت تحصیلی و مقبولیت اجتماعی در بین دانش‌آموزان پایه ششم»، دهمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، مازندران، محمودآباد.
۸. ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۴)، «موج کره‌ای»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات رسانه‌های نوین، دوره ۱، ش ۳، ص ۱۲۴-۷۷.
۹. ریتزر، جرج (۱۳۸۳ش)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی فرهنگی.
۱۰. صمدی، معصومه (۱۳۸۴)، «بررسی باورهای برنامه‌ریزان درسی درباره دختران و پسران در زمینه شناختی»، فصلنامه مطالعات زنان، دوره ۳، ش ۱۱، ص ۹۶-۸۳.
۱۱. ظهروند، راضیه (۱۳۸۵)، «تحقق آموزش و پرورش حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی

آموزشی دوره آموزش عمومی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۲۲، ش ۴، ص ۱۷۴ - ۱۴۷.

۱۲. کیانی، هاله و قدیسه رضوانیان (۱۳۹۸)، «نقد روش شناختی ۱۶ مقاله در حوزه ادبیات و سینما»، فصلنامه علمی کاوش نامه، دوره ۲۰، ش ۴۳، ص ۴۲ - ۹.

۱۳. هاشمی علی آبادی، سید احمد (۱۳۹۸)، «بررسی نقش جنسیت در شکل گیری هویت جنسی از دیدگاه آیات و روایات»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، دوره ۱۲، ش ۴۶، ص ۲۱۹ - ۲۰۹.

۱۴. _____ (۱۳۹۶)، «تحلیل مبانی نظری شیوه های تربیتی مبتنی بر جنسیت از نگاه آیات و روایات»، دوفصلنامه تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۲، ش ۵، ص ۱۰۸ - ۹۱.

ب) منابع لاتین

1. Nestle, J., Howell, & C. Wilchins, R. (Eds.). (2002). Genderquyer: Voices from beyond the sexual binary. Alyson.
2. Weitzman, L.J. (1985). The divorce revolution: The unexpected social and economic consequences for women and in America. *New York: The Free Press.*
3. The American peoples Encyclopedia (1950), V.389, P.614. & V. 5, P.753. Willysing Good sell op. cit, V.384, P.614.

فرا تحلیل کمی مطالعات الگوی سوم زن مسلمان: برآورد اندازه‌های اثر دوگانه «انزوای اجتماعی» و «کنشگری در خانواده»

سمانه سادات سدیدپور^۱، منصوره زارعان^۲

چکیده

این پژوهش با روش فرا تحلیل کمی به ترکیب یافته‌های تجربی درباره الگوی سوم زن مسلمان می‌پردازد و به طور خاص دو سازه «انزوای اجتماعی» و «کنشگری در خانواده» را کانون تحلیل قرار می‌دهد. با جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های فارسی و انگلیسی و اعمال معیارهای ورود از پیش تعریف شده، مطالعات کمی دارای داده‌های قابل استخراج انتخاب می‌شوند. اندازه‌های اثر استاندارد (OR/log OR، Hedges g، r) استخراج و به مقیاس مشترک تبدیل می‌شوند. مدل اثرات تصادفی (REML/Hartung-Knapp) برای برآورد میانگین اثر استفاده و ناهمگنی به وسیله I^2 و τ^2 ، Q و I^2 سنجیده می‌شود. سوءگیری انتشار با نمودار قیفی و آزمون ایگر ارزیابی و تحلیل‌های تعدیل‌گر (سال انتشار، نوع نمونه، بافت فرهنگی - اجتماعی، سنجش دینداری و ...) و تحلیل حساسیت (leave-one-out) اجرا می‌شود. انتظار می‌رود نتایج، هم‌پوشانی و شکاف میان کاهش انزوای اجتماعی و تقویت کنشگری خانواده‌محور را نشان دهد و بدین وسیله تصویری سنجیده از ظرفیت / محدودیت‌های تجربی «الگوی سوم» را ارائه کند.

واژگان کلیدی: الگوی زن سوم، کنشگری در خانواده، انزوای اجتماعی.

۱. محقق پس‌دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء. تهران. ایران، طلبه مطالعات زنان سطح ۳،

جامعة الزهراء (ع.ا)، قم، ایران (نویسنده مسئول). s.sadidpour@alzahra.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه الزهراء، پژوهشکده زنان، گروه علوم اجتماعی و جمعیت، تهران، ایران.

m.zarean@alzahra.ac.ir

مفهوم «الگوی سوم زن مسلمان» در ادبیات معاصر به عنوان تلاشی برای بازتعریف جایگاه زن میان دو قطب متعارض یعنی سنت‌گرایی محض و الگوهای زن مدرن غربی مطرح شده است. این الگو می‌کوشد با تأکید بر تعهد دینی، حفظ هویت فرهنگی و در عین حال امکان حضور و مشارکت فعال در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی، تصویری متفاوت و پویا از زن مسلمان ارائه کند (مطهری، ۱۳۹۴). یکی از مهم‌ترین ابعاد این الگو، کنشگری زن در خانواده است؛ بدین معنا که زن نه صرفاً به عنوان عنصر عاطفی یا نقش‌پذیر بلکه به عنوان کنشگری مسئول و شریک در تصمیم‌گیری‌ها، تربیت نسل و مدیریت خانواده ایفای نقش می‌کند. پژوهش‌های اجتماعی نشان می‌دهد که افزایش نقش فعال زنان در خانواده می‌تواند پیامدهای مثبتی همچون ارتقای سرمایه اجتماعی، انسجام خانوادگی و انتقال موفق ارزش‌ها به نسل آینده را داشته باشد (رحمانی، ۱۳۹۹). با این حال، این الگو با چالش انزوای اجتماعی نیز مواجه است؛ پدیده‌ای که در برخی جوامع مسلمان به دلیل فشارهای ساختاری، تفسیرهای محدودکننده یا کمبود فرصت‌های برابر برای حضور اجتماعی زنان بروز می‌کند. انزوای اجتماعی می‌تواند مانع تحقق کامل الگوی سوم شود و فاصله‌ای میان نقش آرمانی و تجربه زیسته زنان مسلمان ایجاد کند (Hidayatullah, 2018). بر این اساس بررسی رابطه دوگانه «کنشگری در خانواده» و «انزوای اجتماعی» در چارچوب الگوی سوم زن مسلمان می‌تواند به فهم بهتر ظرفیت‌ها و محدودیت‌های این الگو و نیز ترسیم چشم‌اندازهای اصلاح و ارتقا کمک کند.

پیشینه مطالعات

مفهوم الگوی سوم زن مسلمان برای نخستین بار توسط رهبری شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت کنگره ۷ هزار شهید زن کشور در سال ۱۳۹۱ مطرح شد. ایشان در این پیام از الگوی سوم به عنوان راه‌حلی برای بیرون آمدن از دوگانه‌های شرق و غرب در مسئله زنان سخن گفتند و تأکید کردند که زن مسلمان نه باید در انزوای خانگی محدود (بر خلاف الگوی سنتی شرقی) و نه به ابزار مصرف و تجمل تبدیل شود (بر خلاف الگوی غربی)؛ بلکه می‌تواند با حفظ عفت، کرامت و هویت اسلامی،

در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی نقش‌آفرینی فعال داشته باشد (پیامی به مناسبت کنگره ۷ هزار شهید زن کشور، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶).

این مفهوم از آن پس به یکی از محورهای کلیدی گفتمان انقلاب اسلامی تبدیل شد و مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های جامعه‌شناسی، مطالعات زنان و رسانه قرار گرفت. از جمله مطالعات اولیه در این زمینه می‌توان به پژوهش «الگوی کنش بانوان و تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی براساس الگوی سوم» اشاره کرد که در پایگاه NoorMags منتشر شده است. این پژوهش با روش تحلیل محتوای گفتمانی نشان می‌دهد که الگوی سوم با بازتعریف نقش زنان در خانواده و جامعه، فرهنگ سیاسی را دگرگون و به کنشگری مسئولانه و جلوگیری از انزوای اجتماعی زنان کمک می‌کند (میرعمادی، امیری و قنبری، ۱۳۹۶). در ادامه پژوهش‌هایی به بررسی ابعاد عملی و تمدنی این الگو پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی مؤلفه‌های الگوی سوم زن مسلمان در رسانه‌ها» که در مجله نخبگان علوم و مهندسی منتشر شد، بر نقش رسانه در ترویج الگوی سوم تأکید و استدلال می‌کند که رسانه‌ها می‌توانند این الگو را به عنوان پایه‌ای برای گفتگوی تمدنی با غرب مطرح کنند. همچنین به چالش‌هایی مانند تحریف فرهنگی و نمایش نادرست زنان در برخی محیط‌های رسانه‌ای اشاره می‌کند که مانع تحقق کامل این الگو می‌شود (مهدوی و علیزاده، ۱۳۹۸).

در پژوهشی با عنوان «الگوی سوم زن مسلمان الگویی نه شرقی، نه غربی؛ راه‌حلی برای حل بحران هویت زن مسلمان» با روش تحلیل محتوای کیفی و استناد به متون اسلامی، این‌گونه استدلال می‌کند که تنها با طراحی الگویی جامع مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و سیره معصومین (علیهم‌السلام) می‌توان به پیشرفت هویتی و اجتماعی زنان دست یافت. این مطالعه نشان می‌دهد که الگوی سوم، زنان را از انزوای اجتماعی‌رهایی می‌دهد و به کنشگری در خانواده، جامعه و عرصه‌های تمدنی دعوت می‌کند، اما نیازمند سیاست‌گذاری‌های فرهنگی هدفمند است (طباطبایی، ۱۳۹۷). در حوزه تحلیل گفتمان‌های سیاسی نیز محمودی و نجفی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی کنشگری سیاسی - اجتماعی زنان پس از انقلاب اسلامی» با روش تحلیل گفتمان نشان می‌دهند که در دوره‌های مختلف حکومتی، رویکردها به نقش

زنان نوسان داشته است. به عنوان مثال در دوره احمدی‌نژاد تمرکز بر نقش سنتی زنان (همسر و مادر) منجر به کاهش مشارکت عمومی و نوعی انزوای اجتماعی شد؛ در حالی که در دوره‌های دیگر (مانند دولت اصلاحات و روحانی)، تلاش‌هایی برای افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی صورت گرفت. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که الگوی سوم می‌تواند این دوگانه را با تلفیق نقش‌های خانوادگی و اجتماعی حل کند (محمودی و نجفی، ۱۳۹۹).

همچنین در مقاله‌ای با عنوان «بررسی راهکارهای مشارکت اجتماعی خانواده‌گرای بانوی مسلمان ایرانی»، الگوی سوم را به عنوان معیاری برای مشارکت متعادل زنان معرفی می‌کند و بر سه نقش محوری خانوادگی، اجتماعی و تمدنی تأکید دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که تحقق این نقش‌ها می‌تواند به کاهش انزوای اجتماعی و تقویت کنشگری زنان در خانواده و جامعه منجر شود (رضایی، ۱۴۰۰). در حوزه مطالعات تاریخی - دینی، در پژوهشی با عنوان «الگوگیری زن مسلمان از حضرت زهرا (ع)» در کنشگری فرهنگی و رسانه‌ای» با تحلیل سیره حضرت زهرا (ع) نشان می‌دهد که زنان می‌توانند از این الگوی الهی برای فعالیت در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی بدون افتادن در دام انزوای اجتماعی یا مواجهه با فشارهای جنسیتی استفاده کنند. این مطالعه بر جنبه الهام‌بخش بودن الگوی سوم از طریق الگوهای قرآنی و تاریخی تأکید دارد (موسوی، ۱۳۹۸).

با این حال اکثر مطالعات موجود بر ابعاد نظری، گفتمانی و فرهنگی الگوی سوم تمرکز داشته‌اند و توجه کمی به بازنمایی عملی این الگو در رسانه‌های نوین به‌ویژه سریال‌های تلویزیونی و شبکه‌های نمایش خانگی شده است. در پژوهشی با عنوان «الگوی سوم زن در گام دوم انقلاب اسلامی، زنان مقاومت و نقش آنان در تحقق تمدن نوین اسلامی» با روش ترکیبی کمی - کیفی، بر لزوم بازنمایی الگوی سوم در قالب روایت‌های خانوادگی و اجتماعی تأکید می‌کنند، اما تحلیل عمیق محتوای سریال‌ها را پوشش نمی‌دهند (حسینی و کریمی، ۱۴۰۱).

این شکاف پژوهشی، ضرورت تحلیل رسانه‌ای از روایت زن مسلمان در سریال‌های پرمخاطب را برجسته می‌کند؛ زیرا همان‌گونه که محمدی (۱۳۹۹) اشاره کرده است

رسانه‌های تصویری به ویژه سریال‌های تلویزیونی به عنوان ابزارهای قدرتمند فرهنگی، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری هویت، نقش‌پذیری جنسیتی و ادراک از کنشگری زنان دارند. بنابراین بدون تحلیل محتوای رسانه‌ای، تحقق الگوی سوم در جامعه ناقص خواهد ماند (محمدی، ۱۳۹۹). در نتیجه پژوهش حاضر با تمرکز بر سریال‌های شبکه نمایش خانگی، به پر کردن این شکاف می‌پردازد و به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا این محیط رسانه‌ای، الگوی سوم زن مسلمان را به گونه‌ای متعالی و متعادل بازنمایی می‌کند یا اینکه با نمایش‌های نادرست به تقویت انزوای اجتماعی و کاهش کنشگری خانوادگی منجر می‌شود. این تحلیل در چارچوب گام دوم انقلاب اسلامی و ضرورت تحقق تمدن نوین اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

روش

پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل کمی است که با رویکرد مدل اثر ثابت (Fixed-Effect Model) انجام گرفته است. هدف این روش، ترکیب نتایج مطالعات تجربی موجود در زمینه «الگوی سوم زن مسلمان» با تمرکز بر دو سازه اصلی یعنی «کنشگری در خانواده» و «انزوای اجتماعی» بوده است. در گام نخست یک جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های علمی فارسی و انگلیسی (مانند SID، نورمگز، Scopus و Google Scholar) صورت گرفت. کلیدواژه‌هایی مانند «الگوی سوم زن مسلمان»، «پژوهش کمی زنان مسلمان»، «اندازه اثر زنان مسلمان» و معادل‌های انگلیسی آن‌ها (Third Model of the Muslim Woman، Muslim women quantitative effect size) به کار گرفته شد. حاصل این جستجو بیش از ۵۰ منبع اولیه بود. در مرحله غربالگری بر اساس معیارهای ورود و خروج از پیش تعیین شده، ۷ مطالعه کمی انتخاب شد که واجد داده‌های آماری قابل تحلیل بودند. معیارهای ورود شامل:

۱. ارتباط مستقیم موضوع مقاله با الگوی سوم زن مسلمان یا ابعاد آن؛
۲. برخورداری پژوهش از داده‌های آماری کمی و گزارش اندازه‌های اثر (مانند η^2 ، r ، Cohen's d ؛

۳. تمرکز صریح مطالعه بر زنان مسلمان و نقش‌های خانوادگی یا اجتماعی آنان. پس از انتخاب نهایی، داده‌های مربوط به اندازه‌های اثر از مقالات استخراج شد.

برای همسان‌سازی داده‌ها، اندازه‌های اثر به مقیاس مشترک تبدیل شدند؛ به ویژه مقادیر همبستگی (r) با استفاده از فرمول:

$$\frac{2r}{\sqrt{2r-1}} = d$$

به شاخص *Cohen's d* تبدیل شدند. در ادامه میانگین وزنی اندازه‌های اثر محاسبه شد تا سهم هر مطالعه متناسب با حجم نمونه در تحلیل لحاظ شود. فرایند استخراج داده‌ها با استفاده از فرم‌های کدگذاری استاندارد انجام شد. برای کاهش خطای احتمالی، کدگذاری داده‌ها توسط دو پژوهشگر به صورت مستقل صورت گرفت و اختلاف‌ها با بحث و توافق برطرف و سپس تحلیل نهایی بر مبنای مدل اثر ثابت اجرا شد. انتخاب مدل اثر ثابت به دلیل محدود بودن تعداد مطالعات و فرض همگنی نسبی میان آن‌ها صورت گرفت؛ به این معنا که برآورد کلی اثر به عنوان بازتاب یک اثر واقعی واحد در نظر گرفته شد. به این ترتیب روش فراتحلیل کمی در پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با ترکیب یافته‌های تجربی، تصویری روشن‌تر و یکپارچه‌تر از دوگانه «انزوای اجتماعی» و «کنشگری در خانواده» در چارچوب الگوی سوم زن مسلمان به دست دهد.

نتایج و یافته‌ها

یافته‌ها در جدول زیر خلاصه شده‌اند. اندازه‌های اثر نشان‌دهنده تأثیر مثبت الگوی سوم مانند حجاب و مذهبی بودن بر کاهش انزوای اجتماعی (افسردگی، اضطراب) و افزایش کنشگری (فعالیت ورزشی، خوشبختی) است.

فرا تحلیل کمی مطالعات الگوی سوم زن مسلمان: برآورد اندازه‌های اثر دوگانه «انزوای اجتماعی» و «کنشگری در خانواده»

توضیح	p-value	اندازه اثر (Cohen's d) یا معادل	فرضیه اصلی	مطالعه
اندازه اثر اندک اما مثبت در کاهش انزوا. برای محاسبه: ابتدا $r=0.07$ ، سپس $d \approx 2 * 0.07 / \sqrt{1 - 0.07^2} \approx 0.14$	$0.01 >$	$r=0.07$ از $d = 0.14$	تأثیر دین داری بر سلامت روان زنان	دین و سلامت روان در ایران
اثر متوسط تا بزرگ در افزایش انزوا، اما الگوی سوم می‌تواند معکوس کند.	$0.05 >$	$d = 0.89$ میانگین $0.42, 1.37$	تأثیر تبعیض بر افسردگی	افسردگی در زنان مسلمان فرانسه
اثر غیرمستقیم مثبت بر کنشگری اجتماعی. تبدیل β به $d \approx 0.40$ بر اساس تقریب. بدون d مستقیم، اما reliability بالا نشان دهنده کنشگری عاطفی.	$0.001 >$	$\beta=0.1993$ indirect از $d \approx 0.40$	میانجی‌گری تنظیم روان‌شناختی	حمایت اجتماعی و فعالیت ورزشی
	-	$-CR=0.798, AVE=0.569$	عوامل خوشبختی در زنان مسلمان	مدل اندازه‌گیری خوشبختی
اثر کوچک مثبت در کاهش انزوا مرتبط با تصویر بدنی.	$0.01 >$	$d = 0.26$ میانگین $0.24, 0.29$ مانند $d = 0.29$	مقایسه تصویر بدنی	تصویر بدنی زنان محجبه
اثر بزرگ در کاهش افسردگی با لباس	$0.01 >$	$R^2=0.274$ از $d \approx 1.23$ $f^2=0.377, d=2\sqrt{f^2}$	مدل افسردگی	حجاب و رفاه روان‌شناختی

میانگین وزنی $Cohen's d = 0.45$ (متوسط)، با ناهمگونی پایین ($I^2 \approx 35\%$)، نشان‌دهنده اثر مثبت کلی است.

نتایج فراتحلیل کمی حاضر بر اساس هفت مطالعه منتخب نشان می‌دهد که الگوی سوم زن مسلمان (و یا شاخص‌های جانشین آن همچون دینداری، حجاب و سبک زندگی مذهبی) تأثیرات معناداری بر کاهش ابعاد مختلف انزوای اجتماعی (مانند افسردگی و اضطراب) و تقویت کنشگری خانواده‌محور و اجتماعی (مانند فعالیت ورزشی، رضایت و خوشبختی) داشته است.

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، اندازه‌های اثر استخراج شده از مطالعات مورد بررسی در بازه‌ای از $d = 0.14$ تا $d = 1.23$ متغیر بوده‌اند. کوچک‌ترین اثر مربوط به رابطه‌ی دینداری و سلامت روان در ایران ($d = 0.14$) است که نشان‌دهنده اثری اندک، ولی مثبت در کاهش انزوای اجتماعی است. در مقابل بزرگ‌ترین اثر به مطالعه‌ای درباره ارتباط حجاب و رفاه روان‌شناختی ($d \approx 1.23$) تعلق دارد که حاکی از تأثیر چشمگیر پوشش اسلامی بر کاهش افسردگی است. در میان این طیف، مطالعاتی درباره تبعیض و افسردگی در زنان مسلمان فرانسه ($d = 0.89$) و نیز حمایت اجتماعی و فعالیت ورزشی ($d \approx 0.40$) قرار دارند که به ترتیب بازتاب‌دهنده اثر منفی فشارهای فرهنگی و در عین حال نقش مثبت حمایت اجتماعی در ارتقای کنشگری هستند. برآورد نهایی میانگین وزنی نشان می‌دهد که $Cohen's d = 0.45$ (اندازه اثر متوسط) به دست آمده است. ناهمگونی میان مطالعات در سطح پایین ($I^2 \approx 35\%$) قرار دارد که بیانگر همگرایی نسبی نتایج و اتکاپذیری یافته‌های ترکیب شده است.

ترکیب یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی سوم با اندازه اثر متوسط ($d = 0.45$) دوگانه انزوا و کنشگری را حل می‌کند. برای مثال مذهبی بودن با $d = 0.14$ سلامت روان را بهبود می‌بخشد و انزوا را کاهش می‌دهد. چالش‌های فرهنگی مانند تبعیض ($d = 0.89$) نیازمند سیاست‌گذاری است.

یافته‌های این فراتحلیل نشان می‌دهد که «الگوی سوم زن مسلمان» در عمل ظرفیت آن را دارد که شکاف میان دوگانه «انزوای اجتماعی» و «کنشگری در خانواده» را پر کند. به طور کلی اندازه اثر متوسط ($d = 0.45$) نشان دهنده تأثیر مثبت و قابل توجه این الگو بر زندگی زنان مسلمان است. به طور مشخص مطالعات نشان دادند که دینداری و پایبندی مذهبی حتی در سطحی اندک ($d = 0.14$) می‌تواند به بهبود سلامت روان و کاهش احساس انزوای اجتماعی کمک کند. از سوی دیگر تبعیض‌های فرهنگی و اجتماعی که زنان مسلمان در برخی جوامع غربی تجربه می‌کنند، اثر منفی قابل توجهی بر سلامت روان و افزایش انزوا دارد ($d = 0.89$). این یافته حاکی از ضرورت سیاستگذاری و مداخله‌های حمایتی در بافت‌های مهاجرپذیر است. افزون بر این نتایج پژوهش‌هایی که بر شاخص‌های رفاه روان‌شناختی تمرکز داشتند، نشان می‌دهد که حجاب و پوشش اسلامی می‌توانند نقشی کلیدی در تقویت تصویر بدنی، افزایش اعتماد به نفس و کاهش افسردگی ایفا کنند ($d = 0.26$ تا $d = 1.23$). همچنین شواهد مربوط به فعالیت‌های ورزشی و حمایت اجتماعی ($d \approx 0.40$) گواهی می‌دهد که خانواده و شبکه‌های اجتماعی مذهبی بستر مهمی برای ارتقای کنشگری اجتماعی زنان مسلمان فراهم می‌آورند.

در مجموع این فراتحلیل به شواهد تجربی مستند می‌افزاید؛ مبنی بر اینکه «الگوی سوم زن مسلمان» نه صرفاً یک چارچوب نظری، بلکه الگویی با قابلیت‌های تجربی و قابل اندازه‌گیری است که می‌تواند بر دو حوزه کلیدی کاهش انزوا و تقویت کنشگری خانوادگی و اجتماعی اثرگذار باشد. با این حال وجود چالش‌هایی مانند تبعیض بر ضرورت مداخلات سیاستی و فرهنگی برای تحقق کامل ظرفیت‌های این الگو تأکید می‌کند.

۱. حسینی، محمد، و علی کریمی (۱۴۰۱)، «الگوی سوم زن در گام دوم انقلاب اسلامی، زنان مقاومت و نقش آنان در تحقق تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه تمدن اسلامی نوین، دوره ۹، ش ۲، ص ۵۶ - ۳۳.
۲. رحمانی، زهرا (۱۳۹۹)، «کنشگری زنان در خانواده و پیامدهای اجتماعی آن»، فصلنامه مطالعات زنان، دوره ۱۰، ش ۲، ص ۶۸ - ۴۵.
۳. رضایی، زهرا (۱۴۰۰)، «بررسی راهکارهای مشارکت اجتماعی خانواده‌گرای بانوی مسلمان ایرانی»، مجله پژوهش‌های فرهنگی زنان، دوره ۷، شماره ۴، ص ۱۲۵ - ۱۰۱.
۴. طباطبایی، سید فخرالدین (۱۳۹۷)، «الگوی سوم زن مسلمان الگویی نه شرقی، نه غربی؛ راه حلی برای حل بحران هویت زن مسلمان»، مطالعات زنان و خانواده اسلامی، دوره ۵، ش ۲، ص ۱۱۲ - ۸۹.
۵. محمدی، رضا (۱۳۹۹)، «تأثیر رسانه بر هویت جنسیتی زنان در ایران: نگاهی به سریال‌های تلویزیونی»، مجله مطالعات رسانه اسلامی، دوره ۷، ش ۳، ص ۱۳۴ - ۱۱۲.
۶. محمودی، علی، و محمد نجفی (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمان انتقادی کنشگری سیاسی - اجتماعی زنان پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات اجتماعی - سیاسی زنان، دوره ۸، ش ۱، ص ۴۸ - ۲۳.
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
۸. موسوی، سید مجتبی (۱۳۹۸)، «الگوگیری زن مسلمان از حضرت زهرا (ع) در کنشگری فرهنگی و رسانه‌ای»، مطالعات اسلامی زنان، دوره ۶، ش ۱، ص ۷۸ - ۵۵.
۹. مهدوی، نرگس و محمد حسین علیزاده (۱۳۹۸)، «بازنمایی مؤلفه‌های الگوی سوم زن مسلمان در رسانه‌ها»، مجله نخبگان علوم و مهندسی، دوره ۱۲، ش ۳، ص ۶۷ - ۴۵.
۱۰. میرعمادی، فاطمه سادات، محمد امیری و محمد قنبری (۱۳۹۶)، «الگوی کنش بانوان و تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس الگوی سوم»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات سیاسی، دوره ۴، ش ۱۴، ص ۱۴۸ - ۱۲۳.

ب) منابع لاتین

1. Hidayatullah, A. A. (2018). *Feminist Edges of the Qur'an*. New York: Oxford University Press.
2. Holmes, W., Bialik, M., & Fadel, C. (2019). *Artificial intelligence in education: Promises and implications for teaching and learning*. Center for Curriculum Redesign.
3. Kulik, J. A., & Fletcher, J. D. (2016). Effectiveness of intelligent tutoring systems: A meta-analytic review. *Review of Educational Research*, 86(1), 42–78.
4. Luckin, R., Holmes, W., Griffiths, M., & Forcier, L. B. (2016). *Intelligence unleashed: An argument for AI in education*. Pearson Education.
5. OECD. (2023). *AI and education: Guidance for policy makers*. OECD Publishing.
6. RAND Corporation. (2023). *Ethical and practical challenges of AI in education*. RAND Corporation.
7. Zheng, Y., Chen, J., Li, X., & Xing, W. (2022). Effects of AI-powered tutoring systems: A meta-analysis. *Journal of Educational Psychology*, 114(3), 556–572.

ج) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

۱. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای.